انتخاب های تسلیحاتی ایران
مسائل و تحلیل ها



بسم الله الرحمن الرحیم

انتخاب های تسلیحاتی ایران: مسائل و تحلیل‌ها

نویسنده:

پیروز ایزدی

ناشر چاپی:

دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران معاونت پژوهش

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتخاب های تسلیحاتی ایران: مسائل و تحلیل‌ها

مشخصات کتاب

عنوان:انتخاب های تسلیحاتی ایران : مسائل و تحلیل ها

نام کتابخانه:کتابخانه حضرت عبدالعظیم (ع) (حوزه علمیه خواهران)

پدیدآورنده:پیروز ایزدی

مترجم :پیروز ایزدی؛ ویرایش مظفر خرمی.

ناشر:دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران معاونت پژوهش.

موضوع:سلاحهای هسته ای - ایران.=سلاحهای هسته ای - ایران - کنترل.=موشکهای هدایت شونده - ایران.=سیاست نظامی - ایران=امنیت ملی - ایران

شماره ردیف:۱۳۵۹

کد عنوان:۱۳۰۹

عنوان قراردادی:انتخاب های تسلیحاتی ایران : مسائل و تحلیل ها

محل انتشار:تهران

یادداشتها:فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.

رده بندی کنگره:۵/ ۲۶۴ U/الف۹ ۸ الف

رده بندی دیویی:۳۵۵

برساخت

۱۰۹:ص

مقدمه

احتمال تبدیل شدن ایران به یک قدرت هسته‌ای یا تقریبا هسته‌ای همچون اسراییل و عراق، از موضوعاتی است که دولت جدید آمریکا با آن رو به رو می‌باشد. بر همین اساس، موازنه استراتژیک جدیدی در خاورمیانه، به گونه‌ای مطمئن و آرام در حال ظهور است که می‌تواند پیامدهای دامنه داری برای منافع آمریکا در این منطقه‌ی حیاتی، در بر داشته باشد. در این زمینه مهم‌ترین نگرانی، از هم پاشیدن فرایند صلح اعراب و خارج از آن می‌باشد. در این باره دو موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند: نخست، این احتمال که افزایش خشونت بین اسراییل و فلسطینی‌ها می‌تواند از کنترل خارج شده و موجب درگیری وسیع‌تری بین اعراب و اسراییل شود؛ دوم این که، تضعیف تحریم‌های سازمان ملل و نبود بازرسان سازمان ملل در عراق، و همچنین بالا بودن قیمت‌های نفت، توان صدام حسین را برای بازسازی برنامه‌های سلاح کشتار جمعی [۱] (WMD)و از جمله برنامه سلاح‌های هسته‌ای افزایش داده است.
این رویدادها، احتمال افزایش برنامه و راهکار دستیابی ایران به سلاح‌های

[صفحه ۲]

هسته‌ای را بیشتر می‌کند. مؤثرترین روش برای جامعه بین المللی جهت به تأخیر انداختن یا پیش گیری از برنامه سلاح‌های هسته‌ای

ایران آن است که مطمئن شود عراق هرگز به طور جدی برنامه‌های هسته‌ای یا بیولوژیکی خود را بازسازی نخواهد کرد. در این باره، شهرام چوبین در مقاله خود، خواننده را متقاعد می‌کند که تنها تهدید نظامی جدی که تلاش ایران را در زمینه برنامه سلاح‌های هسته‌ای توجیه می‌نماید، تهدید از جانب عراق می‌باشد. متأسفانه شواهد کافی در این زمینه وجود دارد که عراق همچنان مصمم به ساخت سلاح هسته‌ای است. بنابراین، نگرانی‌های ایران باید بسیار جدی گرفته شود. اخیرا دو کتاب به چاپ رسیدند که یکی از آنها آخرین عضو هیئت UNSCOM، ریچارد باتلر و دیگری توسط خضر حمزه، فیزیکدان هسته‌ای عراقی – که در برنامه هسته‌ای عراق کرده است – به رشته‌ی تحریر درآمده. این دو کتاب به خوبی نشانگر مصمم بودن رهبری عراق به ادامه برنامه‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد، که این امر نادیده انگاشتن معاهدات سازمان ملل به حساب می‌آید، معاهداتی که عراق یکی از طرف‌های آن به شمار می‌رود. این تصمیم همچنین با قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی [۲] (IAEA)- نهاد مأمور نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای عراق – تعارض دارد. [۳] .

[صفحه ۳]

از آنجا که گمان می‌رود ایرانی‌ها این کتاب‌ها را بخوانند، بنابراین، به نظر می‌رسد دلایل خوبی برای نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای عراق داشته باشند و در این راستا تعدادی از اقدامات متقابل جایگزین، از جمله راهکار سلاح‌های هسته‌ای از مد نظر قرار دهند. همچنین، باتلر در کتاب خود چنین استدلال می‌کند که سلاح‌های کشتار جمعی برای صدام که ادعا می‌کند برای رهبری جهان عرب فردی شایسته و تواناست، از اهمیت اساسی برخوردار است. [۴] .

او می‌نویسد: « ناکامی جامعه جهانی برای مقابله مؤثر با صدام حسین – مردی که مصمم است به هر قیمتی به سلاح‌های کشتار جمعی دست یافته، آنها را ذخیره کرده و حتی در صورت امکان، در تعقیب اهداف شخصی و سیاسی‌اش از آنها استفاده کند – مسأله‌ی بسیار عمیقی است و بحرانی را در مدیریت امنیت جهانی پدید می‌آورد. » [۵] .

نوشته‌های خضر حمزه از صدام حسین و تمایل او به ساخت بمب، بسیار جذاب است. وی در کتاب خود تصویر بسیار وحشتناکی از عزم صدام حسین برای به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای و تلاش بی‌امان او برای نیل به این هدف، ارائه می‌دهد. دلایل زیادی مبنی برا ین که عراق در پی شکست نظامی در سال ۱۹۹۱ و تصویب قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، برای مجازات این کشور، همچنان برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را حفظ کرده است، وجود دارد. از سال ۱۹۹۸ هیچ بازرسی در عراق حضور نداشته است و این موضوع نشان می‌دهد صدام ممکن است به اندازه کافی در برنامه‌های هسته‌ای خود پیشرفت کرده باشد و هم زمان با تضعیف تحریم‌ها و بالا رفتن قیمت‌های نفت، افزایش درآمدهای این کشور فرصت‌های بیشتری را برای خرید مواد قابل شکافت در بازارهای سیاه، جهت ساخت یک یا دو

[صفحه ۴]

بمب در اختیار عراق قرار دهند. دکتر حمزه بر این باور است که هنگامی که صدام بیش از یک بمب داشته باشد، احتمالا آن را آزمایش خواهد کرد. [۶] جالب این که، انجام آزمایش هسته‌ای چه در داخل خاک عراق و چه در یک کشور ثالث مانند پاکستان، حمایت گسترده‌ی جهان اسلام را برخواهد انگیخت. حتی متحدین نزدیک آمریکا همچون مصر و اردن نیز شاهد حضور مردم خود در خیابان‌ها در استقبال از این تحول، به عنوان راهی برای مقابله با توانایی هسته‌ای اسراییل و حمایت آمریکا از اسراییل خواهند

بود.

همه این رویدادها به طور جدی، بی ثباتی در ایران را دامن خواهد زد. گرچه ایرانی‌ها نیز با عدم حل و فصل منازعه اعراب و اسراییل دم از مخالفت با ایالات متحده و اسراییل می‌زنند، اما می‌دانند که این امر بیشتر برای آنها جنبه‌ی سیاسی و ایدئولوژیک دارد و نه جنبه‌ی حیاتی؛ یعنی موضوع اعراب و اسراییل، مسأله‌ای نیست که امنیت آنها را به خطر اندازد، بلکه عراق تهدیدی واقعی برای ایران ایجاد می‌کند و هر دولتی که در ایران سر کار باشد – صرف نظر از ماهیت رهبری آن – هر گونه تحول عمده در عراق را به طور جدی زیر نظر می‌گیرد. از این رو، روشن است که اگر نیروهای معتدل و میانه‌رو در تهران به رهبری خاتمی، سرانجام موفق به در دست گرفتن کلیه‌ی ابزارهای مهم قدرت از جمله نیروهای مسلح و انتظامی، قوه قضاییه و دستگاه‌های اطلاعاتی شوند، بعید است که نگرش آنها نسبت به عراق از برادران محافظه کارترشان چندان متفاوت باشد. در واقع، بیشتر اصلاح طلبان در زمینه ابراز احساسات ملی گرایانه، هم سویی قابل توجهی با محافظه کاران از خود نشان می‌دهند. این امر در این واقعیت بازتاب می‌یابد که برخی از سرسخت‌ترین

[صفحه ۵]

منتقدان مشارکت ایران در برنامه‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات، دیدگاه‌های معتدل و اصلاح طلبانه‌ای در سیاست داخلی دارند.
اگر جو حاکم ایران بر دولت فشار زیادی وارد آورد تا راهکارهای هسته‌ای را مد نظر قرار دهد، چالش واقعی برای دولت هنگامی رخ خواهد داد که مجبور شود به سمت نقطه‌ای قدم بردارد که در آنجا باید آشکارا از خطوط قرمز گذشته و تعهدات خود را در زمینه عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT)نقض کند. در این صورت، دولت یا باید به طور رسمی و قانونی از پیمان خارج شود تا به جهانیان نشان دهد که در پی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است، و یا این که با برنامه‌ای پنهانی، به فعالیت هسته‌ای بپردازد و این خطر را به جان بخرد که در صورت فاش شدن فعالیتش با خشم جامعه بین المللی و از جمله تحریم‌های بین‌المللی رو به رو خواهد شد. ابهام در مورد سیاست‌های هسته‌ای عراق احتمالا در تعیین تصمیمات ایرانی‌ها نقش مهمی خواهد داشت. اگر تهدید عراق بر طرف شود، ایران با هسته‌ای شدن چه آشکارا و چه پنهان، بهای سنگینی خواهد پرداخت و ممکن است به آن موقعیت یا قدرتی که امید دستیابی بدان را داشته است، برسد. جنبه‌های منفی برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران بسیار قابل توجه هستند، علاوه بر این به گفته شهرام چوبین و فریده فرهی، ایجاد نیروی پشتیبان موشکی لازم، برای پرتاب این سلاح‌های هسته‌ای نیز کار آسانی نمی‌باشد. همانطور که در مقاله ریچارد اسپایر هم به آن اشاره شده است.
با توجه به این مطالب، « مرکز نیکسون » [۷] برای درک بهتر نیازها و نگرانی‌های امنیتی ایران و همچنین یافتن راه‌هایی برای منصرف کردن ایران در پیش گرفتن برنامه سلاح‌های هسته‌ای، دست به فعالیت‌هایی زده است. با توجه به نگرانی‌هایی

[صفحه ۶]

که درباره فعالیت ایران در زمینه سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی وجود دارد و برنامه موشکی این کشور نیز به خوبی جا افتاده است، مسأله سلاح‌های هسته‌ای بسیار مهم می‌باشد. سلاح‌های هسته‌ای، طبقه‌ای از سیستم‌های تسلیحاتی را تشکیل می‌دهند که به راستی موازنه‌ی قوا در منطقه را تغییر می‌دهند. بنابراین برای مطالعات ما، از اهمیت اساسی برخوردارند.
این متن، اولین مقابله درباره این موضوع است. مقاله‌های دیگری در پی خواهند آمد که به شماری از راهکارهای واقع بینانه‌ای که

فرا روی ایران می‌باشد، اختصاص دارند، که در صورت تلاش ایران در تعقیب برنامه سلاح‌های هسته‌ای، به واکنش کشورهای همسایه از جمله اسراییل و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌پردازند. چهار مقاله موجود در این کتاب تعدادی از این موضوعات را در بر می گیرند.

جفری کمپ [۸] در نخستین مقاله خود، تحت عنوان « راهکارهای هسته‌ای ایران » چنین استدلال می کند که دولت ایران در رابطه با راهکارهای هسته‌ای خود با تعدادی معضل حاد رو به رو می‌باشد. از یک سو این کشور به دلیل تهدید عراق، برای برنامه‌های هسته‌ای خود دلایل واقعی دارد. و از سوی دیگر، کشوری است که یکی از طرف‌های پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT)محسوب می‌شود. با این همه، بیشتر دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا، بر این باورند که این کشور برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را به صورت پنهان – و غیر قانونی – در پیش گرفته است. نقض NPT برای ایران، خطر تحریم‌های بین المللی را در بر دارد. خروج رسمی و قانونی از پیمان، نشان دهنده نیت و قصد داشتن سلاح‌های هسته‌ای و یا استفاده از آنهاست، بنابراین احتمال واکنش‌های شدید آمریکا و کشورهای منطقه را بر خواهد

[صفحه ۷]

انگیخت. سطح و ماهیت این واکنش، بستگی به ماهیت دولت ایران خواهد داشت. در حال حاضر، احتمالا ایران به طور پنهانی برنامه‌ی هسته‌ای خود را تعقیب می کند و مراقب است که از خطوط قرمز عبور نکند تا باعث وضع تحریم‌های بین‌المللی نشود. شهرام چوبین در مقاله‌ی خود تحت عنوان « محیط استراتژیک ایران و سلاح‌های هسته‌ای » ، به بررسی فایده سلاح‌های هسته‌ای – با توجه به قابلیت کاربردشان – در وضعیت امنیتی کنونی ایران می‌پردازد. به عقیده‌ی وی، هواداران سلاح‌های هسته‌ای در ایران استدلال‌های کلی گرایانه‌ای ارائه می کنند. آنها ویژگی‌های محیط استراتژیک را نادیده می گیرند. چوبین از طریق تحلیل مسائل استراتژیکی که ایران در رابطه با کشورهای هم مرزش با آنها مواجه است، چنین نتیجه می گیرد که به استثنای عراق، خطر دیگری که با برنامه سلاح‌های هسته‌ای قابل مهار باشد، ایران را تهدید نمی‌کند. به نظر چوبین، ایران احتمالا راهکار هسته‌ای خود را در صورت تجدید تهدید عراق، برای خود محفوظ نگاه خواهد داشت، اما در غیر این صورت سلاح‌های هسته‌ای برای منافع ایران زیانبار خواهند بود.

فریده فرهی در مقاله خود تحت عنوان « داشتن یا نداشتن؟ » که در مورد بحث داخلی پیرامون سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد، به بررسی بحث عمومی فزاینده در ایران (درباره‌ی احتمال در پیش گرفتن برنامه سلاح‌های هسته‌ای و این که این بحث، چه مفهومی برای سیاست خارجی ایران می‌تواند داشته باشد)، می‌پردازد. به نظر او، در حالی که ممکن است بحث عمومی به طور مستقیم بر فرایند تصمیم گیری در پشت صحنه تأثیر نگذارد، با این حال روشنگر « افکار گوناگونی » خواهد بود که تصمیم گیرندگان ایرانی با آنها سر و کار دارند. کسانی که مخالف برنامه سلاح‌های هسته‌ای هستند، ضمن اشاره به هزینه‌های سنگین اقتصادی و محدودیت‌های تکنولوژیکی این برنامه، استدلال خود را بر این ایده بنا می‌نهند که به هنگام آسیب

[صفحه ۸]

دیدن روابط بین المللی، امنیت نیز کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، هواداران برنامه هسته‌ای بر مبنای نظریه واقع گرایانه روابط بین الملل، استدلال می کنند که سیاست خارجی ایران باید کمتر به روابط عمومی بپردازد و بیشتر به فکر قدرت چانه‌زنی باشد. با این

تفاسیر، هر دو دیدگاه معتقدند که پای بندی ایران به پیمان‌های بین المللی همچون NPT و CWC دست آوردی برای این کشور نداشته است.

مقاله ریچارد اسپایر، با عنوان « موشک‌های ایران و ظرفیت آن‌ها » ، به بحث درباره جنبه‌های فنی برنامه‌های موشکی ایران و راهکارها و محدودیت‌های حاصل از آنها می‌پردازد. همچنین نویسنده در مقاله‌ی خود به بررسی تفاوت بین موشک‌های بالستیک و کروز بر حسب برد، ظرفیت و دیگر متغیرها می‌پردازد. وی سپس انتخاب‌های ایران را در مورد توانمندی پرتاب تسلیحات متعارف، بیولوژیکی، شیمیایی و هسته‌ای را به وسیله موشک‌ها مورد توجه قرار می‌دهد.

جفری کمپ

مدیر برنامه‌های استراتژیک منطقه‌ای

[صفحه ۹]

راهکارهای هسته‌ای ایران

اشاره

جفری کمپ [۹] .

زمینه

بیشتر محافل دولتی ایالات متحده و بسیاری از تحلیل گران به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران از تعدادی برنامه‌ی هسته‌ای – که برخی پنهان و برخی دیگر آشکار هستند – پشتیبانی می کند که این امر در آینده‌ای نه چندان دور، راهکار تهیه و به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار این کشور قرار خواهد داد. نگرانی از برنامه‌های هسته‌ای ایران را می‌توان به چهار مؤلفه تقسیم کرد:

۱ – تحقیقات غیر نظامی و راکتورهایی که مشغول فعالیت، در دست ساخت و یا برنامه‌ریزی شده هستند؛

۲ – تلاش‌های پنهانی ایران، برای راه‌اندازی برنامه غنی سازی اورانیوم گریز از مرکز و یا احتمالاـ تأسیساتی برای جدا سازی پلوتونیوم (فرآوری مجدد)؛

۳ – کوشش عوامل ایرانی برای خرید غیر قانونی مواد قابل شکافت و اقلام دارای « کاربرد دوگانه » که در ساخت سلاح‌های هسته‌ای به کار می‌روند، از منابع خارجی بیشتر – نه انحصارا – از اروپا و شوروی سابق؛

[صفحه ۱۰]

۴ – برنامه ساخت موشک‌های زمین به زمین که احتمالا هدف از آن پرتاب سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد. [۱۰] .

همچنین بحث درباره‌ی سلاح‌های هسته‌ای ایران، با موضوعاتی همچون مقاصد سیاسی – نظامی ایران، دامنه، بزرگی، زمان‌بندی، هزینه مالی، مزایا و مضار استراتژیک یک برنامه هسته‌ای ارتباط دارد.

تصمیم ایران برای تهیه و استقرار سلاح‌های هسته‌ای، دارای پیامدهای دامنه‌دار و نیز وخیمی برای امنیت و ثبات خاورمیانه‌ی بزرگ خواهد بود. این امر حتی در مناطقی بسیار فراتر از خلیج فارس، در مدیترانه شرقی، قفقاز، جنوب آسیا و آسیای مرکزی تأثیر خواهد گذاشت. در حالت‌های حاد و افراطی، ترس از ورود سلاح‌های هسته‌ای به زرادخانه ایران ممکن است باعث شود کشورهایی چون اسراییل و حتی ایالات متحده در اقدامی پیشگیرانه، دست به عملیات نظامی علیه این کشور بزنند. سلاح‌های هسته‌ای ایران سوار بر موشک‌های زمین به زمین با برد متوسط، اهمیت استراتژیک بسیار بیشتری نسبت به استقرار سلاح‌های شیمیایی یا بیولوژیکی دارند. بنابراین، چگونگی جلوگیری از برنامه هسته‌ای ایران برای ایالات متحده باید از اولویت بالایی برخوردار باشد. این که این هدف (جلوگیری از برنامه هسته‌ای ایران) قابل تحقق است یا خیر و اگر چنین است آیا با اتخاذ سیاست مصالحه جویانه یا از راه اتخاذ سیاست مقابله و یا ترکیبی از هر دو راه می‌تواند به بهترین نحو تحقق یابد، موضوع مهم مورد بحث در سیاست آمریکا نسبت به ایران است.

[صفحه ۱۱]

در بررسی راهکارهای سلاح‌های هسته‌ای ایران باید چند واقعیت تحلیلی و سیاسی را مورد توجه قرار داد. نخست آن که بدون دسترسی به اطلاعات بسیار طبقه‌بندی شده، حدس و گمان درباره‌ی ماهیت دقیق فعالیت‌های ایران برای تحلیل گران محدود خواهد بود. دوم این که در مطبوعات و در میان تحلیل گران سیاسی این کشور، بحث عقلانی بودن موضع کنونی این کشور نسبت به سلاح‌های هسته‌ای روز به روز داغ‌تر می‌شود. سوم این که، جوهره‌ی بحث‌ها در ایران بیشتر درباره‌ی چگونگی ارتباط نوسانات سیاست خارجی با سلاح‌های هسته‌ای است و نه مسائل فنی یا نظامی. چهارم این که در ایران بحث عمومی در مورد تعداد گزارش‌ها و بیانیه‌های غرب اندک است. این امر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی برای فراهم آوردن تکنولوژی مورد نیاز، دست به ابتکارات پنهانی زده است که به طور مستقیم در ساخت سلاح‌های هسته‌ای سودمند می‌باشد.

تمایل ایران برای بررسی راهکار سلاح‌های هسته‌ای، از دهه ۱۹۶۰ یعنی هنگامی ایجاد شد که دولت طرفدار آمریکا (شاه) آرزوهای بزرگی برای نقش ایران در منطقه و جهان، در سر می‌پروراند. با این حال، جنگ خونین این کشور با عراق از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ و استفاده بغداد از سلاح‌های شیمیایی در این جنگ و حس انزوای ایران در جامعه جهانی، سبب شد مباحث داغی در دولت درباره‌ی فواید و قابلیت‌های سلاح‌های هسته‌ای صورت پذیرد. افزون بر این، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، در مه ۱۹۹۸ باعث شد استدلالات و موضع آن دسته از افرادی که در ایران سلاح‌های هسته‌ای را جزء اساسی دفاع ملی تلقی می‌کردند، تقویت شود. به علاوه، وجود قابلیت هسته‌ای اسراییل و موشک‌های دوربرد این کشور، احساس آسیب پذیری ایران را افزایش می‌دهد.

تعهدات ایران در برابر پیمان‌های بین المللی

فعالیت‌های ایران در دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی در چهار زمینه انجام

[صفحه ۱۲]

می‌شود: هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و سیستم‌های موشکی. هر یک از این‌ها مستلزم تفسیرها و واکنش‌های متفاوتی است. برنامه فرضی سلاح‌های هسته‌ای ایران باید در چارچوب ملاحظات گسترده‌تر کنترل تسلیحات جهانی و منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

بر خلاف هند، پاکستان و اسراییل که هیچ گاه پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT)را امضا نکرده و در نتیجه نسبت به آن تعهدی ندارند، ایران عضو این پیمان است. ایران یکی از طرفداران اصلی برنامه‌ی عدم گسترش در مجامع بین‌المللی گوناگون، از جمله کمیته خلع سلاح در ژنو و کنفرانس‌های بازنگری NPT که هر پنج سال یک بار در نیویورک برگزار می‌شود، بوده است. ایران در این مجامع و با پشتیبانی قابل توجه دیگر کشورهای در حال توسعه، با قدرت تمام استدلال کرده است که معیاری دو گانه، در سیاست آمریکا در رابطه با برنامه عدم گسترش وجود دارد. برای مثال، ایالات متحده هرگز مشکلی را که برنامه هسته‌ای اسراییل پدید آورده است، مطرح نمی‌کند و این استدلال گذشته از شعارهای همیشگی جهان عرب می‌باشد؛ مبنی بر این که سلاح‌های هسته‌ای اسراییل محرکی برای بلند پروازی‌های هسته‌ای عراق و ایران هستند.

پنج قدرت هسته‌ای موجود (ایالات متحده، روسیه، بریتانیا، فرانسه و چین)، عضو پیمان NPT نیستند و این، بدان معنی است که آنها می‌توانند سلاح‌های هسته‌ای خود را نگه دارند. با این حال، به موجب شرایط NPT این کشورها ملزم هستند که برای کاهش زرادخانه هسته‌ای خود به طور جدی تلاش کنند. این کشورها همچنین توافق کرده‌اند که فن‌آوری غیر نظامی هسته‌ای را در اختیار کشورهای عضو پیمان که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند، قرار دهند تا در زمینه‌ی برنامه‌های هسته‌ای غیر نظامی، برای امر پژوهش و تأمین انرژی به آنها یاری شود؛ اما در همین جاست که معضل وجود دارد.

این چهار دولت که به طور رسمی از سلاح‌های هسته‌ای برخوردارند، عضو

[صفحه ۱۳]

سازمان دیگری به نام « گروه عرضه کنندگان فن آوری هسته‌ای » [۲۱] نیز هستند که برای جلوگیری از صادرات تکنولوژی‌های هسته‌ای - و از جمله غیر نظامی - به کشورهایی که NPT را امضا نکرده‌اند طراحی شده است. تناقضی ذاتی در مفاد NPT و اقدامات یک جانبه گروه عرضه کنندگان تکنولوژی هسته‌ای، برای محدود ساختن انتقالات این فن آوری وجود دارد. این امر به مسأله شمال - جنوب تبدیل شده است و ایران رهبری مباحثی را در این زمینه بر عهده دارد. بر این اساس، کشورهای شمال سعی می‌کنند کشورهای جنوب را از دسترسی به تکنولوژی هسته‌ای محروم سازند، یعنی همان استدلالی که هندی‌ها سال‌هاست مطرح می‌کنند. معیار دوگانه‌ی ایالات متحده در این زمینه، خشم ایران را در مورد چگونگی برخورد با مسائل هسته‌ای تشدید کرده است. آمریکا با کره شمالی به توافقاتی دست یافت، مبنی بر این که در ازای از دست دادن توانایی‌های هسته‌ای کره شمالی در زمینه سلاح‌های هسته‌ای، راکتورهای آبی سبک در اختیار این کشور قرار دهد؛ ولی آمریکا از دست زدن به معامله‌ای مشابه با ایران امتناع می‌کند.

ایالات متحده بر این موضوع پافشاری می‌کند که نباید تکنولوژی هسته‌ای غیر نظامی به ایران عرضه شود، و در این زمینه، دیگر اعضای گروه عرضه کنندگان تکنولوژی هسته‌ای را برای رعایت این مسأله تحت فشار قرار می‌دهد. روسیه با این سیاست موافق نیست و چنین استدلال می‌کند که روابط این کشور از نظر عرضه‌ی فن‌آوری هسته‌ای با ایران، - به لحاظ فنی کاملا - قانونی بوده و مطابق با تعهدات این کشور، در قبال پیمان NPT می‌باشد. کشورهای غربی نیز معتقدندگر چه ایران هنوز از نظر فنی پای‌بند به تعهدات خود در قبال پیمان NPT است، با این حال این کشور به طور پنهانی برنامه‌ی سلاح‌های هسته‌ای خود را تعقیب می‌کند تاکنون از

[صفحه ۱۴]

خطوط قرمزی که آژانس بین المللی انرژی اتمی [۱۲]،
(IAEA) مشخص کرده، عبور نکرده است. به عبارت دیگر، ایران برای ساخت بمب برنامه‌ای دراز مدت، دارد. این موضوع را دستگاه‌های اطلاعاتی دست کم چهار کشور - آمریکا، بریتانیا، آلمان و اسراییل - تأیید کرده‌اند. بحث‌هایی در این زمینه وجود دارد که برنامه‌های هسته‌ای ایران چه هدفی را تعقیب می کند و چه هنگام عملیاتی می‌شود، اما هیچ بحثی درباره این واقعیت وجود ندارد که ایران فعالیت‌هایی را که در پیش گیرد که به ساخت سلاح‌های هسته‌ای کمک کند.
یکی از راه‌های ارتقای جایگاه بین المللی ایران، موافقت این کشور با تصویب دو پروتکل الحاقی IAEA می‌باشد که پس از تجربیات فاجعه بار IAEA با عراق، پیش از جنگ ۱۹۹۲ طراحی شدند. در آن زمان آشکار شد که عراق، در حالی که از بازرسی‌های IAEA استقبال می کند، به طور پنهانی برنامه‌ی مهمی را در زمینه سلاح‌های هسته‌ای آغاز کرده و بازرسان IAEA را فریب داده است. بدین ترتیب کشورهای عضو پیمان، دو شرط جدید پروتکل IAEA را که گاه به عنوان برنامه «۲ + ۹۳» شناخته می‌شود، برای پر کردن این خلاء و دشوار ساختن انجام فعالیت‌های پنهانی و مشکوک از دید بازرسان IAEA، طراحی کردند. تاکنون ایران از تصویب شروط ۲ به اضافه‌ی ۹۳ خودداری کرده است، چرا که همچنان فن آوری هسته‌ای غیر نظامی برای راکتور بوشهر در اختیار این کشور قرار داده نمی‌شود. در نتیجه دور باطلی پدید می‌آید: بدون پای بندی به برنامه ۲ به اضافه‌ی ۹۳، بازرسی‌های IAEA از تأسیسات هسته‌ای ایران توسط دستگاه‌های اطلاعاتی غرب جدی گرفته نمی‌شود. با این حال، ایران ۲ به اضافه‌ی ۹۳ را امضا نخواهد کرد مگر این که تعهد کاملی براساس فراهم آوردن فن‌آوری هسته‌ای غیر نظامی، به دست آورد. مقامات آمریکایی معتقد نیستند که این

[صفحه ۱۵]

بده بستان در حال حاضر ارزشمند باشد، چرا که آنها به دولت ایران اعتماد ندارند. آنها معتقدند که ایران ۲ به اضافه‌ی ۹۳ را تصویب کند و سپس بتواند به صورت نامحدود فناوری هسته‌ای غیر نظامی دریافت کند، مدت زمانی را که برای ساخت بمب نیاز دارد، بیشتر کاهش خواهد داد. تنها راه شکستن این حلقه برای آمریکا و متحدینش این خواهد بود که جزئیات بیشتری از آن دسته فعالیت‌های ایران که NPT را نقض می کند، افشا کنند. با این حال، این امر منابع اطلاعاتی مهمی را به مخاطره انداخته و کل طیف عملیات ضد اطلاعاتی را در معرض خطر قرار خواهد داد.
ایران همچنین قرار داد سلاح‌های شیمیایی [۱۳] (CWC)را امضا کرده و به تصویب رسانده است. شرایط بازرسی در این قرارداد به گونه‌ای وضع شده است که این پیمان را از دیگر پیمان‌های بین المللی کنترل تسلیحات، بسیار مداخله جویانه‌تر نشان می‌دهد. کلیه‌ی کشورهایی که CWC را به تصویب رسانده‌اند، باید اعلامیه‌ای را به سازمان منع سلاح‌های شیمیایی [۱۴] (OPCW) تسلیم کنند که نشان دهد چه قابلیت‌هایی از نظر سلاح‌های شیمیایی در گذشته در حال داشته‌اند و دارند و نیز چه اقداماتی برای رهایی از این سلاح‌ها انجام داده‌اند. بر این اساس، ایران فاش کرده است که دارای برنامه سلاح‌های شیمیایی در ماههای پایانی جنگ ایران و عراق بوده است، اما ادعا می کند که در حال حاضر، هیچ سلاح شیمیایی در اختیار ندارد و تمام تأسیساتی را که در جریان جنگ ایجاد کرده بود، نابود ساخته است. بسیاری از ناظران غربی، به این اعلامیه با شک و تردید می‌نگرند. ایران هنوز مورد بازرسی غافل گیرانه قرار نگرفته است (امری که تحت شرایط پیمان CWC امکان پذیر است). و این مسأله بیشتر به این دلیل بوده است که چندین کشور دیگر، هنوز به طور

[صفحه ۱۶]

کامل مقتضیات مربوط به تصویب آن را برآورده نساخته‌اند؛ از جمله تا همین اواخر، ایالات متحده مراحل تصویب آنرا تکمیل نکرده بود. ایرانی‌ها با هیجان زیاد چنین استدلال می‌کنند که آنها بیش از هر کشور دیگری، از موفقیت CWC سود می‌برند چرا که در زمان جنگ مورد حملات شیمیایی شدید عراق قرار نگرفته‌اند. از سوی دیگر، شمار اندکی از تحلیل‌گران معتقدند، تا زمانی که عراق همچنان دولتی ماجراجو و مجهز به قابلیت سلاح‌های شیمیایی باقی بماند ایران از راهکار سلاح‌های شیمیایی چشم‌پوشی نخواهد کرد. [۱۵] .

در مورد قرار دادن سلاح‌های بیولوژیکی [۱۶] (BWC)، باید گفت که ایران از امضا کنندگان آن است، اما به دلیل این که این قرارداد هنوز مورد تجدید نظر قرار نگرفته و توافقی نیز در مورد پروتکل (یادداشت تفاهم‌ها)ی آن صورت نپذیرفته است، لذا دارای آثار الزام آور نیست. با این حال، ایران ادعا می‌کند که به آن پای بند است؛ و تحلیل گران کمی در ایالات متحده این ادعا را باور دارند.

در مورد برنامه موشکی ایران، مسائل متفاوتی وجود دارند. هیچ پیمان بین المللی وجود ندارد که ایران یکی از طرف‌های آن باشد و توانایی این کشور را برای تهیه و ساخت موشک محدود سازد. گرچه برنامه‌ی کنترل فناوری موشکی [۱۷] (MTCR)برای جلوگیری از انتقال این فن آوری از قدرت‌های پیشرفته به قدرت‌های خواهان دستیابی به موشک طراحی شده است، اما این برنامه در مورد دریافت کنندگان این فن آوری اعمال نمی‌شود. از این رو، روسیه و چین که هر دو عضو این برنامه هستند، ممکن است فن آوری موشکی را به ایران عرضه کرده باشند، اما در این صورت آنها

[صفحه ۱۷]

هستند که برنامه کنترل پای‌بند نبوده‌اند، نه ایران.

ایران برنامه‌ی موشکی خود را، جزء مهم خط مشی سیاسی و امنیتی کشورش تلقی می‌کند. در برنامه موشکی این کشور، دو نوع موشک مورد توجه هستند: برنامه موشک‌های کروز که مبتنی بر طرحی است که ابتدا چینی‌ها ارائه دادند، یعنی موشک ضد کشتی کرم ابریشم [۱۸] و برنامه MSS از مدل‌های موشک اسکود [۱۹] ساخت شوروی و موشک نو - دونگ [۲۰] ساخت کره شمالی مشتق شده است. آخرین مدل SSM، یعنی شهاب ۴ دوباره مورد آزمایش قرار گرفت و گمان می‌رود که دارای برد کافی برای هدف قرار دادن اسراییل باشد. ایران به مناسبت‌های مختلف این موشک‌ها را به نمایش عموم گذاشته است و با اشاره تلویحی به آنها، بیانیه‌های سیاسی جالبی صادر کرده است. در یکی از بیانیه‌ها که به زبان انگلیسی نوشته شده بود - تا جهانیان از آن آگاه شوند - به انهدام قریب الوقوع اسراییل و « له کردن آمریکا در زیر پا » اشاره شده بود. [۲۱] بحثی در میان تحلیل گران غربی درباره میزان پیشرفته بودن برنامه موشکی ایران مطرح است. بی گمان، روس‌ها در زمینه دانش و سیستم‌های هدایت موشک کمک‌هایی به این کشور کرده‌اند، اما ایران تا مرحله‌ی دست یافتن به توانایی کامل تولید موشک، فاصله زیادی دارد. با این حال، اگر ایران تنها بخواهد با یک یا دو موشک و با نصب کلاهک‌های هسته‌ای به روی آنها همسایگان خود را مورد تهدید قرار دهد، این برنامه احتمالا کفایت خواهد کرد.

[صفحه ۱۸]

برنامه موشکی ایران، گرچه از نظر نظامی چندان سودمند نیست، ولی برای اسراییل و یا یک همسایه کوچک، سلاحی واقعی خواهد بود. دقت عمل چنین موشکی ممکن است بسیار اندک باشد، اما این امر نمی‌تواند اطمینان خاطری برای کشورهای مورد هدف ایران ایجاد کند. از این رو، کشورهایی مانند اسراییل این برنامه‌ها را بسیار جدی می گیرند.
مسأله دیگر این است که ایران همچون سایر کشورهای در حال توسعه، موشک و به ویژه SSM را، جانشینی برای هواپیماهای جنگی پیشرفته می‌داند. متحدین آمریکا، مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی دارای هواپیماهای جنگی بسیار پیشرفته‌تری نسبت به ایران هستند، چرا که تولید کنندگان اصلی غربی، تمایلی در فروش هواپیماهای پیشرفته به جمهوری اسلامی ندارند. بنابراین، از دیدگاه ایران، دلایل تهیه و ساخت موشک‌هایی که دارای کلاهک‌های جنگی متعارف و غیر متعارف، جهت راهکارهای نظامی علیه دشمنان مختلف، توجیه پذیر است.
همه‌ی این مطالب، مؤید آن است که متوقف ساختن برنامه‌های موشکی ایران برای ایالات متحده – حتی در صورت بهبود روابط – دشوار خواهد بود. آنچه که می‌تواند امیدوار کننده باشد، این است که ایران از ساخت موشک‌های بالستیکی بین قاره‌ای که بتواند بالقوه ایالات متحده را مورد تهدید قرار دهد، چشم پوشی کند. این در حالی است که ایران، حتی با ساخت و تهیه‌ی موشک، قوانین بین المللی را نقض نمی‌کند، زیرا این موضوع در طبقه‌ی دیگری نسبت به فعالیت‌های این کشور در عرصه‌ی هسته‌ای شیمیایی و بیولوژیکی (زیستی)، قرار می گیرد.

خروج از پیمان NPT

از نظر قانونی، ایران می‌تواند سه ماه پس از اطلاع اولیه، از پیمان NPT خارج شود و برنامه‌ی سلاح‌های هسته‌ای خود را آغاز کند. با توجه به منطقه خطرناکی که

[صفحه ۱۹]

ایران در آن قرار دارد – از جمله: وجود تنش در روابط این کشور با افغانستان، بر سر کار ماندن حکومت صدام حسین در عراق و استقرار ناوگان آمریکا در خلیج فارس و آب‌های مجاور – ناظران محتاط، تصور می‌کنند در صورت وقوع برخی شرایط، ایران حاضر است برای آنچه که منافع حیاتی امنیت ملی خود می‌داند، بهای لازم را بپردازد.
با توجه به این که در مفاد پیمان NPT، اجازه خروج اعضا از پیمان پیش‌بینی شده است، ولی به نظر می‌رسد شرایط سختی بدین منظور، وضع شده باشد. بر این اساس، هر دولتی که در ایران بر سر کار باشد باید دلیل قانع کننده‌ای برای این اقدام ارائه دهد. به طور کلی، کشوری که عضو این پیمان است باید توضیح دهد که « رویدادهای فوق العاده‌ای که مرتبط با موضوع پیمان هستند، چگونه منافع حیاتی آن کشور را مورد تهدید قرار داده‌اند » . این گونه کشورها همچنین باید خروج خود را از سه ماه قبل اطلاع دهند. و نیز بیانیه‌ای منتشر کنند که در آن مورد رویدادهای فوق‌العاده‌ای که از نظر آن کشورها منافع حیاتی‌شان را به خطر انداخته است، توضیح داده شده باشد. [۲۲] این شرایط ضرورتا بسیار مبهم هستند؛ بنابراین تصور این موضوع که ایران چه دلایلی برای اقدام خود ارائه خواهد داد، چندان دشوار نیست. برای مثال، به جریان افتادن مجدد برنامه سلاح‌های هسته‌ای عراق – با وجود صدور قطع نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که چنین اقدامی را منع می‌کند – بی گمان همان « رویداد فوق‌العاده » ای است که منافع دولت

ایران را به خطر خواهد انداخت. ایران می‌تواند همین استدلال را در صورت وخامت چشم گیر روابطش با هند، پاکستان، اسراییل (سه قدرت هسته‌ای منطقه)، ارائه کند. همچنین ممکن است، تهران در استدلالی دیگر سیاست صریح‌تر آمریکا در رابطه با استفاده‌ی ایران از

[صفحه ۲۰]

سلاح‌های هسته‌ای در خلیج (فارس) را ضد منافعش تلقی کند، به ویژه در صورتی که این سیاست، در جریان مقابله‌ی فعال بین ایران و آمریکا در خلیج فارس اعلام شود.

اگر ایران به طور رسمی از NPT خارج شود و از شیوه‌ی تجویز شده پیروی کند، این امر خلاف قوانین بین‌المللی نخواهد بود. با این حال، در پیش بینی شرایط و نیز هزینه‌ها و منافعی که ممکن است دولت ایران را وادار به خروج از NPT کند، این امر اهمیت دارد که باید بین شرایطی که ممکن است بنابر منطق استراتژیک موجه به نظر برسند و شرایطی که ایران بیشتر به آنها اهمیت می‌دهد (یعنی تمایل این کشور به داشتن جایگاهی والا در سطح بین‌المللی و این که جدی گرفته شود)؛ تمایز قائل شد. این که چگونه جهان خارج، از جمله همسایگان منطقه‌ای ایران نسبت به خروج این کشور از NPT واکنش نشان خواهند داد، بیشتر به وضعیت روابط ایران با سایر کشورهای جهان - هنگام اتخاذ چنین تصمیمی - بستگی دارد. برای مثال، می‌توان استدلال کرد که برای همسایگان ایران، پذیرش نیروی هسته‌ای بارز و آشکاری که آن را یک دولت ملی گرا و مایل به همکاری با جهان خارج، با هدف کسب حیثیت بین‌المللی ایجاد کرده باشد؛ بسیار آسان‌تر خواهد بود تا این که چنین نیرویی را یک دولت مبارز (ایران)، با هدف رویارویی با تهدیدات مهم استراتژیک به وجود آورده باشد.

در این چارچوب، بررسی واکنش‌های بین المللی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای عراق، کره شمالی، هند، پاکستان و اسراییل، مفید خواهد بود. واکنش بسیار خصمانه‌ی جامعه بین‌المللی در برابر فعالیت‌های هسته‌ای عراق و کره شمالی تا حدودی از آنجا ناشی می‌شود که این دو کشور تعهداتشان را در قبال NPT نقض کرده‌اند. این واکنش، به دلیل رفتار جنگ طلبانه و ترس جامعه بین المللی از توانایی این کشورها، در استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه یک یا چند همسایه خود می‌باشد. به عبارت دیگر، واکنش‌های شدید نسبت به برنامه سلاح‌های هسته‌ای

[صفحه ۲۱]

عراق و کره شمالی، حتی اگر آنها از امضا کنندگان NPT نیز نبودند، به همین اندازه شدید بود.

در پی به دست آمدن شواهدی مبنی بر این که اسراییل، هند و پاکستان قدرت هسته‌ای هستند، واکنش‌های گوناگون بین‌المللی علیه آنها نمایان شد. گرچه اسراییل هرگز به طور رسمی به توانایی هسته‌ای خود اعتراف نکرده است، اما سال‌هاست که همه می‌دانند که این کشور دارای بمب هسته‌ای می‌باشد و درباره‌ی تعداد و محل استقرار و نیز وسایل پرتاب این سلاح‌ها بحث‌های زیادی می‌شود. با وجود این که، بمب هسته‌ای اسراییل باعث نگرانی واقعی در بغداد و تهران نیز هست، اما سایر کشورهای جهان، با توجه به مشکلات امنیتی اسراییل و عدم حل و فصل منازعه‌ی اعراب و اسراییل، برای مجازات این کشور آمادگی ندارند.

واکنش بین‌المللی نسبت به بمب‌های هسته‌ای هند و پاکستان، شدیدتر و فعالانه‌تر بوده است، اما این واکنش‌ها کمتر از آن چیزی بود که یک دهه قبل انتظار می‌رفت. هنگامی که هر دو کشور (در مه ۱۹۹۸. م)، بمب‌های هسته‌ای خود را منفجر کردند، قوانین

ملی ایالات متحده و ژاپن ایجاب می کرد که مجازات‌هایی علیه این دو کشور اعمال کنند، اما با نگاهی به گذشته، این امر تنبیه بیش از حـد پاکستان تلقی می‌شـد؛ چرا که این کشور چندان توانایی مقاومت در برابر این مجازات‌ها را ندارد. به علاوه، این امر قسـمت اعظم قدرت چانه‌زنی ایالات متحده در روابط با پاکستان را از میان می‌برد. امروزه باید گفت، در حالی که نگرانی زیادی نسـبت به ثبات شبه قاره‌ی هند وجود دارد، تمایل یا عزمی جهت اعمال تحریم‌های جهانی برای این کشورها دیده نمی‌شود و احتمال نمی‌رود که این نگرش به زودی تغییر کند.

با توجه به این مثال‌ها، ایران در کـدام طبقه می گنجـد؟ روشن است که ظهور ایران به عنوان یک قدرت هسـته‌ای، بسـتگی زیادی به شرایط سیاسی بین المللی دارد.

[صفحه ۲۲]

اگر برنـامه هســته‌ای ایران در بحبـوحه‌ی جنـگ بـا عراق و یـا در زمـان وجـود بحران در روابطش بـا ایالاـت متحـده – هنگـامی که [حضـرت] آیت الله خمینی هنوز صحبت از صدور انقلاب می کرد – مطرح می‌شد، احتمالا با تنبیه شدید بین‌المللی رو به رو می‌شد؛ حـتی اگر ایران خروج رسـمی خـود را از NPT اعلاـم می کرد. بر عکس، اگر نیروهـای معتـدل، قـدرت بیشتری در تهران به دسـت آوردند و نشان دهند که علاقه‌مند به همکاری با غرب هسـتند و اختلاف مهم خود را با ایالات متحده بر سر تروریسم و فرایند صلح اعراب و اسـراییل حل کنند، آنگاه ممکن است جامعه بین المللی برخی اشـکال هسته‌ای شدن قانونی ایران را آسان‌تر تحمل کند، به ویژه اگر دیگر جنبه‌های روابط نیز بهبود یابد.

[صفحه ۲۳]

با اسـتفاده از نمودار ۱، معضـلات و واکنش‌هـایی را که نسبت به برنامه‌هـای ساخت سـلاح هسـته‌ای ایران ممکن است ایجاد شود، می‌توان مورد بررسی قرار داد:

نمودار ۱

واکنش‌ها: نسبت به برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران

برنـامه: برنامه علنی (ایران رسـما از NPT خـارج می‌شود).؛ دولت میـانه رو (بهبود روابـط بـا آمریکا و غرب): تلاش‌های عمـده، از جمله انگیزه‌هـایی برای بازداشتن دولت ایران. امـا بعیـد است که از زور و یـا تحریم‌هـای بین‌المللی اسـتفاده شـود.؛ دولت رادیکـال (روابط بسیار تیره با آمریکا و غرب) احتمال وقوع بحران بسیار جدی، به ویژه با آمریکا، اسراییل و کشورهای میانه رو عرب. برنامه: برنامه پنهانی (ایران تعهـدات NPT را نقض می کنـد).؛ دولت میـانه رو (بهبود روابط با آمریکا و غرب): وقوع بحران بسـیار جـدی، احتمـال قوی مجازات‌هـا و تحریم‌های سازمان ملل. دولت رادیکال (روابط بسـیار تیره با آمریکا و غرب): غیر قابل قبول‌ترین نتایـج. وقوع بحران‌های عمده، اجتناب ناپذیر می‌شود از جمله تحریم‌های سازمان ملل و استفاده احتمالی از زور.

در نمودار ۱، چهار شرط جایگزین که به موجب آنها ممکن است ایران

[صفحه ۲۴]

برنامه‌ی سلاح‌های هسته‌ای را به اجرا درآورد، به همراه واکنش‌های احتمالی جامعه بین المللی نسبت به چنین تحولی، ارائه شده است. دو شرط به نوع دولت حاکم بر ایران و دو شرط به نوع فعالیت هسته‌ای ایران مربوط می‌باشد.

در مورد نوع دولت، نخست فرض شده که ایران دارای دولتی میانه‌رو است که اختیار تصمیمات مهم امنیت ملی را در دست دارد (مانند دولت آقای خاتمی) و همچنین موفق به کنترل تشکیلات نظامی، دستگاه‌های اطلاعاتی و قوه قضاییه شده و در نتیجه، مخالفین عمده محافظه کار خود را از میدان به در کرده باشد. پیش‌بینی می‌شود که این دولت توجه خود را بیشتر به بازسازی اقتصاد ایران و برقراری مجدد روابط با کشورهای جهان و از جمله ایالات متحده معطوف سازد. با این حال، انتظار نمی‌رود که روابط این دولت با ایالات متحده عادی شود، ولی احتمالا این روابط از آنچه که امروز هست، صمیمانه‌تر خواهد بود. دولت میانه رو ایران احتمالاـ تلاش خواهد کرد تا موانع مهم موجود بر سر نگرش ایران و رفتار این کشور نسبت به اسراییل را بر طرف سازد. این همان دولتی است که ایالات متحده امیدوار است در ایران بر سر کار آید، دولتی که بتوان با آن بر سر برخی از موضوعات به ویژه در زمینه اقتصادی، همکاری کرد.

شرط دوم در این تحلیل، وجود دولتی رادیکال در ایران است، یعنی دولتی که در آن صدای اعتدال و میانه‌روی خاموش و یا حتی به کلی نابود شده است. این نوع دولت، دشمنی شدیدی با ایالات متحده و اسراییل دارد و حمایت لفظی و مادی شدیدی از حزب الله و سازمان‌های فلسطینی، مانند حماس و جهاد اسلامی به عمل می‌آورد. [۲۳] در حالی که این دولت ممکن است روابط مصلحت گرایانه با همسایگان

[صفحه ۲۵]

اصلی خود داشته باشد، خصومت آن با غرب سوء ظن شدیدی در پایتخت‌های کشورهای نزدیک، مانند ترکیه و عربستان سعودی و به ویژه اسراییل پدید خواهد آورد.

در ارتباط با نوع برنامه هسته‌ای ایران نیز، دو برنامه هسته‌ای بنیادی را می‌توان مورد تحلیل قرار داد: برنامه علنی و برنامه مخفی. در مورد نخست یعنی برنامه علنی، فرض شده است که ایران به طور رسمی تعهدات خود را نسبت به پیمان NPT کنار خواهد گذاشت و بدین منظور از سه ماه خروج خود را از پیمان اطلاع داده و دلایل رسمی خروج خود را نیز در بیانیه‌ای اعلام خواهد کرد. همچنین فرض می‌شود که ایران، کلیه خطرات و مشکلات مربوط به خارج شدن از پیمان را محاسبه کرده است، اما مصمم است که از نص قانون پیروی کرده و در نتیجه از نقض تعهدات خود در قبال پیمان خودداری کند.

شرط دوم، یعنی برنامه مخفی دقیقا حالت معکوس دارد. در این شرط فرض بر این است که ایران با نقض تعهدات خود در قبال پیمان NPT، برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را پیش برده بو فعالیت‌های غیر قانونی خود را از بازرسان IAEA پنهان نگه می‌دارد. این رفتار شبیه رفتار کره شمالی و عراق است. این دو کشور برنامه‌های مخفی خود را با نقض تعهداتشان نسبت به پیمان NPT انجام می‌دهند.

با این چهار شرط، امکان حدس چگونگی واکنش جامعه‌ی بین‌المللی نسبت به برنامه علنی یا مخفی تسلیحاتی ایران، در صورت حاکم بودن یک دولت میانه‌رو یا رادیکال، فراهم خواهد شد:

۱ - اگر دولتی میانه‌رو بر ایران حاکم باشد و رسما از NPT خارج شود، پیش‌بینی می‌شود، این کشور قوانین بین المللی را نقض نخواهد کرد، اما نگرانی شدیدی در جامعه بین المللی به ویژه در غرب و در منطقه بروز کند. در این حالت می‌توان انتظار داشت که تلاش گسترده‌ای برای منصرف کردن ایران از اجرای برنامه‌اش انجام

[صفحه ۲۶]

پذیرد. این تلاش، می‌تواند شامل ارائه انگیزه‌های مثبت از جمله همکاری امنیتی، همکاری اقتصادی و برخی اقدامات دیگر برای متقاعد کردن دولت میانه‌رو باشد، دولتی که روابط بهتری با آن برقرار شده است. اما جامعه بین المللی هنوز نگران امنیتی وضعیت این کشور است و با تمام توان جز در زمینه‌ی برنامه هسته‌ای ایران، به این کشور کمک خواهد کرد. در صورتی که این تلاش با شکست مواجه شود، بعید است که اعمال زور یا تحریم‌های چند جانبه مورد استفاده قرار گیرد. احتمالا جامعه بین المللی استدلال خواهد کرد که یک دولت دوست به اندازه سایر کشورها نسبت به تأمین امنیت خود حق دارد، به ویژه اگر که هیچ یک از قوانین بین المللی را نقض نکرده باشد. با این حال، کشورهایی مانند اسراییل و عربستان سعودی، در مورد چنین تحولی نگران خواهند شد؛ و این نگرانی بیشتر به این دلیل است که امکان دارد دولت میانه‌رو تغییر کند و جای خود را به دولتی تندروتر بدهد. بر پایه این فرض، بعید است که آنها بتوانند در برابر چنین تحولی دست به اقدامی آشکار بزنند، بلکه آنها باید به استراتژی‌های بازدارندگی تکیه کنند.

۲ - اگر دولتی رادیکال در ایران رسما تحت شرایط مشابه از پیمان NPT خارج شود، احتمالا بحرانی جدی به ویژه در روابط این کشور با ایالات متحده، اسراییل و کشورهای میانه‌روی عرب بروز خواهد کرد. بنابراین فرض، یک دولت رادیکال در ایران، مخالف منافع عمده‌ی غربی‌ها در ایران تلقی خواهد شد و شرایط برای خروج از پیمان هر چه باشد، احتمالاـ اقدامات شدید بین‌المللی را در پی خواهد داشت تا این دولت از پیش بردن برنامه‌اش باز داشته شود، حتی اگر تعهداتش را در قبال پیمان NPT نقض نکرده باشد. این امر شامل افزایش و تشدید محدودیت‌ها در زمینه دستیابی به فن‌آوری با کاربرد دوگانه خواهد بود و حتی ممکن است تحت بعضی شرایط، استفاده از زور نیز مد نظر قرار گیرد گرچه این راهکارهای جنجال برانگیز، بالقوه خطرناک خواهند بود.

[صفحه ۲۷]

۳ - اگر دولتی میانه‌رو برنامه هسته‌ای خود را به صورت پنهانی پیش برد، مسأله‌ی امنیتی تقریبا به همان اندازه جدی است که یک دولت رادیکال، برنامه‌ای علنی را به اجرا در می‌آورد. تجربه نقض NPT توسط کره و عراق، برای بیشتر کشورهای غربی و بسیاری کشورهای دیگر به منزله ناقوس مرگ NPT است مگر این که فعالیت کشور ناقض NPT، جلوگیری شده و یا آن کشور تنبیه شود. بنابراین، در صورت بروز چنین امری یک بحران جدی پدید خواهد آمد و به احتمال قوی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران اعمال خواهد شد. البته روشن نیست که آیا شورای امنیت، از اعمال این تحریم‌ها به اندازه کافی حمایت خواهد کرد یا نه؟! با وجود این، حتی روس‌ها نیز نسبت به برنامه پنهانی ایران که تعهدات مربوط به پیمان را نقض کند نگران خواهند شد و ایالات متحده و غرب احتمالا برای تنبیه ایران متحد خواهند شد.

۴ - روشن است که غیر قابل قبول‌ترین و خطرناک‌ترین فرض، دولت رادیکال است که به طور پنهانی برنامه هسته‌ای خود را انجام دهد. این امر به ناچار منجر به بحرانی بزرگ خواهد شد. در صورت بروز این امر، بار دیگر این احتمال وجود دارد که فشارهای زیادی برای وضع تحریم‌ها، به شورای امنیت سازمان ملل وارد آید. با این حال امکان توسل به زور نیز وجود دارد و بی گمان شماری از کشورها، به ویژه اسراییل و ایالات متحده، این راهکار را به طور جدی مد نظر قرار خواهند داد. این بدترین حالت برای

ایران است که به عنوان یک قدرت هسته‌ای مطرح شود؛ موضوعی که خطرناک‌ترین و بی ثبات کننده‌ترین پیامدها را در پی خواهد داشت.

جدی گرفتن نیازهای امنیتی ایران

بررسی گام‌های عملی برای متقاعد ساختن ایران، مبنی بر این که پایبندی آن به NPT به نفع این کشور است، مستلزم توجه به نیازهای امنیتی مشروع ایران

[صفحه ۲۸]

می‌باشد. بخشی از این نیازها عبارتند از: نگرانی ایران از توان نظامی آمریکا، اسراییل و عراق؛ اعتراض نسبت به تلاش‌هایی که برای محدود ساختن زیر ساخت قدرت هسته‌ای آن کشور صورت می‌گیرد، در حالی که برنامه‌های هسته‌ای ایران دارای مقاصد صلح آمیز است؛ اعتراضات دیر پا نسبت به « معیار دوگانه » ای که در NPT نسبت به عضویت ایران، اعمال شده است و روابط نزدیک ایران با روسیه.

دیدگاه ایران نسبت به مسائل منطقه‌ای که امنیت این کشور را تهدید می‌کنند - شاید جدا از حضور نظامی آمریکا در منطقه - گذشته از این که چه کسی در ایران بر سر قدرت باشد، همچنان بدون تغییر خواهد ماند. به عبارت دیگر، دولت جانشین هر قدر که نسبت به ایالات متحده موضع دوستانه‌ای داشته باشد و تمایل بیشتری نسبت به اسراییل از خود نشان دهد؛ و نیز ممکن است بخواهد بسیاری از برنامه‌هایی را که دولت کنونی آغاز کرده است، تعقیب کند. امروزه، امنیت ایران بیشتر مبتنی بر استراتژی تدافعی است بر خلاف روزهای نخست انقلاب، هنگامی که درباره تصرف شبه جزیره عربستان و سرنگون کردن پادشاهان سنتی سخن گفته می‌شد. [۲۴] .

ایران با مسائل جدی در منطقه رو به روست. ایران باید با ناآرامی و جنگ داخلی در چند کشور همسایه، به ویژه در افغانستان مقابله کند. افغانستان به دلیل وجود یک جنگ داخلی ظاهرا بی پایان - که به شکلی روز افزون ایران را نیز درگیر ساخته است - چند پاره شده است. ایران از آن نگران است که پاکستان روز به روز بی ثبات‌تر شود و زیر نفوذ مسلمانان سنی رادیکال - شبیه طالبان - قرار گیرد. از سوی

[صفحه ۲۹]

دیگر، در عراق صدام حسین به گونه‌ای مستحکم کنترل قسمت بزرگی از کشور را در دست دارد، ولی بسیاری از کردها در شمال عراق در منطقه‌ای امن و خود مختار به سر می‌برند. بحران در عراق می‌تواند به خشونت و بی ثباتی در این کشور منجر شود که این مسأله به گونه‌ای اجتناب ناپذیر به ایران نیز سرایت خواهد کرد. قفقاز نیز صحنه‌ی کشمکش‌های داخلی است؛ درگیری ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها بر سر ناگورنو - قره‌باغ، ادامه درگیری در گرجستان بر سر آبخازستان و جدال‌های روسیه در مناطق جنوبی خود و به ویژه در چچن. در قسمت‌های شرقی‌تر، ایران از نظر دیپلماتیک، درگیر هرج و مرج و زد و خورد در تاجیکستان شده است، کشوری در آسیای مرکزی که جمعیت‌اش بیشتر فارسی زبان و شیعه مذهب هستند.

تحولات یاد شده، نشان می‌دهد که این منطقه در بر دارنده‌ی منازعات گوناگونی است که دارای ابعاد نظامی مهمی هستند و لا

ینحل باقی مانده‌اند؛ و احتمالاً موجب گسترش بیشتر سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب آنها می‌شوند. به منظور افزایش برد و دقت سیستم‌های پرتاب، پیوندهای بین منطقه‌ای، میان صحنه‌های درگیری آشکارتر می‌شود. برای مثال، موشک‌های دوربرد مستقر در اسراییل و عربستان سعودی و احتمال استقرار آنها در آینده‌ی نزدیک در هند و ایران، توانایی دسترسی استراتژیک هر یک از این کشورها را، به مناطقی فراتر از کشورهای همجوارشان افزایش می‌دهد.
با توجه به تجربه ایران در حملات موشکی عراق در جریان جنگ تحمیلی و همچنین به علت مجهز بودن بسیاری از کشورهای همسایه‌ی ایران به موشک‌ها و هواپیماهای ضربتی دوربرد، طبیعی است که تهران، خواهان توانایی مشابهی باشد. موشک‌های زمین به زمین با کلاهک‌های جنگی متعارف و یا غیر متعارف برای ایران، که قادر به خرید هواپیماهای ضربتی دوربرد و بسیار گران قیمت (از نوع غربی) نیست، نوعی توانایی بازدارندگی ایجاد می‌کند. از آنجا که در حال حاضر

[صفحه ۳۰]

هیچگونه دفاع مطمئنی در برابر حملات موشکی، حتی در میدان نبرد وجود ندارد، این سلاح‌ها برای نیروهای آمریکا و متحدین مستقر در خلیج فارس نیز نوعی تهدید به شمار می‌روند.
ساختار نیروی نظامی متعارف ایران، از ضعف قابل ملاحظه‌ای رنج می‌برد و دچار محدودیت منابع مالی است؛ به همین دلیل، این کشور همچنان « استراتژی لانه‌ای » را تعقیب می‌کند. برای مثال، نیروی دریایی ایران با خرید زیر دریایی‌های کیلو - کلاس [۲۵] از روس و موشک‌های کروز از چین، توجه نیروی دریایی آمریکا در خلیج (فارس) را به خود جلب کرده است. البته توانایی نیروی دریایی ایران تنها برای به چالش کشیدن ایالات متحده در خلیج فارس کافی است، نه آنکه این کشور را شکست دهد. ایران همچنین تلاش می‌کند با استفاده از مین و موشک‌های مستقر در ساحل خلیج فارس، توانایی خود را در زمینه‌ی کنترل رفت و آمد شناورهای دریایی گسترش دهد. بنا به گفته‌ی تحلیل‌گران، فرماندهی مرکزی (CENTCOM)، ایران در زمینه‌ی مین گذاری به صورت پنهانی نیز از توانایی بیشتری برخوردار شده است و قادر است از زیر دریایی‌ها به عنوان سکوهای متحرک برای مین گذاری در آب‌های عمیق استفاده کند. و لیکن، از آنجا که نفت صادراتی ایران باید از تنگه هرمز بگذرد، بعید به نظر می‌رسد که این کشور بجز در حالت‌های بسیار اضطراری، این تنگه را مسدود کند. ایران بیشتر علاقه‌مند به کسب توانایی برای کنترل تنگه‌ی هرمز می‌باشد.

اهمیت روسیه

روسیه نه تنها مواد و لوازم حیاتی را جهت برنامه‌های موشکی و هسته‌ای، در

[صفحه ۳۱]

اختیار ایران قرار می‌دهد؛ بلکه سلاح‌های متعارف پیشرفته از جمله زیر دریایی و موشک‌های زمین به زمین قابل استقرار در کشتی را نیز به این کشور داده است. روسیه و ایران همچنین دارای منافع استراتژیک مشترک در منطقه دریای خزر هستند، به ویژه آن که سیاست آمریکا در منطقه این است که مانع از عبور خطوط لوله‌ای انرژی از خاک ایران شود و همچنین توانایی روسیه را برای به بازار رساندن منابع انرژی دریای خزر، به حداقل کاهش دهد.

بـدین ترتیب، احتمال دارد با گـذشت زمان - به طور بالقوه - تضاد منافع بین روسـیه و ایران به وجود آید. از آنجا که هر دو کشور مسیرهای مناسبی برای عبور طبیعی نفت و گاز حوزه دریایی خزر به شـمار می‌روند، اگر ایران و آمریکا روابط خود را بهبود بخشد و ایران به مسیر عبور اصلـی انرژی تبدیل شود؛ وارد رقابت مستقیم با روسـیه خواهد شد. در صورتی که سطح تولید میادین نفت و گاز خزر کمتر از انتظارات مبالغه آمیز باشـد، این رقابت شدیدتر خواهد شد. حتی با سیسـتم موجود خطوط لوله، ایران مدعی است که می‌تواند تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز را به صورت مبادله‌ای، از کشورهای دریای خزر به صورت خطوط لوله به داخل خاک خود انتقال داده و به همان میزان، نفت خود را از خلیج فارس صادر کند. در مقابل با اسـتفاده از نفت خزر و پالایش آن، بازارهای شمال کشور را تـأمین کنـد. از سوی دیگر، تقویت توانایی‌هـای نظـامی ایران، به ویژه اگر دارای موشک‌هـای دوربرد و سـلاح‌های کشـتار جمعی نیز باشد، می‌تواند تهدیدی برای روسیه تلقی شود. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که چرا روسیه به ایران برای به دست آوردن تجهیزات نظـامی کمـک می‌کنـد؟ پاسـخ را بایـد در امنیتی مغشوش و متنـاقض حـاکم بر مسـکو یافت. هماننـد دیگر مسائل سیاست خارجی روسـیه، از جمله روابط با چین. به نظر می‌رسـد که در این مورد نیز سـیاست‌های روسـیه دچار تناقض است. وزارت خارجه و وزارت دفاع این کشور اغلب مخالف یکدیگرند و گروه‌های فشار

[صفحه ۳۲]

ستیزه جویی وجود دارند که برای فروش تسـلیحات و انتقال فن آوری فشار وارد می‌آورند. شـرکت‌های بزرگ نفت و گاز روسیه- لوک اویل [۲۶] و گاز پروم [۲۷] - نفوذ زیادی در مسکو دارند و از بسیاری جهات، سیاست خارجی خاص خود را اعمال می‌کنند. ایـن مسأله اغلـب در مـورد افراد روسـی و شـرکت‌های کوچـک روسـی که در زمینه‌ی توسـعه برنامه‌هـای موشـکی به ایران کمک کرده‌انـد، پیش می‌آیـد. در هر مورد، روس‌ها هنگامی که با مقامات آمریکایی تماس حاصل می‌کننـد تکذیب می‌کنند که سیاسـت رسـمی دولت از چنین کمک‌هایی حمایت می‌کند؛ این کمک‌ها نقض برنامه کنترل تکنولوژی موشکی (MTCR) است که روسیه آن را به امضـا رسانیـده است. با این حال، به نظر می‌رسـد که روسـیه قادر و یا مایل نیست که به طور مؤثر قوانین خود را به اجرا در بیاورد؛ این امر نشان دهنده ناتوانی مسـکو و یا تلاش عمدی برای صدمه زدن به منافع آمریکا، از راه تقویت توانایی‌های ایران است. توانایی پوتین، رییس جمهور روسـیه، در سر و سامان دادن سیاست روسیه در قبال منطقه دریای خزر، در آینده مشخص خواهد شد. یکی از نخستین ابتکارات رییس جمهور جدید روسـیه، پایان دادن به توافق با آمریکا در مورد محدودیت فروش تسـلیحات متعارف به ایران بوده است.

بـا این همه، روسیه آمـاده پـذیرش فشارهای آمریکا برای توقف کمک‌ها به برنامه‌های توسـعه موشـکی ایران می‌باشـد. چرا که این کشور همچنـان علاقه‌منـد است با شـرکت‌های آمریکایی همکاری کنـد. اگر همکاری روسـیه با ایران متوقف شود، برنامه موشـکی ایران به تـأخیر خواهـد افتـاد. بـا این حـال، از آنجـا که ایرانی‌هـا به دلایـل استراتژیـک، خواهان ساخت موشک هسـتند؛ بی شک با حمایت روسیه و یا بدون آن برنامه خود را ادامه خواهند داد.

[صفحه ۳۳]

استراتژی هسته‌ای احتمالی ایران

با توجه به عدم امنیتی که ایران احساس می کند؛ به احتمال قوی این کشور استراتژی تضمین هسته‌ای خود را پیگیری خواهد کرد. یعنی در پی تدارک زیر ساخت‌ها و نیروی انسانی لازم، برای تهیه مواد مورد نیاز، به منظور تولید بمب هسته‌ای بر خواهد آمد تا اگر « رویدادهای فوق العاده » راه دیگری برای این کشور باقی نگذارد، اقدام به تولید این بمب‌ها کند. البته، این که رهبران این کشور چگونه نگذارد، اقدام به تولید این بمب کند. البته، این که رهبران این کشور چگونه « رویدادهای فوق العاده » را تعریف یا تفسیر کنند، خود مسأله‌ای مهم است. زیرا تصمیم به اجرای این برنامه هسته‌ای گسترده، فشار زیادی بر اقتصاد ایران وارد خواهد ساخت و روابط این کشور را با همسایگانش و جامعه بین المللی تیره خواهد کرد. احتمالا چنین تصمیمی، تحت شرایطی بسیار سخت و بحرانی اتخاذ خواهد شد. این شرایط چه می‌تواند باشد؟ در اینجا به ترتیب اهمیت، به برخی از این شرایط اشاره می‌شود:

- ظهور مجدد عراق به عنوان قدرت نظامی، به گونه‌ای که مسلح به سلاح‌های هسته‌ای بوده و از تحریم‌های بین المللی و بازرسی‌های تسلیحاتی سازمان ملل آسوده باشد.

- ظهور مجدد عراق به عنوان قدرت نظامی، به گونه‌ای که مسلح به سلاح‌های هسته‌ای بوده و از تحریم‌های بین المللی و بازرسی‌های تسلیحاتی سازمان ملل آسوده باشد.

- تیرگی شدید روابط ایران با ایالات متحده و اسراییل، همراه با تهدیدها و لفاظی‌های متقابل و فزاینده.
- ایجاد بحران در روابط ایران با پاکستان - که مجهز به سلاح‌های هسته‌ای است - بر سر مسأله‌ی افغانستان و یا رقابت گروه‌های شیعه و سنی در پاکستان.
- روی کار آمدن یک حکومت جدید، جنگ طلب و ضد ایرانی در عربستان سعودی.
- ایجاد بحرانی طولانی در روابط ایران با کشورهای آذربایجان و ترکیه، بر سر مسأله‌ی اقلیت‌ها و یا موضوعات مرتبط با انرژی.

[صفحه ۳۴]

- بروز بحران در روابط تهران با رهبری ملی گراتر و ضد اسلامی‌تر، در مسکو.

همچنین مفید است که برخی از دلایل ایران برای بهره‌برداری از توان بالقوه‌ی سلاح‌های هسته‌ای را مد نظر قرار دهیم.

- ایران اعلام کند، ممکن است در صورتی که نیازهای امنیتی‌اش نادیده گرفته شود، از NPT خارج شود.
- ایران اعلام کند، پس از طی سه ماه دوره‌ی انتظار، به طور رسمی از پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج خواهد شد و آن گاه به بررسی این مسأله خواهد پرداخت که آیا برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را ادامه دهد یا خیر؟
- این کشور اعلام کند، در مدت ۳ ماه از NPT خارج خواهد شد و برنامه‌ی تولید سلاح‌های هسته‌ای را در پیش خواهد گرفت.
- استقرار ابهام آمیز سلاح‌های هسته‌ای ایران، به گونه‌ای که نه آن را تأیید و نه آن را تکذیب کنند، مشابه سیاست مبهم تسلیحاتی اسراییل.
- آزمایش غافل گیر کننده هسته‌ای، همراه با بیانیه‌ای از جانب ایران مبنی بر این که این کشور دارای زرادخانه‌ی کوچکی از کلاهک‌های جنگی و موشک است.

نتیجه گیری

از بررسی راهکارهای نیروی هسته‌ای ایران چند نتیجه مقدماتی استنباط می‌شود:

- در صورتی که ایران، پیمان NPT را نقض کند و یا به طور رسمی از آن خارج شود، هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک

آن ممکن است قابـل ملاحظه باشـد. این امر به منزله‌ی یـک خـط قرمز واضـح و روشن خواهـد بـود. رهـبری ایران در صورت نبود خطری واقعی و بالفعـل از جـانب دشـمنی چـون عراق، لازم اسـت دربـاره‌ی خطرات چنیـن اقـدامی، بسـیار تأمـل کنـد. بنـابراین محتاطانه‌ترین سیاست برای ایران،

[صفحه ۳۵]

ادامه توسـعه‌ی زیر ساخت‌هـا، برای کسب توانایی هسـته‌ای است که ضـمن خودداری از عبور از خط قرمز، امیـدوار است که محیط امنیتی منطقه‌ای با ثبات بیشتری پدید آید.

- بـا این حـال، اگر ایران از خط قرمز عبور کنـد، آنگاه لازم است به دقت هزینه‌ها و منابع ایجاد نیروهای جایگزین را بسـنجد. ایجاد یـک نیروی کوچـک، آسـان‌تر و ارزان‌تر از یـک نیروی متوسـط خواهـد بود، امـا کارایی آن در برابر دشـمنان بزرگ قابل اطمینان نیست. از سوی دیگر، اگر هدف اصلی این نیرو، کسب حیثیت و موقعیت سیاسی نظامی باشد، همین میزان کفایت خواهد کرد.

- شاید متغیر مهم‌تر در این معادله، ماهیت حکومت ایران باشد. اگر حکومتی میانه‌رو که روابطش را با ایالات متحده بهبود بخشـیده است، بر سـر کار باشـد، احتمال زیادتری وجود دارد که این کشور یکی از طرف‌های مـذاکرات امنیت منطقه‌ای باشد. بدین ترتیب، ممکن است کمتر به نیروی هسـته‌ای نیاز داشـته باشـد. دولتی تنـدرو که دشـمن ایالات متحـده و اسـراییل است، احتمالا منزوی باقی مانـده و نیـاز بیشـتری به نیروی بازدارنـده پیـدا خواهـد کرد. بـا این حـال، خطر اقـدامات متقابـل علیه چنین دولتی - در صورتی که برنامه‌ای هسته‌ای را در پیش گیرد - بسیار بیشتر است.

- ایجاد روابط نزدیک‌تر سیاسـی، بین ایالات متحده و ایران احتمالا فضای تنفسی را برای هر دولتی که در تهران حاکم باشد، فراهم خواهـد کرد تـا به ارزیابی دوباره‌ی منافع و انتخاب راهکار سـلاح‌های هسـته‌ای بپردازد. روشن است که تصـمیم‌گیری درباره‌ی این موضوع، متـأثر از بهبود وضـعیت امنیت منطقه‌ای، کاهش تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و نیز ورود این کشور در برنامه‌های انرژی دریای خزر، خواهد بود.

[صفحه ۳۷]

محیط استراتژیک ایران و سلاح‌های هسته‌ای

مقدمه

شهرام چوبین

در حالی که بسیاری معتقدند سلاح‌های هسته‌ای به صورتی فزاینده، نقش خود را در امنیت بین المللی از دست می‌دهند؛ کشورهای دارنـده‌ی آنهـا، یـا از موجودی سـلاح‌های هسـته‌ای خود می‌کاهنـد و یـا در مواردی آنهـا را به کلی بر می‌چیننـد. در مقابـل، برخی کشورها مانند عراق و کره شـمالی برعکس عمل می‌کنند و برخی نیز همچون چین، روسیه، هند و پاکستان به جای این که از تأکید بر اهمیت مطلوبیت سلاح‌های هسته‌ای بکاهند، تأکید بیشتری بر آن می‌ورزند.

دیـدگاه غرب اغلب براسـاس تجربیـات خود چنین فرض می‌کنـد که نیاز کمتر به سـلاح‌های هسـته‌ای، امنیت بیشتری در پی خواهد

داشت که حاصل آن، پایان جنگ سرد می‌باشد. به طور کلی، کشورهایی که به احتمال زیاد درصدد گسترش و توسعه برنامه‌های هسته‌ای هستند، در قوسی قرار دارند که از خاور میانه شروع شده و با گذر از خلیج فارس و شبه قاره هند به شرق آسیا ختم می‌شود. این ناحیه همواره شاهد درگیری‌های گوناگون بین دولت‌ها، تنش‌ها، مداخلات و بحران‌های سیاسی بوده است. در حال حاضر بسیاری از مسائلی که به این درگیری‌ها دامن می‌زنند، از میان رفته‌اند؛ با این حال، هنوز روشن نیست که ادامه‌ی منازعات دلیلی برای تولید

[صفحه ۳۸]

سلاح‌های هسته‌ای باشد.

ایران در جامعه بین المللی به عنوان کشوری شناخته می‌شود که در زمینه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای بیشتر نگرانی‌ها را ایجاد کرده است. اظهاراتی که درباره برنامه تسلیحاتی پنهانی بیان می‌شود همچون فوریت و اضطرار و نقض تعهدات ایران، به موجب پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای [۲۸] (NPT)، بیشتر حاکی از عزم ایران دارد. برخی ناظران در بیان منطق برنامه‌های هسته‌ای ایران، عواملی همچون: محیط نا امن منطقه، دارا بودن برخی همسایگان از قدرت هسته‌ای و تجربه‌ی ایران در حملات شیمیایی عراق و غیره را یادآور می‌شوند. برخی نیز تلاش ایران برای کسب توانایی‌های هسته‌ای را موضوعی تلقی می‌کنند که با گذشت زمان خواه ناخواه به وقوع خواهد پیوست و زمان وقوع آن احتمالاـ زودتر از آن است که پیش‌بینی می‌شود. بیشتر ناظران همچنین ایران را عامل احتمالی تکثیر سلاح‌های هسته‌ای می‌دانند و به همین دلیل به بررسی راه‌هایی به تأخیر انداختن برنامه‌های هسته‌ای این کشور و یا ارزیابی پیامدهایی که این برنامه‌ها ممکن است برای منافع غرب در بر داشته باشد، می‌پردازند.

این مقاله بر آن است تا نشان دهد، در حالی که ایران در منطقه‌ای بی ثبات قرار دارد، انگیزه‌های آن برای ایجاد سلاح‌های هسته‌ای بیشتر انگیزه‌هایی عام است تا خاص. به استثنای تهدید جدی عراق، بی ثباتی‌های موجود در اطراف ایران مربوط به امنیت ملی هستند که مستلزم داشتن سلاح‌های هسته‌ای نیست، چرا که این سلاح‌ها برای مقابله با آنها مناسب نیستند. این مقاله مزایا و مضرات سلاح‌های هسته‌ای برای ایران را مورد بحث قرار می‌دهد؛ درباره‌ی مشکلاتی که این سلاح‌ها برای ایران به وجود می‌آورند و پیامدهایی که تولید این نوع سلاح‌ها برای امنیت ایران به بار

[صفحه ۳۹]

خواهند آورد - حتی با وجود عدم اطمینان قابل ملاحظه‌ای نسبت به نقش، کارکرد و سودمند بودن سلاح‌های هسته‌ای به طور اعم و نیز قابلیت کاربرد یا « قابلیت استقرار » [۲۹] آنها در مناطق دیگر - جای بحث، بسیار است.

این بحث تازه در ایران آشکارا وجود دارد و باید پرورش یافته و تشویق شود. تصمیم گیری درباره امنیت ملی باید به گونه‌ای آشکار مورد بحث قرار گیرد، به ویژه اگر این تصمیم‌گیری‌ها در بردارنده‌ی پرسش‌هایی باشند که متضمن فرضیاتی درباره‌ی فن آوری و سیاست هستند و کاملا درک نشده‌اند. این امر به ویژه هنگامی مصداق پیدا می‌کند که بدانیم صحنه‌ی سیاست در ایران نسبتا باز است، ولی فرهنگ راز داری در مورد امنیت ملی، همچنان دشمن بحث‌های آزاد و آگاهانه باقی مانده است. در این حوزه، هزینه سیاست‌هایی که مبتنی بر فرضیات نادرست و یا برنامه‌ریزی‌های نامنسجم هستند، ممکن است بسیار بالا و مخرب باشد. این مقاله، در پی آن است که با تمرکز بر مباحثی که در داخل ایران وجود دارد، مطالبی را برای روشن ساختن بعضی از موضوعات

مطالبی را ارائه دهد و امیدوار است که چارچوبی برای پژوهش‌ها و تحلیل‌های بعدی ارائه باشد.
مقاله‌ی حاضر، نسبت به این موضوع که آیا ایران باید به ساخت سلاح‌های هسته‌ای اقدام کند یا خیر؟ موضع گیری می کند. از دیدگاه این مقاله، ایران در صورت بروز مجدد تهدید از جانب عراق با احتیاط باید راهکار هسته‌ای را مد نظر قرار دهد، اما در صورت نبود تهدید هسته‌ای روشن و آشکار، اتخاذ یک رویکرد هسته‌ای علنی به زیان منافع این کشور خواهد بود.

[صفحه ۴۰]

برای تحلیل نقش بالقوه‌ی سلاح‌های هسته‌ای در امنیت ایران، لازم است نقش و کارکرد سلاح‌های هسته‌ای مورد بحث قرار گیرد تا موضوعات مربوط به امنیت ایران روشن شود. بدین منظور، نخست باید دانست که امنیت ایران تابع برداشت‌های موجود از تهدید جاری و تعریف ارائه شده از منافع است که این موارد به نوبه‌ی خود تحت تأثیر تجارب تاریخی و به ویژه تجارب اخیر این کشور قرار دارند. منافع ایران در مفهوم گسترده، تابع موارد زیر است: تمامیت ارضی، نفوذ (و منزلت) و رفاه اقتصادی. و این موارد به نوبه‌ی خود تحت تأثیر تجربیات اخیر ایران که اهمیت زیادی برای استقلال، خود اتکایی، آمادگی و خود بیانی فرهنگی قائل است، قرار دارند. جریانات احساسی دیگر نیز قابل توجه هستند، مانند این که از نظر تاریخی در حق این کشور ظلم شده و چنان که باید و شاید، منزلت خود را باز نیافته است. (همچنین گرایش به نفرت از پذیرفتن خطر (ریسک پذیری) به کار بردن ظرافت‌های بیش از حد و عدم اعتماد زیاد به راه حل‌های نظامی در این کشور وجود دارد).
بدین ترتیب، برداشت رهبران ایران از یک موضوع به عنوان تهدید از همین منافع، گذشته‌ی تاریخی، تجارب و ایدئولوژی حاکم بر این کشور یا برداشت گزینشی، ناشی می‌شود. تهدیدات نسبت به ایران ناشی از این واقعیت است که این کشور دارای همسایگان بسیاری است، این همسایگان یا دچار بی ثباتی هستند و یا رابطه‌ی متقابل نامطلوبی با این کشور دارند و بی ثباتی آنها به ایران سرایت کرده و یا باعث کشانده شدن جمهوری اسلامی به امور داخلی‌شان می‌شود. روابط ایران با عراق خصمانه باقی مانده است و با افغانستان روابط پر تنش دارد. رابطه ایران با پاکستان تیره می‌باشد و روابطه‌اش با ترکیه نیز از زمان به سر کار آمدن جمهوری اسلامی مسیر صحیحی داشته است، بی آنکه هیچ گاه گرم باشد. در هیچ یک از این موارد، به جز در موارد عراق، ایران متوسل به زور نشده است. روابط ایران با دیگر دولت‌های منطقه، از جمله دولت‌های شمالی، روسیه و دولت‌های خلیج، روابط حسنه و در حال بهبود

[صفحه ۴۱]

است.
وضعیت داخلی ایران با ثبات است، در زمینه‌ی تغییرات مرزی این کشور موضعی محافظه کارانه دارد و با هیچ گونه تهدید واقعی رو به رو نیست. حال، چگونه ممکن است بی ثباتی‌های موجود به تهدیدات نظامی تبدیل شوند؟
۱ - بروز بحران در روابط با یک همسایه مجهز به سلاح‌های هسته‌ای (عراق)؛
۲ - وقوع جنگ متعارف با یک کشور همسایه (عراق)؛
۳ - بروز اعمال خراب کارانه در ارتباط با یک کشور همسایه (عراق، ترکیه، پاکستان و افغانستان)؛
۴ - تسری درگیری‌های منطقه‌ای (ارمنستان، آذربایجان، افغانستان و عراق)؛

۵ – ارعاب از جانب همسایگان (ترکیه)؛

۶ – تهدیدات متعارف از جانب قدرت‌های خارجی (اسراییل و آمریکا)؛

۷ – ابهام هسته‌ای به دلیل تهدیدهای خارجی (اسراییل و آمریکا).

سلاح‌های هسته‌ای در چه صورت می‌توانند مفید باشند

سلاح‌های هسته‌ای ممکن است:

۱ – عامل بازدارنده‌ای، برای برنامه‌های هسته‌ای دولت‌های دیگر باشند (عراق و پاکستان).

۲ – عامل بازدارنده‌ای برای دخالت دولت‌های خارجی باشند (اسراییل و آمریکا).

۳ – نارسایی‌ها و نابرابری‌های موجود سلاح‌های متعارف را جبران کنند.

۴ – به عنوان یک ابزار دیپلماتیک عمل کنند (به منظور ارعاب، بهبود جایگاه، یا جبران ضعف‌های دیپلماتیک).

این سلاح‌ها، حتی ممکن است عامل بازدارنده‌ای در برابر سلاح‌های هسته‌ای

[صفحه ۴۲]

دیگر کشورها باشند – حتی اگر بین دو کشور دارنده این سلاح‌ها نابرابری وجود داشته باشد – این موضوع باید از نظر دولتی که در پی بازداشتن حمله دولتی دیگر است، حیاتی و مشروع تلقی شود. برای مثال، دفاع از میهن را می‌توان به عنوان هدفی نسبتا بدیهی برای بازدارندگی قائل شد. با این حال، گسترش بازدارندگی، فراتر از منافع اصلی (حیاتی و مشروع)، کاری بسیار دشوارتر است. براساس این نظر، ایران می‌تواند مانع تهدید سلاح‌های هسته‌ای عراق یا تهدید مشابهی از جانب اسراییل یا ایالات متحده شود؛ و این امر مستلزم طی فرایندی طولانی می‌باشد. با این وجود، لزوما ایران به صورت خود به خود دست به چنین کاری نخواهد زد. ایران برای داشتن بازدارندگی مؤثر، بیشتر به توانایی نیاز دارد که عملیاتی و مؤثر باشد. استفاده از تهدیدهای هسته‌ای برای بازداشتن قدرت‌های خارجی از استفاده از نیروهای متعارف، بستگی به برنامه‌ای خاص دارد، اما تلاش برای پایین آوردن آستانه استفاده (استفاده زود هنگام) از قدرت هسته‌ای به صورت جدی، امری خطرناک خواهد بود. در چنین شرایطی، مسأله این است که بازدارندگی باید متوجه کدام کشور باشد؟ آیا ایران را باید از استفاده‌ی اولیه از سلاح‌های هسته‌ای علیه دشمنی بسیار قوی‌تر بازداشت و یا این که از مداخله دشمنان فرضی این کشور جلوگیری کرد؟

در مورد استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در برابر تهدیدهای متعارف چه باید گفت؟ این امر خطرات بیشتری در بر دارد. به نظر می‌رسد که سلاح‌های هسته‌ای دو طرف درگیری (همچون عراق و ایران)، باعث خویشتن‌داری آنها در هر سطحی از برخورد خواهد شد، ولی شواهد موجود درباره آخرین درگیری‌ها میان هند و پاکستان در ۱۹۹۹، این نظریه را تأیید نمی‌کند. در برخوردهای متعارف اگر طرف بازنده در پی به دست گرفتن مجدد ابتکار عمل برآید، احتمال می‌رود که درگیری، به جنگی تمام عیار تبدیل شود. در عین حال، این نگرانی وجود دارد که ممکن است دکترین و موضعی که بر پایه استفاده‌ی زود هنگام از سلاح‌های هسته‌ای در برابر

[صفحه ۴۳]

تهدیدی متعارف پی‌ریزی شده، هر نوع واقعه‌ای را به جنگ تمام عیار تبدیل کند.

همچنین، سلاح‌های هسته‌ای دربرابر تسری بی ثباتی از کشورهای همجوار، خراب کاری و ارعاب، به نسبت بی فایده هستند. در چنین مواردی تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، در حقیقت نامتناسب و فاقد اعتبار است و بیشتر این خطر وجود دارد که آستانه‌ی استفاده از این سلاح‌ها کاهش یابد و به ابزارهایی همه منظوره، برای هر سطح از درگیری – و نه ابزاری استثنایی – تبدیل شوند.

توانایی سلاح‌های هسته‌ای خود به خود باعث بازدارندگی نمی‌شود. بازدارندگی قابل باور، بر اثر ایجاد یک نیروی عملیاتی مؤثر به دست می‌آید و ابزاری همه منظوره به شمار نمی‌آید. سلاح‌های هسته‌ای را نمی‌توان جانشین سلاح‌های متعارف کرد. سلاح‌های هسته‌ای ممکن است باعث شوند توجه دولتمردان ایران به توانایی‌های متعارف – که بیشتر برای مواجه با تهدیدهای احتمالی، انعطاف‌پذیرتر و مناسب‌ترند – کاهش یابد و برای جلب منابع کمیاب هزینه‌های دفاعی، این کشور وارد رقابتی بی امان شود. به علاوه، سلاح‌های هسته‌ای نه تنها انعطاف‌پذیر نیستند، بلکه ارزان قیمت نیز نیستند و هزینه طول عمرشان را نیز باید در کنار مخارج مربوط به نیروهای نظامی متعارف تحمل کرد. اگر این امر رخ دهد، از اهمیت سلاح‌های انعطاف پذیرتر کاسته خواهد شد و تنها راه باقی مانده برای ایران، انتخاب میان استفاده زود هنگام از سلاح‌های هسته‌ای، و موارد اندک دیگر می‌باشد. بنابراین، یافتن مواردی که یک کشور دارنده سلاح هسته‌ای، قادر به تبدیل این سلاح‌ها به اهرم دیپلماتیک کارا (در برابر طرف‌های مقاوم و مصمم باشد)، بسیار دشوار است. همچنین روشن نیست که ایران بتواند به گونه‌ای مستقل به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد و یا در واقع بتواند از این رهگذر به استقلال بیشتری برسد. افزون بر این، مشخص نیست، ایران در نتیجه تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای بتواند نفوذ و یا جایگاه خود را ارتقا بخشد. همانند بودن جایگاه یک قدرت بزرگ

[صفحه ۴۴]

با جایگاه یک کشور دارنده‌ی سلاح‌های هسته‌ای، همواره مبهم بوده است و از زمان دستیابی پاکستان به این گونه سلاح‌ها این موضوع بسیار کم رنگ شده است.

سرانجام، از آنجا که هدف از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای افزایش امنیت است، باید نشان داد که این هدف در واقع « اثر خالص » [۳۰] این نوع سلاح‌ها می‌باشد. برای انجام این امر، باید به سلاح‌های هسته‌ای، به عنوان چاره‌ای اساسی برای مشکلات امنیتی ایران نگریست، نه این که آنها را عاملی برای پیچیده کردن این مشکلات دانست. سلاح‌های هسته‌ای، به عنوان ابزارهایی انعطاف ناپذیر در بهترین حالت می‌توانند بخش بسیار کوچکی از مشکلات امنیتی ایران را حل کنند و باید جوانب منفی آنها را نیز در نظر داشت. گذشته از واکنش دیپلماتیک سایر کشورها به خروج ایران از NPT، پس از تولید زیرزمینی سلاح‌های هسته‌ای، چنین رویدادی برای کشورهای منطقه چه معنایی خواهد داشت؟

این رویداد، ترکیه و عربستان سعودی را به چتر امنیتی ایالات متحده بیشتر وابسته خواهد کرد و احتمالا انگیزه‌ی آنها را برای در پیش گرفتن اقدامی مشابه، افزایش خواهد داد. عراق نیز در صورتی که از قبل به یک قدرت هسته‌ای تبدیل نشده باشد، بهانه‌ای برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای پیدا خواهد کرد. اسراییل و پاکستان هم مجبور خواهند شد توانایی‌های جدید ایران را در برنامه‌ریزی خود مورد توجه قرار دهند. واکنش ایالات متحده، اتحادیه اروپا و روسیه نیز مثبت نخواهد بود.

بیان این مطالب، بدان معنی نیست که تنها کشورهایی که از اتخاذ راهکار کسب توانایی هسته‌ای صرف نظر می‌کنند که فاقد مشکل امنیتی جدی هستند یا تحت پوشش نوعی چتر امنیتی قرار دارند. به عنوان مثال: مصر، کشوری است که انگیزه

[صفحه ۴۵]

ملموسی برای کسب این توانایی در اختیار داشته است ولی از چنین کاری خودداری کرده است. موقعیت ایران نیز از این نظر مانند مصر است. این کشور قدرت بزرگی است که در رویارویی با یک قدرت کوچک‌تر (عراق)، می‌تواند برای مقابله با تهدید سلاح‌های هسته‌ای منطقه‌ای، از راه دیپلماسی عمل کند و یا دیگر راه‌های جایگزین را مد نظر قرار دهد. از این لحاظ، دیپلماسی ایران در قبال عراق و بحث بر سر سلاح‌های هسته‌ای (درگیر و دار میل به کاهش یک تهدید جدی و میل به منتفع شدن از آن)، به عنوان توجیهی برای برنامه‌های هسته‌ای این کشور قرار دارد.

حتی در نبود یک تهدید امنیتی مشخص و فوری، کشوری که خود را در محاصره دشمنان و یا فاقد دوست می‌داند، ممکن است در پی دست یافتن به سلاح‌های هسته‌ای برآید تا در صورت وخیم‌تر شدن احتمالی محیط امنیتی‌اش، از خود حفاظت کند. باید تأکید کرد که ایران در موقعیتی مشابه کشورهای اسراییل یا هند و پاکستان (قبل از آزمایش‌های اتمی ۱۹۹۸) قرار ندارد. این کشورها پیمان NPT را امضا نکرده‌اند، گرچه جزو کشورهایی هستند که اعلام نکرده‌اند دارای سلاح‌های هسته‌ای هستند. بنابراین، آنها به عنوان « کشورهای آستانه‌ای » [۳۱] شناخته می‌شوند. این ویژگی اسراییل، اجازه می‌دهد تا با بهره‌برداری از وضعیت ابهام آمیز خود به مزایایی دست پیدا کند یعنی از توانایی‌های هسته‌ای خود به عنوان عامل بازدارنده نهایی - بدون پذیرش اندازه و گستره‌ی این توانایی - استفاده کند. اما ایران به عنوان یکی از طرف‌های NPT نمی‌تواند این گونه عمل کند، زیرا به عنوان یک عضو NPT، از حق خود برای تولید سلاح‌های هسته‌ای دست کشیده است. برای تهران که از تحریم‌های بین‌المللی بیم دارد، استفاده از توانایی زیر زمینی در جهت مقاصد دیپلماتیک، دشوار خواهد بود. بنابراین، راهکار حفاظتی ایران، باید متوجه یک

[صفحه ۴۶]

تهدید مشخص بوده و این فکر را مد نظر داشته باشد که تحت چه شرایطی ممکن است بخواهد یا نیاز داشته باشد که از پیمان خارج شود؟ (این مسأله پرسش‌هایی در پی دارد. از جمله این که چه عاملی ممکن است خروج ایران را از پیمان آسان سازد و واکنش اعضای شورای امنیت و دیگر کشورها نسبت به این موضوع و بالاتر از همه، نوع راهکاری که ایران می‌تواند در چارچوب پیمان اتخاذ کند، چه خواهد بود)؟

به عنوان آخرین تفسیر مقدماتی، گفتنی است که ایران تنها کشوری نیست که از بی عدالتی موجود در NPT، ناراضی است. شاید ایران به عنوان یک کشور انقلابی نسبتا جدید، احساسات پرشورتری نسبت به این موضوع داشته باشد. با این حال، روشن نیست که گسترش بیشتر سلاح‌های هسته‌ای، این بی عدالتی را بر طرف کند. این موردی است که در آن ارزش‌های نظم و عدالت ممکن است با هم تعارض پیدا کنند و انتخاب اخلاقی به هیچ وجه روشن نیست؛ چرا که این ارزش‌ها در این چارچوب نمی‌گنجد. [۳۲] .

محیط امنیتی ایران

دشوار است که تصور کنیم، بین برداشت‌های امنیتی ایران و بیان رسمی دولت مردان این کشور ارتباط وجود نداشته باشد. رهبران ایران اغلب از این کشور به عنوان جزیره‌ای بی ثبات در میان دریایی طوفانی یاد می‌کنند. [۳۳] در عین حال همین رهبران، با توصیف موقعیت ایران به صورت، سیال بودن سیاست منطقه‌ای و تجربه‌ی جنگ و انزوای بین المللی، این کشور را محیطی نامساعد

ترسیم می کنند که مستلزم اتخاذ اقداماتی دشوار است. رهبران ایران بیشتر به تهدیدات فرهنگی اشاره

[صفحه ۴۷]

می کنند که این امر نشان می‌دهد، ایران به طور عمومی احساس عدم امنیت می کند، نه این که در معرض تهدیدات مشخصی قرار داشته باشد. این موضوع در گزارش مربوط به بحث میان کارشناسان، بر سر امنیت ملی ایران مشهود است. این بحث بر سیال بودن سیاست منطقه‌ای، اهمیت امنیت مرزی و برقراری ثبات در مرزها و تعلقات فرهنگی ایران در منطقه متمرکز است. بیشتر توجهات ایران به جای این که به عراق یا افغانستان باشد، معطوف به مسائل شمال و جنوب بوده است. در شمال مسأله‌ی گسترش ناتو و در شرق مسأله‌ی همسایه‌ای (پاکستان) مطرح است که رابطه‌ی دوستانه‌ای ندارد. به طور کلی، نگرانی عمده‌ی ایران، بیشتر در زمینه موضوعات منطقه‌ای بوده است تا قدرت‌های خارجی. [۳۴] .

وضعیت ایران اغلب این گونه ترسیم می‌شود که در منطقه‌ی خطرناکی از جهان قرار دارد که ویژگی آن بی ثباتی مزمن، درگیری و میراث جنگ‌هاست. [۳۵] – البته این مطلب گزافه نیست – با این حال، این بی ثباتی‌ها بیشتر داخلی هستند و تنها از این نظر می‌توانند تهدیدی به شمار آیند که به صورت غیر عمدی به ایران تسری یابند (یا ایران را در تنگنای دیپلماتیک قرار دهند)، نه این که خود تهدیدی عمده به شمار آیند. ایران، در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه که از بی‌ثباتی رنج می‌برند در وضعیت بهتری قرار دارد [۳۶] و به استثنای جانب عراق که تهدیدی جدی برای این

[صفحه ۴۸]

کشور به شمار می‌رود، به لحاظ امنیتی در وضعیت خوبی قرار دارد. ایران نه دارای دشمنان تاریخی است، نه بر سر مرزهایش با دیگر کشورها اختلاف دارد، نه با نهضت‌های جدایی طلب درگیر است و نه با مردمانی همچون مردم کشمیر رو به رو است که به او فشار وارد آورند. درست است که ایران در محاصره کشورهایی قرار دارد که هر یک کم و بیش دچار تجزیه سرزمین و یا جنگ داخلی بوده و نسبت به هویت و حتی بقای خود نامطمئن هستند، اما این کشور، دارای هویتی مشخص بوده که وجه اشتراک چندانی با این کشورها که روز به روز در حال افول هستند، ندارد.

مسائل امنیتی ایران حول محور اقلیت‌ها و نیز به ویژه اقتصاد این کشور و کارایی عملکرد خود دولت دور می‌زند. ایران دارای روابط معقولی با ترکیه است که در میان هفت همسایه زمینی‌اش از همه قدرتمندتر است. همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور نیز باید از طریق بهبود روابط سیاسی تکمیل شود چون هیچ موضوع دو جانبه‌ای وجود ندارد که مورد اختلاف دو کشور باشد. ایران در خلیج فارس، بی گمان از نظر جمعیت و موقعیت جغرافیایی، مهم‌ترین قدرت به شمار می‌رود. در شمال و شرق، کشورهای همسایه کشورهایی ضعیف هستند که مستعد فروپاشی بوده و در حال درگیری می‌باشند و هیچ یک به عنوان تهدیدی جدی یا مستقیم برای ایران به شمار نمی‌روند. ایران به دلیل وجود هر یک از این تهدیدها، نیازی به سلاح‌های هسته‌ای ندارد.

عراق

تهدید بالقوه‌ی عراق قانع کننده‌ترین دلیل برای ایران است که دستیابی به بازدارنده‌ی هسته‌ای را مد نظر قرار دهد. همگان می‌دانند که عراق در پی کسب

[صفحه ۴۹]

توانایی هسته‌ای بوده است و جنگ با ایران را دلیلی برای انجام این کار می‌داند. [۳۷] عراق در پی آن بوده است که تا حد امکان این توانایی را حفظ کرده و برای آن بیفزاید و بدین منظور، این کشور در مواجهه با بازرسی‌هایی که تحت نظارت AEAI MOCSNU صورت گرفته است، از ارائه اطلاعات در این زمینه طفره رفته و یا اطلاعات کذب ارائه کرده است. [۳۸] قسمت بزرگی از این توانایی هسته‌ای عراق به ویژه دانش علمی و مهندسی آن، همچنان دست نخورده باقی مانده است و این امر، مبین آن است که احتمالا برنامه‌ی سلاح‌های هسته‌ای عراق در آینده از سر گرفته خواهد شد. در همین حال، بعید است که محدودیت‌های مالی مانعی عمده برای اجرای این برنامه باشند، زیرا که عراق از فروش نفت از طریق فرار از تحریم‌ها و برنامه‌ی « نفت در برابر غذا » ، درآمدهایی کسب می کند.

انگیزه‌های عراق برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای نیز ممکن است کاهش نیافته باشد. نیروی نظامی متعارف عراق، گرچه به طور مشخص هدف تحریم‌ها نبوده است، اما این نیرو از محدودیت‌ها و تحریم‌ها و نیز فقدان دسترسی به قطعات یدکی و نارسایی‌های آموزشی و عملیاتی رنج می‌برد. در نتیجه احتمالاـ عراق دست کم در ابتدای کار وابستگی بیشتری به سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) پیدا خواهد

[صفحه ۵۰]

کرد. در این حال، عراق به طور قانونی، از داشتن موشک‌هایی با بردی فراتر از ۱۵۰ کیلومتر محروم است در حالی که ایران، عربستان سعودی و سایر کشورها به موشک‌هایی دسترسی دارند که دست کم دو برابر این میزان برد را دارا هستند. سرانجام با توجه به ماهیت حکومت کنونی عراق که جانشین مشخصی برای آن در حال حاضر متصور نیست، تلاش این کشور برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی هرگز متوقف نخواهد شد. احتمال بیشتری وجود دارد که عراق بلند پرواز، که در پی دو جنگ (با ایران و کویت) سرخورده شده است، تحت حاکمیت صدام برای گرفتن انتقام دست به تهدید و باج گیری بزند به جای آن که بخواهد موضوع ضعف خود را به عنوان یک قدرت شکست خورده بپذیرد.

ایران حق دارد که در مورد واکنش‌هایی به جز بازدارندگی، در مقابل تهدید یک عراق هسته‌ای مشکوک باشد. از این گذشته، عراق تمایل خود را به تولید و استفاده از سلاح‌های شیمیایی - در صورتی که با خطر حمله تلافی جویانه مواجه نباشد - نشان داده است. سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی عراق، همچنان محفوظ باقی مانده‌اند و صدام کم و بیش، به توسعه نیروهای موشکی خو السمود [۳۹] - که به آسانی در صورت کاهش خرج، بر برد آن افزوده می‌شود - ادامه می‌دهد. [۴۰] .

عراق، همچنان مصمم است که توانایی‌ها WMD خود را حفظ کند و UNSCOM، نشان داده است که حتی با بازرسی‌های مداخله جویانه، برخی برنامه‌ها را می‌توان پنهان کرده (مقایسه کنید با برنامه سلاح‌های بیولوژیکی BW عراق که در

[صفحه ۵۱]

سال ۱۹۹۵ یک پناهنده فاش کرد)، و توانایی‌های باقی مانده را در همه‌ی زمینه‌ها حفظ کرد. این امر اعتماد ایران نسبت به عراق را

کاهش می‌دهد، چرا که این کشور باید خطرات ناشی از تهاجم عراق را بر اثر تغییر سیاست یا خستگی UNSC و یا این تصمیم مد نظر قرار دهد که بیشتر به بازدارندگی تکیه کند تا ادامه‌ی سیاست خلع سلاح که بی تأثیر و به لحاظ سیاسی استرس زاست.

موضوعاتی که ایران و عراق در آنها اتفاق نظر ندارند، کم نیستند. مسأله‌ی مبادله اسرای جنگی، غرامات جنگی، تعیین خطوط مرزی و توافق در مورد خود مرزها و نیز حمایت دو طرف، از گروه‌های مخالف طرف مقابل همچنان روابط را مسموم می‌سازد. (حملات تروریستی افراد و گروه‌های تحت حمایت دو کشور که گاهی منجر به حملات هوایی، توپخانه و موشکی از جانب ایران به مناطق شرقی عراق (از سال ۱۹۹۴(شده است). این برخوردها ممکن است شدت پیدا کرده و منجر به مخاصمات جدی شوند. عراق هنوز خود را به دلیل نداشتن عمق استراتژیک در مقایسه با ایران در موضع ضعف و آسیب پذیر احساس می‌کند (پایتخت عراق به مرز نزدیک است در حالی که تهران چند صد کیلومتر از مرز فاصله دارد). از این رو، عراق حق دارد که به دلیل عدم دسترسی قابل ملاحظه به آب‌های خلیج فارس ناراضی باشد و برای بهبود این وضعیت، در آینده علیه کویت تحریکاتی را انجام دهد.

بنابراین، ایران برای دادن پاسخی محتاطانه به تهدیدی بالقوه و جدی، دلایل محکمی داراست؛ چه این تهدید هسته‌ای باشد، چه بیولوژیکی و چه شیمیایی. [۴۱].

ایران اصرار دارد که در واکنش به گسترش سلاح‌های هسته‌ای، عدم گسترش را

[صفحه ۵۲]

به دستیابی « متقابل » ، ترجیح دهد. با این حال، صرف‌نظر از حمایت رسمی از برنامه‌ی عدم گسترش، ایران انرژی زیادی برای تقبیح بی عدالتی موجود در NPT و مهم‌تر از همه وضعیت ابهام آمیز اسراییل، به عنوان « کشور آستانه‌ای » - که آمریکا تقریبا برای محکوم کردن آن کاری انجام نمی‌دهد - صرف می‌کند. دیپلماسی تهران با اصرار لجوجانه عراق که آشکارا بر حفظ توان بالقوه‌ی خود، در تولید WMD تأکید می‌کند، هم خوانی ندارد. برای مثال، همکاری ایران با عراق، در زمینه‌ی دور زدن تحریم‌های بین‌المللی، از طریق فروش نفت عراق (و بهره‌مند شدن ایران از طریق واسطه‌گری)، تنها ادامه‌ی خریدهای عراق برای حمایت از برنامه‌های WMD این کشور را آسان می‌کند. افزون بر این، حمایت تشریفاتی ایران از UNSCOM و جانشین بالقوه‌ی آن UNMOVIC، نشان می‌دهد این کشور از تهدید بالقوه‌ی هسته‌ای عراق چندان احساس خطر نمی‌کند. درخواست‌های مکرر ایران مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از خلیج فارس هر چند از لحاظ سیاسی قابل درک است، اما این موضوع بدان معنی نیست که UNSCOM به دلیل حضور نیروهای آمریکایی، امکان انجام وظیفه پیدا کرده است. حضور آمریکا عامل بازدارنده‌ای برای ماجراجویی‌های بیشتر عراق است.

بعید است عراق از برنامه‌های WMD خود دست بکشد و یا پیگیری‌های خود را در زمینه تولید سلاح‌های هسته‌ای متوقف کند. حذف صدام حسین، ممکن است باعث تغییر این سیاست شود، اما همچنان دلایل محکمی برای دستیابی عراق به سلاح‌های هسته‌ای وجود خواهد داشت و این موضوع باعث می‌شود تا این کشور مادامی که با ایران و کویت درگیر است و خود را آسیب‌پذیر حس می‌کند و دارای جامعه‌ای شکننده است که آن را به سمت ایفای نقش منطقه‌ای فعال‌تری سوق می‌دهد، ابزارهای دفاعی و نفوذ خود را تقویت کند. عراق در برنامه‌های هسته‌ای خود از همسایگانش جلوتر است و آن گونه که عراق تصور می‌کند این همسایگان نیز

[صفحه ۵۳]

برای استفاده از این سلاح‌ها جهت ایجاد توازن، از انگیزه‌ی کافی برخوردارند.
ایران بایـد، این نکته را در نظر بگیرد که چه اقـداماتی می‌توانـد بر این مسأله تأثیر گـذار باشد؟ نخستین اقدام برای آغاز این حرکت می‌تواند حمایت بیشتر از تلاش‌های خلع و سـلاح سازمان ملل باشد. راه حل دیگر، حل و فصل برخی موضوعات دو جانبه، از طریق مصـالحه است. تلاـش برای متقاعـد کردن کویت برای اعطـای امکان دسترسـی بیشتر عراق به آبهای خلیـج فارس رهیافت ضـروری دیگری است که باید در پیش گرفت. همچنین، وارد کردن عراق در سیاست و نهادهای خلیج فارس نیز می‌تواند به عنوان انگیزه‌ای برای رفتار بهتر عراق مد نظر قرار گیرد.
از جنبه‌ی نظامی ایران بایـد نخست در پی ایجاد نیروهای متحرکی باشد که بتوانند به سـرعت در جبهه‌های متعدد اسـتقرار یابند. این نیروها بایـد برای پیشامـدهای احتمالی آموزش ببینند. همچنین، مناطق مرزی مشترک بین دو کشور باید از طریق عقد موافقت نامه‌ی مشترک، غیر نظـامی اعلاـم شود، امـا تحت مراقبت قرار داشـته باشـد. اسـتحکامات دفاعی در آن سوی این مناطق بایـد بهبود یافته و جمع‌آوری اطلاعات شـکل یکپارچه‌ای پیـدا کنـد. دوم این که ایران باید به طور کلی به تلاش‌های خود در زمینه‌ی اطلاعات نظامی بیافزایـد. سوم این که ایران بایـد همـاهنگی میـان نیروهای خود را افزایش داده و وضـعیت دفاع هوایی خود را بهبود بخشـد. چهارم، نیروهای موشـکی ایران باید بتوانند عامل بازدارنده‌ی متعارفی در برابر حملات متعارف عراقی‌ها باشـند و سرانجام این که ایران باید تا آنجا که با مفاد رژیم NPT مغایر نباشد، در زمینه راهکار سلاح‌های هسته‌ای تلاش کند.
مسأله‌ی عراق برای ایران بسـیار دشوار و حساس است: چگونه ایران برای مقابله با تهدید هسـته‌ای احتمالی عراق اقدام کند بی آنکه اوضاع وخیم‌تر شود و یا هنجارهای مرتبط با پیمان‌هایی که داشـتن این سـلاح‌ها را مجاز نمی‌داننـد (و تعهـدات رسـمی خود ایران)، خدشه‌دار نشود؟

[صفحه ۵۴]

اسراییل

ایرانی‌ها بیشتر، اسراییل را تهدیدی مستقیم و یا کشوری با انگیزه‌های امپریالیستی توصیف می‌کنند. بسیاری از ایرانی‌ها، درگیری در فلسـطین را بی عدالتی شدیدی می‌دانند که اسـراییل بر مردم مسـلمان روا داشـته است، اسراییلی که مخلوق غرب بوده مورد حمایت خـاص آمریکـا قرار دارد. بنـابراین دولت ایران موضع خصـمانه‌ای علیه اسـراییل اتخـاذ کرده است. این کشور از گروه‌هـای مخـالف فرایند صـلح حمایت کرده و مذاکرات صلح را خیانت ارزیابی می‌کند. از سوی دیگر شعارها و سیاست‌های ایران نیز به نوبه‌ی خود، اسـراییل را نسبت به برنامه‌های گوناگون ادعا شده WMD ایران بسـیار مظنون کرده است. گاه این بـدگمانی با اعلامیه‌هایی همراه است که افسـران نیروی هوایی اسـراییلی منتشـر کرده و در آن پیشـنهاد می‌کننـد که لاـزم است حملاـت پیش گیرانه علیه تأسـیسات مشکوک ایران انجام شود (برای مثال در ۱۹۹۴).
همکاری اسراییل با ترکیه در زمینه‌ی مسائل دفاعی از ۱۹۹۸ این عقیده را در ایران تقویت کرده است که اسراییل قصد دارد از طریق هوایی ترکیه و با اسـتفاده از هواپیماهای جنگنـده‌ی خود، به آسـمان ایران دست یابد تا حمله‌ی ناگهانی خود به اوسـیراک عراق در ۱۹۸۱ را، در مورد ایران نیز تکرار کنـد. گـاه، ایرانی‌هـا همکـاری بین ترکیه و اسـراییل و همکـاری این دو کشور بـا آذربایجـان را،

تلاش برای گسترش ناتو و یا دست کم اتحاد کشورهای طرف‌دار غرب در شمال ایران تلقی می کنند. محققان ایرانی معتقدند که این امر در راستای مهار ایران و تکمیل حضور آمریکا در جنوب انجام می‌شود. اسراییل فشارهای زیادی - که کم و بیش موفق آمیز بوده‌اند - بر آمریکا، روسیه و چین وارد آورده است تا انتقال فن‌آوری را که ممکن است برای برنامه‌های دفاعی ایران مفید باشد به این کشور متوقف سازند.

علی رغم این خصومت پایدار، واقعیت این است که هیچ اختلاف دو جانبه‌ای بین

[صفحه ۵۵]

دو کشور وجود ندارد (البته برخی مسائل اقتصادی مربوط به دوره شاه هنوز بین دو کشور باقی مانده است که باید حل و فصل شوند. تا پیش از جریانات اخیر، رفتار ایران با جامعه‌ی یهودیان این کشور نیز مایه اختلاف بین آنها نبود). پشتیبانی ایران از هم کیشان شیعه‌ی خود در لبنان یعنی حزب الله، تاکنون تا آنجا پیش نرفته است که منجر به حملات مستقیم به اسراییل شود حتی ایران در حمایت از فلسطینی‌های مخالف طرح صلح، همانطور که در بیانیه‌های آقای خاتمی رییس جمهور آمده، چنین استدلال شده است که فلسطینی‌ها خود باید در مورد آینده‌شان تصمیم بگیرند. خلاصه این که، هیچ مسأله‌ای بین دو کشور وجود ندارد که ارزش آن را داشته باشد که آنها بر سر آن وارد جنگ با یکدیگر شوند. دادن شعارها و سرمایه گذاری‌های محدود برای مخالفت با دیگری و بزرگ‌نمایی اهداف دو طرف علیه یکدیگر، جو خطر و کینه‌جویی را در روابط طرفین ایجاد کرده است.

ایران و اسراییل اختلافی با یکدیگر ندارند و مناسبتی هم ندارد تا درگیر مخاصمات فعال، علیه یکدیگر شوند؛ چه رسد به این که به تبادل درگیری هسته‌ای علیه یکدیگر دست بزنند.

ایران دلیلی ندارد تا از تروریست‌هایی حمایت کند که خودشان اسراییل را تهدید می کنند یا از گروه‌هایی حمایت کند که مقامات فلسطینی آنها را قبول ندارند. ایران دلیلی ندارد که موشک‌های دوربردی تولید کند که باعث ایجاد این ترس در اسراییلی‌ها شود که آنها ممکن است مسلح به کلاهک‌های WMD باشند و یا این کشور را هدف قرار دهند. برای مثال، ایران دلیلی ندارد که فکر کند در صورت تولید سلاح‌های هسته‌ای، می‌تواند بازدارندگی را به لبنان گسترش دهد و این کشور را قادر سازد تا به حملات متعارف به آن سوی مرزهایش دست بزند. ایران باید به این نکته توجه کند که اگر به خصومت خود با اسراییل ادامه دهد، برای انجام این کار باید منافع بسیار عالی و حیاتی داشته باشد، زیرا اسراییل کشوری بسیار قدرتمندتر است

[صفحه ۵۶]

که ذخیره عظیمی از سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارد، دوستان قدرت‌مندی دارد و اقتصادش در حال رشد است، در حالی که ادامه این خصومت اصولا نفعی برای ایران در بر ندارد. ایران اگر می‌خواهد به فلسطینی‌ها کمک کند باید از راه دیپلماتیک وارد شود. از همه‌ی این‌ها گذشته، همان گونه که در سال ۱۹۹۵، [حضرت] آیت الله سید علی خامنه‌ای، رهبر عالی مقام کشور فرمودند:

« مسأله‌ی فلسطین جهادی نیست که تنها ایران وارد آن شود. »

در عین حال، ایران لازم است برای تدوین دکترینی در مورد استفاده از موشک‌ها که به همسایگانش نه فقط در مورد کلاهک‌های جنگی احتمالی آنها، بلکه همچنین در مورد موارد استفاده آنها اطمینان داده و به تفکر بیشتری بپردازد. خلاصه این که، ایران باید این نکته را مد نظر قرار دهد که سلاح‌های دور برد، مستلزم توجه بیشتر به پیامدهای دیپلماتیک و سیاسی سیاست‌های تسلیحاتی

می‌باشد.

در صورتی که تهدید مستقیمی علیه اسراییل وجود نداشته باشد، این کشور تهدیدی متوجه ایران نخواهد ساخت که توجیه کننده‌ی دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای باشد.

ترکیه

روابط ایران بـا ترکیه، گرچه در زمـان شـاه صـمیمانه بود اما هرگز گرم نبود. در زمان حکومت جمهوری اسـلامی نیز این روابط به سردی می‌گراییـد امـا هیـچ گـاه خیلی بحرانی نشـد. یکی از دلایل این امر آن بود که ترکیه تصـمیم گرفته است در برابر تحریکات ایران از خـود خویشـتن‌داری نشـان دهـد. دلیـل دیگر این است که دو کشور، هیـچ‌گونه درگیری مهمی چه در زمین و چه در سـایر موارد با یکـدیگر ندارنـد. ایران نسبت به عضویت ترکیه در ناتو، بی اعتماد است ولی چون در هر دو کشور در رابطه با عراق منافع مشترکی دارند این بی اعتمادی تعدیل شده است. رقابت بحث برانگیز دو

[صفحه ۵۷]

کشور در شـمال، اغلب مسـکوت مانده است و حالت غیر مستقیم دارد. بی اعتمادی مشترك دو کشور در گذشته، نسبت به شوروی پس از پایان جنگ سـرد تـداوم پیـدا نکرد. اینک ایران، روسـیه را یك متحـد نظامی احتمالی می‌داند؛ گرچه تاکنون به نتیجه قطعی نرسـیده اسـت و ایـن اتحـاد را بـه طـور صـریح علیـه ترکیه تلقی نمی‌کنـد. واقعیت این است که ایران بر ترکیه که احتمالاـ مهم‌ترین همسایه این کشور است تمرکز کافی نکرده است (یك خلاء عمـده در سیاست خارجی ایران عبارت است از نبود اطلاعات یا عدم مطالعه و شـناخت از اتحادیه‌ی اروپا (EU) و پویش‌هـای آن است. در آینـده‌ای نه چنـدان دور، ایران ممکن است خود را هم مرز با EU بیابـد). اگر رابطه‌ی ایران با ترکیه، رقابتی مسـکوت و بـدون هیچ گونه درگیری عمده باشد، در چه زمینه‌هایی ممکن است این رابطه بحرانی شود؟

- فعالیت خرابکارانه‌ای ایران در ترکیه: [۴۲] بعید است که این جریان بیش از پیش گسترش یابد و احتمالا زمان این گونه فعالیت‌ها سپری شـده است. تنها موردی که به طور اسـتثنا می‌توان به آن اشاره کرد، این ادعاست که ایران از PKK حمایت می‌کند. (در ذیل توضیحات بیشتری ارائه می‌گردد).

- حمایت ترکیه از آذربایجان، در رابطه با الحاق این بخش از ایران به آن کشور: این موضوع تا حدودی در زمان ریاست جمهوری ایلچی بی، در اوایـل دهه‌ی ۱۹۹۰ اتفـاق افتـاد. حساسـیت ایران نسـبت به این مسأله، با توجه به عملکرد اقتصادی ثبات اجتماعی این کشور متغیر است.

- صف‌بنـدی ایران و سوریه در برابر ترکیه و اسـراییل: از یك سو همکاری نظامی ترکیه با اسـراییل و روابط ایران با سوریه از سوی دیگر، این نظر را تقویت می‌کند که دو اتحاد منطقه‌ای وجود دارد که ممکن است سرانجام بر سر فلسطین، منابع آب و

[صفحه ۵۸]

یـا شـمال بـا یکـدیگر برخورد کننـد. در این راسـتا، محور اسـراییل - ترکیه - آذربایجـان مطرح می‌شود که برخی از مقامات ایرانی معتقدند این اتحاد جدید در جهت محاصـره یا مهار ایران تلاش می‌کند و با ناتو نیز مرتبط است. بنابراین، می‌توان گفت که حمایت

ایران از PKK، واکنش این کشور برای افزایش فشار به ترکیه است. (با این حال، تلاش‌های مشابه سوریه که کار ساز نبودند، سابقه‌ای امید بخش را در این زمینه به وجود نمی‌آورند).

چگونه ممکن است که هر یک از این سناریوها منجر به رویارویی نظامی بین ایران و ترکیه شود؟ حمایت ایران از PKK، ممکن است باعث بروز برخی زد و خوردهای مرزی (مانند آنچه در ۱۹۹۹ رخ داد)، بمب گذاری‌ها و افزایش تنش‌ها شود. این امر ممکن است باعث شود ترکیه به ایران التیماتوم بدهد، همانگونه که در سال ۱۹۹۸، ترکیه به سوریه التیماتوم داد.

به دشواری می‌توان تصور کرد، ایران به ترکیه که یک قدرت نظامی قابل توجه و عضو ناتو است، درگیری نظامی پیدا کند. همچنین، درگیری نظامی بین ایران و ترکیه ناشی از رقابت در قفقاز به نظر بعیدتر می‌رسد. شاید بهتر باشد پرسش برعکس مطرح شود: سلاح‌های هسته‌ای ایران چه نقشی در روابط بین ایران و ترکیه بازی خواهند کرد؟ این سلاح‌ها عامل بازدارنده برای چه چیزی خواهند بود؟ در برابر چه چیزی می‌خواهند از کشور دفاع کنند؟ و با چه چیزی می‌خواهند برابری کنند؟ این سلاح‌ها می‌خواهند چه چیزی را جبران بکنند؟

ایران به ترکیه هیچ گونه درگیری ندارند که در آن به ابزار نظامی نیاز باشد. مانورهای دیپلماتیک هر دو کشور، جو روابط را آرام نساخته است و هر یک را با منافع کشورهای دیگر پیوند داده است که نتیجه‌ی آن، از دست دادن کنترل بر برداشت‌ها و مدیریت بحران‌هاست. با توجه به این موضوع نیز نمی‌توان دلیلی بر کم‌ترین نیاز و یا توجیهی برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای یافت.

[صفحه ۵۹]

پاکستان و شرق

در سال‌های اخیر، برخی از مباحث مربوط به تهدیدات استراتژیک ایران است که به پاکستان نیز ارتباط پیدا می‌کند. شماری از مفسران، ایران در منگنه‌ی صدام حسین و طالبان توصیف کرده و برخی دیگر احتمال یک صدام حسین پاکستانی را مطرح کرده‌اند. ایران در مقایسه با این همسایگان، میانه‌رو و با ثبات به نظر می‌رسد.

با این حال، اگر همسایگان نامطمئن، دلیلی برای ایران، جهت دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای باشند، بی گمان ترکیه در اول صف قرار خواهد داشت. روابط ایران با پاکستان به طور سنتی خوب بوده است. در زمان جنگ سرد، هر دو کشور به غرب گرایش داشتند. شاه نیز طی درگیری‌های هند و پاکستان، در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ از این کشور حمایت کرد. در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ این وضعیت با بهبود روابط ایران با هند که متحد استراتژیک و تجاری بلند مدتی به شمار می‌رود توازن بیشتری پیدا کرد. روابط با پاکستان در طول دهه ۸۰، با وجود بروز درگیری‌های فرقه‌ای در این کشور، همچنان خوب باقی ماند. ولی حمایت هر دو کشور از مجاهدین افغان، به دیدگاه مشترک در قبال آینده‌ی افغانستان تبدیل نشد. ایران در پی ایجاد یک دولت ائتلافی چند قومی، به عنوان بهترین راه حل برای ایجاد نظم در کشور همسایه‌اش افغانستان بود، در حالی که پاکستان به دلایل قومی و نژادی استراتژی حمایت از طالبان را که بیشتر، پشتون هستند، تعقیب می‌کرد. طالبان که از جمله بنیادگرایان سنی مذهب هستند، با شیعیان در افغانستان دشمنی داشته و در نتیجه با ایران نیز که دارای اکثریت شیعه بوده و منافعش در حمایت از هم‌کیشان خود در آن سوی مرز می‌باشد، دشمنی دارند. حمایت پاکستان از طالبان و سرکوب شیعیان افغانستان، همراه با افزایش خشونت‌های فرقه‌ای در داخل پاکستان، باعث تغییر نگرش ایران نسبت به پاکستان شده است.

[صفحه ۶۰]

مسائل استراتژیکی دیگری نیز بـه تیرگی ایـن روابـط کمـک کرده‌انـد. یکی از ایـن مسائـل ایـن واقعیـت اسـت کـه برخی ایرانی‌ها می‌گوینـد که پاکستان در مقـایسه بـا گذشـته از موضع بالاـتری با ایران برخورد می‌کنـد (برخی از مقامات ایرانی این موضوع را به هسته‌ای شدن پاکستان نسبت می‌دهند). [۴۳] پاکستانی‌ها در مقابل می‌گویند که ایرانی‌ها از این که پاکستان فن‌آوری هسته‌ای خود را در اختیار تهران نگذاشته است، عصبانی هستند. [۴۴] مسأله‌ی دیگر، احتمال همکاری هسته‌ای بین پاکستان و عربستان سعودی می‌باشـد. همگان می‌داننـد که پاکسـتان در گذشـته همکاری‌های نظامی و امنیتی با دولت سـعودی داشـته است. این همکاری‌ها در زمان حمایت دو کشور از مجاهـدین افغانی علیه شوروی بیشتر شد. از آن زمان به بعد همکاری دو کشور در حمایت از طالبان ادامه یافت. ایرانی‌ها، گمان می‌کنند که دیدار (بی سابقه) شاهزاده سـلطان، وزیر دفاع سـعودی، از تأسـیسات غنی سازی اورانیوم پاکستان در سال ۱۹۹۹، نشانه‌ی همکاری‌های بیشتر و گسترده‌تر بین دو کشور باشـد. ایران نیز در مقابل، از روابط با هند بهره‌برداری کرده و در پی تحکیم پیونـدهایش با قـدرت مسلط شـبه قاره هنـد می‌باشـد و تا جایی که منافع ملی ایران بر منافع فکری و مذهبی‌اش تقدم داشته باشد، تهران منافع مشترک بیشتری با هند سکولار خواهد داشت تا با پاکستانی که دچار تفرقه می‌باشد.

همان گونه که یک محقق هندی گفته است:

« هنـد و ایران، دست به دست هم می‌دهنـد تا از طریق زمینی (راه بنـدر عباس و تهران)، آسـیای جنوبی را به آسیای مرکزی متصـل کنند. » [۴۵].

[صفحه ۶۱]

بزرگ‌ترین تهدیـدی که امروزه پاکسـتان می‌توانـد برای ایران ایجاد کنـد، ناشـی از در هم گسـیختگی و ضـعف دولت مرکزی این کشور است. برای رفع این مشکل، باید افراط گرایی در پاکستان کنترل شود، وضع مالیات‌ها اصلاح شود، اصلاحات شکل جدی به خود بگیرد، به فسـاد و خویشاونـد سالاـری پایان داده شود و یک سـیاست اقتصادی صـحیح، همراه با کاهش مخارج نظامی به اجرا درآید. در همین حال، پاکستان، هند را رو در روی خود دارد، کشوری که از نظر اقتصادی به خود متکی است و از نظر نظامی و در زمینه‌ی سـلاح‌های متعـارف و هسـته‌ای نیز نسـبت به پاکسـتان برتری دارد. به همین دلیـل، برنامه‌ی سـلاح‌های هسـته‌ای پاکسـتان به روشنی بازتاب رقابت این کشور با هند است.

می‌توان چنین اسـتدلال کرد که این سـلاح‌ها از نظر پاکسـتانی‌ها، بقـای کشور را تضـمین می‌کننـد و در نتیجه به یک تهدیـد واقعی پاسخ می‌دهند. پاکسـتان با توجه به ضـعف‌های استراتژیک خود (از جمله نداشـتن عمق)، به اندازه کافی سـرگرم مقابله با مشکلات داخلی و رویارویی با هند است و دیگر نمی‌تواند دشمنان بیشتری برای خود بتراشد.

بـا توجه به این مطـالب، چه تهدیـد دیگری از طرف شـرق متوجه ایران است؟ یک افغانسـتان بی ثبات، برای ایران خوشاینـد نیست. یک همسایه‌ی متخاصم، به ویژه همسایه‌ای که شـیعیان را تهدیـد می‌کنـد، مایه‌ی سـرزنش دائمی ایران شیعه مـذهب است و ممکن است منجر به زد و خوردهـای مرزی و حوادث مشـابه شود. ایران نشـان داده است که هیـچ گونه تمـایلی به درگیر شـدن در مسـائل سیاسـی افغانسـتان یا توسل به « جنگ تنبیهی » و یا « دادن درس به طالبان » نـدارد. حمایت پاکسـتان از طالبان بر روابط میان ایران و پاکسـتان سـنگینی خواهد کرد؛ اما بعید است منجر به بروز جنگ شود چه رسد به این که نیاز به سـلاح‌های هسـته‌ای باشد. پاکستان اولویت را به مسائل مرزهای شرقی خود داده است و خواهد داد. رقابت استراتژیک این کشور با

[صفحه ۶۲]

ایران در این منطقه بسیار بعید است.

بزرگ‌ترین تهدید برای ایران در این منطقه، فروپاشی نظام سیاسی کشورها و یا دست داشتن آنها در جرایم فراملی، از جمله قاچاق مواد مخدر است. امروزه قاچاق مواد مخدر هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی جدی، برای ایران و همسایگانش به بار می‌آورد. به طور کلی، برای رفع این مسائل سلاح‌های هسته‌ای هیچ کاربردی ندارند، اما از جمله موضوعات امنیتی هستند که باید هر چه زودتر مورد رسیدگی قرار گیرند.

خلیج فارس

در خلیج فارس به جز عراق، ایران با هیچ رقیب یا تهدید منطقه‌ای مواجه نیست. ایران، به عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه خلیج فارس منافعش در گرو حفظ مزایای استراتژیک جمعیت، ساحل طولانی و عمق استراتژیکی آن می‌باشد. با گسترش هر نوع سلاح هسته‌ای در منطقه، بیم آن می‌رود که عامل متوازن کننده‌ای برای جبران مزایای طبیعی ایران، در اختیار کشورهای کوچک‌تر قرار گیرد. اختلاف ایران با همسایگان جنوبی‌اش، در هر حال جزئی است و حول محور احساس ضعف کشورهای کوچک و نیز مسائل ارضی ملموس قرار دارد. با این وجود، اختلافات ایران با ابوظبی بر سر جزایر تنب و ابوموسی، بهبود روابط و ایجاد اعتماد بین ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را دشوار کرده و همچنین اتکای این کشورها را به آمریکا و حضور نظامی وی را در منطقه افزایش داده است.

حضور آمریکا در خلیج فارس گاه به صورت یک تهدید نشان داده می‌شود. ایران آشکارا حضور نظامی آمریکا را وسیله‌ای برای خنثی کردن نفوذی می‌داند که ممکن بود به دلیل نزدیکی‌اش به منطقه، از آن برخوردار باشد. این سیاست، مهار خصمانه تلقی می‌شود. به علاوه، حضور آمریکا هشداری آشکار به ایران است مبتنی بر این که

[صفحه ۶۳]

آمریکا تحت شرایط خاصی تمایل دارد علیه این کشور دست به اقدام نظامی بزند. تحت کدام شرایط ممکن است بین آمریکا و ایران درگیری نظامی پدید آید و تحت چه شرایطی ممکن است دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای ضروری باشد؟

– حمله‌ی آمریکا به تأسیسات زیر بنایی ایران، به منظور تنبیه این کشور به دلیل انجام عملیات تروریستی: احتمال وقوع این امر نسبت به گذشته اکنون کمتر شده است. سلاح‌های هسته‌ای ایران ممکن است مانع از حمله‌ی آمریکا به نظام حکومتی شوند، اما لزوما نمی‌توانند مانع از حمله به تأسیسات شوند.

– حمله‌ی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران: این امر از نظر فنی و سیاسی غیر ممکن به نظر می‌رسد. حتی زمان که قرار بود تهدید علیه ایران به صورت واکنش جزئی و اندک باشد، این راه حل، رد شد. [۴۶] .

– زد و خورد با سلاح‌های متعارف بین ایران و آمریکا، در پرتو توانایی‌های هسته‌ای: احتمال بروز یک جنگ متعارف بین ایران و کشور همسایه‌ای که تحت حمایت آمریکا وجود دارد ولی برخورد سیستم بین ایران و آمریکا دشوار است. آیا آمریکا از پاسخگویی به تجاوز ایران به این دلیل که این کشور دارای سلاح هسته‌ای است اجتناب خواهد کرد؟ آیا ایران در برابر توانایی‌های

کوبنده‌ی متعارف و هسته‌ای آمریکا و تسلط آن کشور، می‌تواند روی سلاح‌های هسته‌ای خود حساب کند؟ سلاح‌های هسته‌ای ممکن است مانع تهدید نسبت به خود ایران شوند، اما آیا در زمینه‌ی ایجاد یک چتر برای اعمال تجاوزکارانه آمریکا با ایران، می‌توانند مفید باشند؟ گسترش بازدارندگی با سلاح‌های هسته‌ای به مناطقی که از اهمیت حیاتی کمتری برخوردارند، کاری دشوار و ذاتا پر مخاطره است.

[صفحه ۶۴]

- استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، برای ارعاب کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و دور کردن آنها از آمریکا: سلاح‌های هسته‌ای ایران پیش از آن که کشورهای کوچک‌تر را تحت تأثیر قرار دهند، آنها را بیشتر متقاعد می‌کنند که زیر چتر آمریکا پناه بگیرند.

سیاست کنونی ایران، مبنی بر عادی سازی روابط با همسایگانش در خلیج فارس از راه افزایش تماس و تدابیر اعتماد سازی، موفقیت‌هایی در برداشته است. این سیاست، مبنای دیپلماسی ایران برای همکاری با شورای همکاری خلیج فارس (GCC) از طریق کاهش - و نه از میان بردن - نگرانی‌های امنیتی آنها می‌باشد. به علاوه، در روندهای سیاسی اخیر، نشانه‌ای در دست نیست که ایران در پی رویارویی با آمریکا باشد یا برعکس.

روسیه

روسیه، در حال حاضر کشوری است که ایران او را دوست خود می‌داند. اگر روابط مسکو با غرب بحرانی شود و روابط ایران با غرب نیز بهبود پیدا نکند، ممکن است زمینه برای روابط گسترده‌تر نظامی بین دو کشور فراهم شود. اختلافات ایران و روسیه در مورد تقسیم دریای خزر باعث تضعیف رویکردهای یکسان دو کشور، نسبت به ترکیه و (ناتو)، طالبان و تاجیکستان نشده است. ایران در مورد رفتار روسیه در چچن از خود خویشتن‌داری نشان داده است و روسیه در مورد نقش خود در عرضه فن آوری هسته‌ای و غیره به ایران، در پی اثبات رفتار قانونی خود برآمده است. ایران که دیگر دارای هیچ گونه مرز زمینی با روسیه نیست، مسأله‌ی ارضی مهمی با این کشور ندارد. مسائل امنیتی تهران در شمال، حول منازعاتی دور می‌زند که ممکن است منجر به ورود سیل پناهندگان (آذربایجان / ارمنستان) شود و یا جنگ‌های داخلی که ممکن است گسترش پیدا کنند (تاجیکستان) و یا امکان

[صفحه ۶۵]

برخورد میان دولت‌ها بر منابع یا زمین (آسیای مرکزی)، وجود داشته باشد.

به طور کلی، سیاست ایران در این منطقه محافظه کارانه است و این کشور از مرزهای کنونی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات حمایت می‌کند. هیچ گونه تهدید مهم امنیتی در چشم انداز آینده در این منطقه برای ایران متصور نیست.

دشوار است اگر نگوییم که به استثنای تهدید عراق، ایران هیچ مشکل امنیتی فوری یا جدی دیگری ندارد. افزون بر این، با توجه به جریانات داخلی در ایران، تمایل این کشور برای این که خطر افزایش نفوذ یا حمایت از عناصر خارجی را بر مبنای ایدئولوژیک بپذیرد، در حال کاهش است. بحث درباره نیاز ایران به سلاح‌های هسته‌ای، به نظر می‌رسد که از مسیر صحیح خارج شده است و این نگرش بازمانده از دورانی است که حکومت ایران خود را در محاصره دشمنان احساس می‌کرد و این تصور را داشت که

همگان این کشور را خطا کار می‌داننـد و درک درستی از آن ندارنـد و ایران، به هیچ نحو قادر به انتقال پیام خود به دیگران نیست. اینک هیچ یک از این شرایط وجود ندارد.

دسترسـی به سلاح‌های متعارف همچنان برای ایران دشوار است. این مشکل را می‌توان با انجام اصلاحات اقتصادی و بهبود روابط با همسایگـان و اروپـا بر طرف کرد. ملاحظـات دفـاعی، چنیـن حکـم می‌کننـد کـه نیروهـای متعـارف، به ویژه از نظر تحرک و انجـام عملیات مشترک، همچنان بهبود یابند. به دلیل مخارج مربوط به اجرای برنامه سلاح‌های هسته‌ای، توانایی‌های مهم برای حفظ امنیت هنوز هم کـافی نیسـتند. در عین حال، برنامه سـلاح‌های هسـته‌ای ممکن است ایران را از توجه به حرفه‌گرایی نظامی - که هنوز فاقد آن است - دور کنـد. این امر همچنین ممکن است مشـکلاتی از نظر کنـترل به وجود آورد و مسـائلی را در رابطه بـا دکترین، مطرح سـازد که ارتش تاکنون نشانه انـدکی از درک آنها به دست آورده است. در پیش گرفتن برنامه سـلاح‌های هسـته‌ای، همراه با ایجاد توانایی متعارف کار آسانی نیست. هر نوع گرایش

[صفحه ۶۶]

برای جـایگزینی نیروی هسـته‌ای به جای نیروهای متعارف بسیار خطرناک خواهـد بود. در این رابطه پرسشـی که مطرح می‌شود این است که توانـایی شامـل چه چیزی است: داشـتن یک، سه یا ده‌ها سـلاح هسـته‌ای؟ چگونه توانایی ملی را می‌توان بـدون یک برنامه گسترده و در چـارچوب پیمـان عـدم گسترش سـلاح‌های هسـته‌ای ایجـاد کرد؟ هزینه‌هـای خروج از این پیمان که ناشـی از واکنش کشورهـای اروپـایی و دیگران است، چه خواهـد بـود؟ همچنین، رهـبران ایران بایـد از خـود بپرسـند که آیـا در صورت دستیـابی به سلاح‌های هسـته‌ای، دیگر کشورها دست به اقدامی مشابه نخواهند زد و « تأثیر خالص » چنین واکنش‌های زنجیره‌ای، بر امنیت ایران چه می‌تواند باشد؟

اسـتدلال‌هایی که ایران برای کسب توانایی سلاح‌های هسته‌ای مطرح می‌کند، به مقابله با تهدید عراق و رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی این کشـور مربوط می‌شود. البته این نگرانی بجـا می‌باشـد. این اسـتدلال‌ها عبارتنـد از: درخواست برای ادامه تلاش‌هـا جهت کنـترل برنامه‌هـای هسـته‌ای عراق، اتخـاذ راهکـاری تسـلیحاتی که در چـارچوب پیمان باشـد، بهره‌گیری از قـدرت‌های بزرگ برای کسـب تضمین‌های امنیتی، و تلاش برای یافتن راه‌هایی به منظور محترم شمردن منافع دولت آینده عراق. [۴۷] .

نتیجه گیری

سلاح‌های هسـته‌ای از نظر نظامی مفید نیسـتند. اثر بازدارندگی این سـلاح‌ها برای مقابله با دیگر سـلاح‌های هسـته‌ای و یا احتمالا در برابر استفاده از زور در سطح

[صفحه ۶۷]

گسترده علیه منافع اساسی کاربرد دارد. این سلاح‌ها انعطاف‌پذیر یا همه منظوره نیستند؛ آنها را نمی‌توان جانشین سلاح‌های متعارف کرد. در برابر تعهدات کوچک، نمی‌توان به این سـلاح‌ها متکی شد. سـلاح‌های هسته‌ای جز بازدارندگی، هیچ فایده نظامی دیگری ندارند. آنها از نظر سیاسـی نیز از مطلوبیت برخوردار نیسـتند. عدم اطمینان نسـبت به واکنش سایر دولت‌ها، به ویژه دولت‌های دارند سلاح‌های هسته‌ای تنها می‌تواند موارد کاربرد احتمالی سلاح‌های هسته‌ای را محدود سازد.

سلاح‌های هسته‌ای به همان اندازه که برای حل مسائل به کار می‌روند، خود مشکل ساز نیز هستند. این سلاح‌ها پر هزینه بوده و باعث می‌شوند توجه به توانایی‌های نظامی سلاح‌های متعارف - که برای تهدیدهایی که ایران احتمالا با آنها رو به رو خواهد شد، مناسب‌تر هستند - کاهش یابد. این سلاح‌ها مسائل پیچیده‌ای در رابطه با دکترین و کنترل به وجود خواهند آورد؛ از جمله مشکلات موجود در زمینه‌ی روابط با دکترین و کنترل به وجود خواهند آورد؛ از جمله مشکلات موجود در زمینه‌ی روابط رهبران نظامی و غیر نظامی - همان طور که مشکلات متضادی که هند و پاکستان با آنها رو به رو هستند - نشان می‌دهد. دولتی که در پی سلاح‌های هسته‌ای است، باید نتایج کلی را در نظر داشته باشد، یعنی به واکنش نظامی دیگر کشورهای منطقه و پاسخ سیاسی قدرت‌های بزرگ توجه کند. خروج از پیمان NPT - که تاکنون سابقه نداشته است - دارای زیان‌های فراوان و منافع اندکی است. ایران در نبود تهدیدی عمده از جانب همسایه‌ای هسته‌ای، باید مراقب باشد که راهکاری برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود اتخاذ کند که چندان پیشرفته نباشد. این اشتباه است، اگر رهبران ایران تصور کنند که سلاح‌های هسته‌ای منزلت یا مشروعیتی به آنان خواهد بخشید تا به کمک آن بتوانند از انجام اصلاحات داخلی عمده که برای بازگرداندن کشور به مسیری صحیح ضروری است، اجتناب کنند.

[صفحه ۶۹]

داشتن یا نداشتن بحث‌های داخلی در ایران پیرامون اتخاذ راهکار هسته‌ای

اشاره

فریده فرهی [۴۸] .

زمینه

در آوریل ۱۹۹۸، روزنامه « جامعه » مقاله‌ای درباره سخن رانی فرمانده‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی(IRGC)، [سرلشکر] رحیم صفوی، که در پشت درهای بسته و برای گروهی از افسران سپاه در شهر قم ایراد کرده بود، منتشر کرد. این سخنرانی از جهات گوناگون شگفت انگیز بود. از همه مهم‌تر این که توجه مردم را در هفته‌های بعد به تهدیدی جلب کرد که متوجه مطبوعات نوپا در ایران است. اما

[صفحه ۷۰]

نکته‌ی دیگری که در این سخنرانی نهفته بود، به شیوه‌ی سیاست‌گذاری خارجی دولت آقای خاتمی مربوط می‌شد. در این نشست، سرلشکر صفوی از مخاطبان خود می‌پرسد:

« آیا ما می‌توانیم با در پیش گرفتن سیاست تشنج‌زدایی در برابر تهدیدات آمریکا و نگر سلطه‌جویانه این کشور مقاومت کنیم؟ آیا ما می‌توانیم با گفت و گوی تمدن‌ها، خطرات ناشی از آمریکا را دفع نماییم؟ « آیا ما قادر خواهیم بود از جمهوری اسلامی با امضای قراردادهای منع گسترش سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای در برابر صهیونیسم بین الملل حفاظت کنیم؟ » [۴۹] .

واکنش‌های گوناگونی نسبت به این اظهار نظرهای خاص وجود دارد که بازتاب نگرانی‌های مختلف می‌باشد. از نظر بسیاری، در مطبوعات مستقل نو پا – که به دلیل تهدیداتی که این سخنرانی متوجه این مطبوعات می‌کرد، به این سخنان علاقه‌مندی نشان می‌دادند – بیانات سرلشکر صفوی، نشانه‌ی ناخشنودی وی از شیوه سیاست خارجی دولت آقای خاتمی بود.

با نگاهی به گذشته، روشن است که چنین اظهار نظرهایی (سخنان سرلشکر صفوی) را می‌توان به صورت‌های مختلف و اغلب متناقض – بنابر دیدگاه به دست آمده – تفسیر کرد.

البته، بحث درباره‌ی موضع رسمی دولت، اهداف و رفتار پنهانی آن، می‌تواند همیشه ادامه داشته باشد. هدف این مقاله این نیست که تفاوت‌های احتمالی میان مباحث عمومی و فرایندهای تصمیم گیری پشت صحنه را روشن سازد. با این حال، از دیدگاه این مقاله، یک بحث عمومی محدود و در حال گسترش درباره راهکارهای هسته‌ای ایران در حال شکل‌گیری است و درک چارچوب این بحث می‌تواند سرنخ‌هایی درباره نوع استدلال‌هایی که تصمیم‌گیرندگان ایرانی با آنها سر و کار

[صفحه ۷۱]

دارند، به دست دهد. در حالی که این بحث پیرامون یکی از موضوعات قبل تابو، جریان دارد ممکن است تحرکاتی را که در پشت سر فرایندهای تصمیم‌گیری در ایران قرار دارد، روشن نسازد، ولی به مجموعه‌ی گسترده‌تری از ایده‌ها و دیدگاه‌ها اشاره دارد که هواداران و مخالفان راهکار هسته‌ای در داخل و خارج از حکومت برای اثبات ادعاهای خود مورد استفاده قرار می‌دادند. بدین ترتیب، این بحث در حال گسترش، برای درک افکار و ایده‌ها و نیز راهکارهای موجود برای رهبران کنونی و آتی ایران از اهمیت برخوردار است.

دینامیک‌های بحث

در حالی که بحث‌های بسیار مناقشه آمیز و بسیار گسترده در سطح عمومی درباره‌ی ماهیت سیاست و قواعد بازی سیاسی در ایران وجود دارد، تعجب آور نیست که بحث درباره مسائل هسته‌ای هنوز نسبتا محدود است. به گونه‌ای که حتی صفوی، فرمانده سپاه نیز نتوانست با ارائه نظرات خود بحثی آزاد و گسترده را درباره نقش سلاح‌های هسته‌ای در تضمین امنیت ایران به راه اندازد. در این حال، مطبوعات نیز اغلب همچنان به بیان موضع رسمی ضد هسته‌ای دولت ایران و ارائه تفاسیر مثبت از آن و نیز تأیید تعهدات رسمی این کشور در پایبند ماندن به قراردادها و معاهدات بین المللی ادامه می‌دهند. در مطبوعات بارها آمده است: ایران دارای بهترین سابقه در زمینه‌ی کنترل تسلیحات و هنجارسازی در خاور میانه است، ایران از امضا کنندگان پیمان عدم گسترش سلاح هسته‌ای (NPT) و معاهده سلاح‌های بیولوژیکی (BWC) به شمار می‌رود. این کشور به طور یک جانبه، پیمان سلاح‌های شیمیایی (CWC) را امضا و تصویب کرده است، در مذاکرات مربوط به پیمان جامع منع آزمایشات هسته‌ای (CTBT) مشارکت کرده [۵۰] و به طور یک جانبه، برنامه

[صفحه ۷۲]

موشک‌های بالستیکی خود را محدود ساخته است؛ در برنامه‌ی سازمان ملل برای ثبت تسلیحات شرکت کرده و در زمینه اتخاذ تدابیر اعتماد سازی منطقه‌ای به ابتکاراتی دست زده است. افزون بر این، مطبوعات ایران همچنان از موشکافی و مداخله‌ی بیگانگان

در آنچه که برنامه انرژی هسته‌ای صلح جویانه ایران انگاشته می‌شود، انتقاد می کنند. [۵۱] .
بدین ترتیب بحث درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران از این سطح بالاتر نرفت تا این که حادثه‌ای، درست در ۳۰ کیلومتری مرزهای شرقی ایران رخ داد. [۵۲] در واقع، آزمایش هسته‌ای پاکستان در بلوچستان، حتی باعث شد که یک نماینده مجلس و

[صفحه ۷۳]

چندین خطیب نماز جمعه آشکارا خواستار تولید سلاح‌های هسته‌ای شدند. این امر باعث شد که گل آقا هفته‌نامه معروف ایران کاریکاتوری را به چاپ برساند که در آن یک دهقان سعی می کرد قاطر هسته‌ای را با هل دادن به حرکت درآورد. [۵۳] تا جایی که به نماینده مجلس مربوط می‌شد، مسأله ساده بود و ایران نمی‌توانست از پاکستان عقب بماند. از سوی دیگر، گل آقا در کاریکاتور خود این پرسش را مطرح می کرد که آیا نماینده مجلس فکر می کند که بمب‌های هسته‌ای را نیز می‌توان مانند قاطر تنها با شلاق زدن به جلو راند؟
در ایران دیدگاه‌ها نسبت به سلاح‌های هسته‌ای، مانند مثال فوق روشن و آشکار نیستند و هنوز بحثی آزاد، گسترده و منسجم درباره‌ی راهکارهای سیاست هسته‌ای ایران صورت نگرفته است. دلیل این امر را باید در وضعیت حاد سیاست داخلی ایران ونیز در اعتقاد راسخ مقامات ایرانی، به عدم وجود برنامه هسته‌ای جست و جو کرد. بیشتر اصلاح طلبان و روزنامه نگاران را که باید برنامه هسته‌ای ایران را - در صورتی که واقعیت داشته باشد - افشاء سازند، معتقدند که ایران چنین برنامه‌ای را در دستور کار خود ندارد. به گفته‌ی حمید رضا جلایی پور یکی از اصلاح‌طلبان و روزنامه‌نگاران برجسته: « تنها چیز هسته‌ای در ایران، جامعه مدنی و توسعه سیاسی است » . [۵۴] .
با این حال، نشانه‌هایی در دست است مبنی بر این که در قلمرو عمومی به این مسأله به صورت جدی توجیه می‌شود. چنانچه خواهیم دید، بحث مختصری که در ایران درباره‌ی سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد - اگر واقعا چنین برنامه‌هایی وجود داشته باشد - راهکارهای سیاسی است نه برنامه‌های موجود.
آزمایش اتمی جنوب آسیا، بحث‌هایی را در ایران برانگیخت مبنی بر این که

[صفحه ۷۴]

آیا جمهوری اسلامی از مسابقه‌ی تسلیحاتی منطقه‌ای بسیار عقب افتاده است؟ بسیاری از ایرانی‌ها، تا حدودی به این دلیل که خواهان اعاده‌ی نقش تاریخی کشور خود به عنوان رهبر هستند، به طور علنی و غیر علنی، قرار گرفتن ایران را در سطحی پایین‌تر از کشورهای همسایه که به تازگی هسته‌ای شده‌اند، به سختی می‌پذیرند. بدین ترتیب، مباحث عمومی درباره پیامدهای آزمایش‌های هسته‌ای در پاکستان و هند برای ایران و همچنین در مورد راهکارهای سیاسی که ایران باید اتخاذ کند، آغاز شد. در این راستا، ماهنامه پیام امروز - که به دلیل موضع گیری‌های مستقل و نظرات صریح خود درباره سیاست خارجی ایران مورد احترام است - معضل ایران را با عبارت زیر بیان کرد:
« مهم‌ترین مسأله، ارزیابی تأثیر این رویداد بر ایران و نیز واکنش کشور ما نسبت به این تحول در منطقه است. در یک سو، ما دارای مرز مشترک با روسیه و پاکستان هستیم که هر دو دارای توانایی هسته‌ای بالفعل هستند، از سوی دیگر عراق وجود دارد که بنا به گفته‌ی کارشناسان، دارای توانایی هسته‌ای بالقوه می‌باشد و هر گاه فرصت کند، تلاش‌های لازم را برای نیل به آن تعقیب خواهد

کرد. اندکی دورتر، دو کشور اسراییل و هند قرار دارند که هر دو مجهز به سلاح‌های هسته‌ای هستند....

این تصویر، بازتاب موقعیت منطقه‌ای خطرناکی است که کشور ما در آن قرار دارد و بیش از هر زمان دیگری به ما یادآوری می‌کند که باید در مورد منافع ملی خود به تفکر بپردازیم. » [۵۵] .

منافع ملی، در واقع موضوع اصلی مباحث عمومی سلاح‌های هسته‌ای هستند. با این حال، با توجه به این واقعیت که ایران از زمان قبل از انقلاب عضو NPT بوده است و تصمیم به پای‌بندی به سایر معاهدات مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی در

[صفحه ۷۵]

دوران پس از انقلاب اتخاذ شده است. لذا، موضوع مباحث عمومی سلاح‌های هسته‌ای، نمی‌تواند تنها درباره راهکارها و پیامدهای این سلاح‌ها برای منافع ملی ایران باشد، بلکه جنبه‌ی دیگر بحث، تعهدات بین المللی ایران است و این که با توجه به تصمیمات قبلی این کشور مبنی بر پشتیبانی از معاهدات، تصمیم به هسته‌ای شدن برای ایران چه اثراتی در بر خواهد داشت؟

سرانجام این که، بحث درباره تعهدات بین المللی ایران باعث شده است هر دو طیف سیاسی کشور انتقادات مهمی را در مورد نحوه اداره سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر مطرح کنند. در مقاله‌ی حاضر، چنین استدلال خواهد کرد که بحث درباره هدایت سیاست خارجی شاید مهم‌ترین میراث بحث کنونی درباره سلاح‌های هسته‌ای باشد.

داشتن یا نداشتن

جالب است بدانید که، مخالفان سلاح‌های هسته‌ای در ایران، فضای بیشتری را در عرصه عمومی به موضع خود اختصاص داده‌اند. به عقیده بسیاری از ناظران خارجی، با توجه به این که ایران در میان دولت‌های دارای قدرت هسته‌ای محاصره شده است. لذا، چاره‌ای ندارد جز این که راهکار هسته‌ای را تعقیب کند و همان نظریه‌ی « انهدام متقابل قطعی » را که صلح هسته‌ای را بین آمریکا و شوروی و اینک با روسیه تضمین کرده است، به کار گیرد. [۵۶] اما در داخل ایران استدلال‌های

[صفحه ۷۶]

ضد هسته‌ای در قلمرو عمومی و همچنین موضع رسمی دولت در مورد نیاز به ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تقویت شده است. با این حال، با توجه به آزمایش‌های اتمی در جنوب آسیا، به نظر می‌رسد که طرف‌داران سلاح‌های هسته‌ای نیز از سکوت خود دست برداشته و خواهان مطرح کردن موضع خود در عرصه عمومی شده‌اند؛ وضعیتی که پیش از این کمتر مصداق داشت. این امر به نوبه خود نیاز به اظهار نظر مخالفان سلاح‌های هسته‌ای را، برای روشن ساختن و تأمل بیشتر درباره مواضع‌شان ایجاد کرده و بحث بیشتری را برانگیخته است. از آنجا که به نظر می‌رسد استدلال مخالفان سلاح‌های هسته‌ای در ایران مفصل‌تر باشد، من کار خود را با این استدلال‌ها شروع کرده و سپس استدلال‌های مخالف را نیز مطرح خواهم کرد.

استدلال گروه‌های ضد هسته‌ای

استدلال علیه برنامه سلاح‌های هسته‌ای دارای چند بعد است: جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی.

استدلال سیاسی

بخشـی از این اسـتدلال را، می‌توان واکنشـی مصـلحت جویـانه مبتنی بر عنصـر بین‌المللی ایران دانست. این اسـتدلال چیزی شبیه این است: در موقعیتی که جهان خارج، به طور دقیق حرکات ایران را زیر نظر دارد و حرکات اشتباه آن را مورد انتقاد

[صفحه ۷۷]

قرار می‌دهـد، تعقیب استراتژی سـلاح‌های هسـته‌ای که بایـد حـالت مخفی و سـری داشـته باشـد، بسـیار خطرنـاک است. بی گمـان، کشورهـایی هسـتند که چنین کـاری کرده و توانسـته‌اند قصـر در برونـد! امـا این کشورها در شـرایطی دست به این عمل زده‌انـد که رضایت مؤثر یک ابر قـدرت یا رقابت ابر قـدرتها مطرح بوده است. بافت پر هرج و مرج سـیاست جهانی معاصـر، ممکن است راه را برای انتقال فن آوری و دانش هسـته‌ای به برخی کشورها همراه کرده باشد. ولی این امر، نتوانسـته حمایت سیاسی ضمنی، اما محکم یا بستر مناسب و ضروری را برای انجام آن ایجاد کند. [۵۷] .
در واقع، این نوع نگرانی‌های سیاسـی بود که باعث شد سـخنان ناپخته‌ی کمال خرازی، وزیر خارجه‌ی ایران مبنی بر پیامدهای مثبت آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان برای کشورهای اسلامی، مورد انتقاد قرار گیرد. [۵۸] .

[صفحه ۷۸]

به گفته داوود هرمیداس باوند، دیپلمات سابق و استاد فعلی روابط بین الملل در دانشگاه امام صادق (ع):
« ایران متهم به این شده است که قصد اسـتقرار سـلاح‌های هسته‌ای و احتمالا استفاده از آنها علیه کشورهای منطقه را دارد. در چنین شرایطی، ابراز این نظر از زبان برخی مقامات ایرانی مبنی بر این که موفقیت پاکستان می‌تواند تضمینی علیه اسراییل به شمار آید، بی آنکه خود پاکستان چنین ادعایی داشته باشد، ناخواسته تبلیغات را علیه ایران تشدید می‌کند. این در حالی است که ما کنترل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و نیز نظارت روسـیه، شـریک هسـته‌ایمان را بر اسـتفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای پذیرفته‌ایم و در واقع فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستیم. در این شرایط، چرا باید دیگران این سلاح‌ها را مستقر سازند و تبلیغات علیه ما صورت گیرد. البته، برخی افراد از دیـدگاه عقیـدتی به مسأله می‌نگرنـد و خاطر نشان می‌سازنـد که تقویت موضع هر یک از کشورهای اسـلامی در روابط بین الملل... چیزی است که باید از آن اسـتقبال کرد. اما باید در نظر داشت که این دیدگاه عقیدتی امنیت ما را تضمین نمی‌کند. ما نباید فراموش کنیم که کلیه‌ی هزینه‌هـای فیزیکی و مـادی که در جریـان جنگ متحمل شـدیم، ناشـی از کشوری بود که ادعای مسـلمانی داشت و بسـیاری از کشورهـایی که در این جنـگ از طریق ارائه‌ی انواع و اقسـام کمک‌هـا به عراق نقش درست ایفا می‌کردنـد نیز، چنین ادعایی داشتند. » [۵۹] .

[صفحه ۷۹]

ورای دعوت به مصـلحت گرایی در جامعه بین المللی که گمان می‌رود با برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران مخالف باشد، پرسش‌هایی نیز دربـاره فوایـد استراتژیک سـلاح‌های هسـته‌ای، در افزایش امنیت ایران مطرح شـده است؛ آن گونه در این مقاله ضـد سـلاح‌های هسته‌ای که در یکی از روزنامه‌های محافظه کار چاپ شده، آمده است:

« سؤال این است که به منظور اعلان جنگ به کدام کشور یا کشورها، ایران نیاز به سلاح‌های هسته‌ای دارد؟ آیا استقرار سلاح‌های هسته‌ای – در صورت امکان و از نوع ضعیف، مانند سلاحی که پاکستان در اختیار دارد – در برابر کشورهای بزرگی مانند آمریکا برای ما امنیت به وجود می‌آورد یا عدم امنیت؟ مطمئنا پاسخ عدم امنیت است. چون این سلاح‌ها حتی نمی‌توانند نقشی بازدارند و امنیتی علیه آمریکا ایفا کنند. از سوی دیگر، ایران با کشورهای کوچک منطقه از در دوستی درآمده است و دست کم در حال حاضر، مشکل اساسی با آنها ندارد. حتی اگر این طور نیز نبود، ایران برای بازدارندگی و ایجاد موازنه در برابر کشورهایی همچون امارات و عراق، به چنین سلاح‌هایی نیاز نداشت. استقرار این سلاح‌ها، نه تنها هیچ یک از مشکلات ایران را حل نخواهد کرد، بلکه بر مشکلات ما خواهد افزود. » [۶۰] .

استدلال اقتصادی

بار دیگر این استدلال به دلیل تنگناهایی که ایران در رابطه با دیگر کشورها دارد و نیز تمایل این کشور به بهبود اقتصاد با بهره گیری از کمک‌های خارجی شکل

[صفحه ۸۰]

می گیرد. [۶۱] استدلال می‌شود که اگر ایران قرار است با کمک فن‌آوری خارجی به جداسازی یا غنی سازی اورانیوم پرداخته و به ساخت سلاح‌های هسته‌ای اقدام کند؛ این کار به روشنی نیازمند زیر بنای علمی و فنی گسترده و در عین حال پنهانی و با بهره گیری از سرمایه گذاری‌های عظیم مادی است. در نتیجه، انجام این کار در حالی که برای بازسازی اقتصادی جنگ زده کشور تلاش می‌شود، بی شک مخرب خواهد بود. صنایع دفاعی هسته‌ای زیرزمینی تنها می‌تواند منابع مادی را جذب کند بدون آن که اثرات چندان مثبتی داشته باشند، برای مثال از نرخ بیکاری بکاهند. راهکار خرید فناوری پیچیده‌تر نیز از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست چرا که بر تمایل و نیاز ایران به جذب سرمایه خارجی تأثیر می گذارد. به علاوه، واقعیت دیگر آن است که سخنراندن درباره‌ی خرید فن‌آوری هسته‌ای آسان‌تر است تا عمل کردن به آن. برای مثال، پاکستان دلایل زیادی دارد که تکنولوژی خود را در اختیار ایران قرار ندهد. این کشور، به عنوان یک قدرت هسته‌ای به طور رسمی اعلام نشده بین دو منطقه بسیار بی ثبات جهان واقع شده است و نمی‌خواهد رفتار غیر مسئولانه‌ای داشته باشد و در نتیجه، خطر احتمال وضع تحریم‌های بیشتر علیه خود را بپذیرد. منافع اقتصادی قزاقستان – کشوری که نامش در رابطه با خرید سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و یا قطعات این سلاح‌ها بر سر زبانهاست – نیز آن قدر زیاد است (از نظر نیاز به سرمایه خارجی) که خطر وارد شدن در این حوزه را نمی‌تواند به جان بخرد.

[صفحه ۸۱]

استدلال تکنولوژیکی

این استدلال، بیان پیچیده‌تری است از انتقاد در مجله‌ی فکاهی گل آقا، که به صورت دهقانی به تصویر کشیده شده بود که سوار بر قاطر هسته‌ای بود. به زبان ساده، از نظر بسیاری از منتقدان راهکار هسته‌ای، میزان توانایی‌های علمی و فن‌آوری ایران به خودی خود، عاملی بازدارنده برای تعقیب چنین راهکاری است. رضا منصوری، فیزیکدان، که در مجله پیام امروز قلم می‌زد، پیچیده‌ترین

استدلال تکنولوژیکی را علیه ساخت سلاح‌های هسته‌ای در ایران تشریح می‌کند. او استدلال خود را با تحلیل رویدادهایی شروع می‌کند که منجر به گزارش‌هایی مبنی بر وجود پلوتونیوم و اورانیوم غنی شده در هواپیمای ال - آل شد (که در نزدیکی بایلمر (Bijlmer) هلند، در اکتبر ۱۹۹۲ سقوط کرد). او اذعان می‌کند که نه تنها مهارت هسته‌ای، بلکه حمایت بین المللی در اجرای برنامه‌های تولید سلاح‌های هسته‌ای اسراییل، مؤثر بوده‌اند. بدین ترتیب، او تمایزی بین کشورهایی مانند اسراییل و هند با پاکستان قائل می‌شود. به عقیده او کشورهایی مانند اسراییل و هند توانسته‌اند برنامه سلاح‌های هسته‌ای تجدید پذیر داشته باشند و از حمله‌ی مستقیم به تأسیسات کلیدی هسته‌ای و زیر ساختی خود جان به در ببرند، ولی برنامه‌های کشورهایی مانند پاکستان واکنشی بوده و آنها برنامه‌های خود را با صرف هزینه‌های فراوان سیاسی و اقتصادی پیش برده‌اند. منصوری چنین استدلال می‌کند که هند و اسراییل نه تنها برنامه‌ریزی بلند مدت برای توسعه تکنولوژی هسته‌ای داشته‌اند، بلکه از همه مهم‌تر، برای ایجاد مبنای علمی و تکنولوژیکی‌ای که بتواند پشتوانه‌ی این برنامه باشد زحمات زیادی را متحمل شده‌اند. [۶۲] از سوی دیگر، پاکستان در استفاده از

[صفحه ۸۲]

توانایی هسته‌ای خود در حالی که به شدت متکی به حمایت مالی کشورهای اسلامی است، به نظر نمی‌رسد به « بلوغ کافی » در زمینه علمی، اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیکی دست یافته باشد.

منصوری در ارزیابی مهارت علمی و تکنولوژیکی ایران، داوری سخت‌تری کرده و چنین استدلال می‌کند:

« جامعه علمی ما علاوه بر این که از نظر کمی ضعیف است، توده‌ی ناهماهنگی است که فاقد هر گونه برنامه‌ای می‌باشد. برنامه‌ریزان سیاست علمی ما و نیز مقاومت سیاسی ما تاکنون قادر به ارائه‌ی چارچوبی برای ایفای نقش مؤثر این جامعه نبوده‌اند. همچنین جامعه نیز سؤالی برای محققان مطرح نکرده است که آنان در پی پاسخ بدان برآیند. این مجموعه علمی نیز نقش دیگری جز آموزش برای آموزش به صورت بی هدف، برای خود قائل نبوده است. شاید تنها می‌توان گفت که هدف سیاست‌گذاران گسترش کمی آموزش بوده است. چنین هدفی، حتی اگر بر مبنای برنامه ریزی و تعقل انتخاب شده باشد، تنها می‌تواند بخشی از کارشناسان ما را در بر گیرد. توانایی حل مسائل که ظرفیت اصلی کارشناسان در جهان مدرن را تشکیل می‌دهد هنوز در میان مقامات سیاسی ما ناشناخته است؛ بدین ترتیب بلا استفاده باقی مانده است.... در چنین موقعیتی، صحبت درباره‌ی توانایی هسته‌ای ایران آن گونه که یکی از روزنامه‌ها مطرح کرده است، سخنی خام و ابتدایی است. حتی اگر

[صفحه ۸۳]

ما در پی توانایی هسته‌ای باشیم، نباید پاکستان را الگو قرار دهیم. خوشبختانه، به نظر نمی‌رسد که سیاست مداران ما، توجه زیادی به حرف‌های کسانی نشان دهند که راه حل « خرید » بمب هسته‌ای را ارائه می‌کنند. مسیر ما برای حفظ استقلال و امنیت، عبارت است از افزایش توانایی‌های علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی و سیاسی. افزایش این توانایی‌ها همراه با زیر ساخت‌های لازم، احترام دیگر کشورها را بر انگیخته و از فکر حمله به ما جلوگیری خواهد کرد. این باید هدف مقدس ما باشد و نه استقرار بمب » .

خلاصه این که، موقعیتی که منصوری در رابطه با وضعیت جامعه علمی ایران توصیف می‌کند، بسیار به وضعیتی شباهت دارد که شهرام چوبین در تحلیل فرایند تهیه تسلیحات در ایران به تصویر می‌کشد به واسطه تصمیم گیری‌های موردی و وجود تصمیم گیرندگان دم دمی مزاج، از انسجام و یک پارچگی برخوردار نیست. [۶۳] .

در چنین وضعیتی، هر نوع برنامه سلاح‌های هسته‌ای، اعم از زیر زمینی و غیره نه سودمند است و نه امکان پذیر است. به گفته منصوری، امنیت ملی را باید به صورتی کلی‌تر از معنای داشتن سلاح‌های مناسب برای مقابله با حملات احتمالی، تعریف کرد.

استدلال‌های طرفداران سلاح‌های هسته‌ای

استدلال حفظ راهکار هسته‌ای، به شدت مبنی بر سیاست عمل در محیطی

[صفحه ۸۴]

خطرناک است. در واقع، به ندرت استدلالی ارائه شده است که پاسخی به استدلال‌های تکنولوژیکی و اقتصادی مخالفان تولید سلاح‌های هسته‌ای باشد. هواداران این سلاح‌ها، با ارائه‌ی آنچه که به عنوان درک واقع‌گرایانه از سیاست بین المللی بیان شده بر دو جنبه مهم مسأله تأکید می‌کنند:

- کارکرد خاص سلاح‌های هسته‌ای؛

- درک جایگاه و موقعیت ایران در سیستم‌های بین المللی و منطقه‌ای.

در رابطه با کارکرد ویژه سلاح‌های هسته‌ای، هواداران این سلاح‌ها چنین استدلال می‌کنند که کارکرد سلاح‌های هسته‌ای، لزوما اعلان جنگ علیه یک کشور خاص نیست. از این رو، در توجیه اجرای برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای، نیازی به مشخص کردن یک کشور به عنوان دشمن وجود ندارد. در واقع، کارکرد این نوع سلاح را باید در جایی دیگر جست و جو کرد، یعنی به عنوان عواملی بازدارنده و متوازن کننده.

اگر ما به تاریخ بازدارندگی هسته‌ای در جریان جنگ سرد و سلطه‌ی نظام دو قطبی توجه کنیم، می‌بینیم که استقرار سلاح‌های هسته‌ای لزوما برای حمله به دشمنان نیست، بلکه با توجه به قابل باور بودن این سلاح‌ها در سطح جهانی، اهمیت این نوع سلاح‌ها در نقش پشتیبانی کننده‌ای است که آنها در چانه‌زنی مذاکرات بین المللی و پیشبرد منافع ملی کشور، از آن برخوردارند. [۶۴] .

بنابراین، بازدارندگی و تقویت موضوع چانه‌زنی ایران دو روی سکه را تشکیل می‌دهند. این موضع با تهدید خارجی مبنی بر حمله به سایت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای غیر نظامی ایران تقویت می‌شود. لذا، هواداران سلاح‌های هسته‌ای معتقدند با توجه به این موضوع تأکید بیشتر بر بازدارندگی در دکترین نظامی ایران بیش از

[صفحه ۸۵]

پیش، توجیه پذیر است. [۶۵] .

در ارتباط با جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، هواداران سلاح‌های هسته‌ای استدلال می‌کنند که برنامه سلاح‌های هسته‌ای مانند آنچه که پاکستان در دستور کار خود دارد، تنها باعث بروز عدم امنیت در روابط ایران با ایالات متحده نمی‌شود، تا آنجا که به آمریکایی‌ها مربوط می‌شود، آنها هم اکنون نیز ایران را دشمن خود می‌دانند و روابط ایران و آمریکا مانند دیگر روابط بین المللی همواره در وضعیت رقابت، درگیری یا حتی گاهی همکاری - با توجه به شرایط - قرار دارد. علاوه بر این، روابط با آمریکا تنها بخشی از روابط خارجی ایران را تشکیل می‌دهد.

بی گمان بخشی از تهدیدات، علیه ایران مربوط به آمریکاست. اما اگر ما به طور واقع بینانه به وضعیت سیاسی اطرافمان نگاه

بیفکنیم... به این واقعیت پی خواهیم برد که ما در منطقه‌ای به نام خاورمیانه واقع شده‌ایم که در آن اسراییل، دشمن شماره یک ایران، دارای ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای است. عراق نیز با آن که با تدابیر سازمان ملل خلع سلاح شده است، ولی هنوز دارای توانایی هسته‌ای بالقوه است. پاکستان، قزاقستان و روسیه هم گرچه روابط دوستانه و گرمی با ایران دارند... ولی همواره براساس ماهیت روابط بین الملل دارای تضاد منافع با ما خواهند بود. بنابراین، اگر ما فرض کنیم که درگیری بین پاکستان – دوست ما در منطقه – و جمهوری اسلامی ایران بروز کند، کدامیک در مذاکرات توانایی چانه‌زنی بیشتری خواهند داشت؟ پاسخ به

[صفحه ۸۶]

این سؤال روشن است و نیاز به شرح و تفصیل ندارد. [۶۶] .
به عبارت دیگر، ایران به عنوان فضای مانور در منطقه قرار دارد و در این عرصه است که ایران باید نقش مهم‌تری را ایفا کند، نقشی که با استقرار سلاح‌های هسته‌ای امکان پذیر خواهد شد. هر گونه تردیدی که در این زمینه وجود داشته باشد به دلیل شرایط کنونی غالب بر روابط بین الملل که همچنین سلاح‌های هسته‌ای را در نظر هواداران آن به یک ضرورت برای ایران تبدیل می کند، از میان برده می‌شود. به گفته آنها این شرایط برنامه‌های منطقه‌ای را در بهترین برنامه‌ها برای امنیت منطقه‌ای تبدیل می کند. اما، تنها کشورهایی که دارای توانایی‌های پیشرفته اقتصادی، سیاسی و نظامی هستند می‌توانند خود را به عنوان بازیگری فعال و مهم در این عرصه نشان دهند. بدین ترتیب، ایران به منظور ایفای نقشی مهم در منطقه، چاره‌ی دیگری جز ادامه برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای ندارد؛ به ویژه این که در خاورمیانه ماهیت قدرت، همچنان بر مبنای سیاسی و نظامی استوار است. [۶۷] .

[صفحه ۸۷]

استقرار سلاح‌های هسته‌ای، به ایران نوعی « تحرک اجتماعی » خواهد بخشید و جایگاه و نیز امنیت بیشتری را نصیب این کشور خواهد ساخت. [۶۸] .

بحث پیرامون تعهدات بین المللی موجود ایران

سخن از مزایا و معایب سلاح‌های هسته‌ای در مباحث مربوط به راهکارها، به صورت بسیار کلی بیان شده است. با این حال، یک جنبه از این بحث بر شرایط دشوار کنونی ایران بیش‌تر تأکید دارد. محور این جنبه از بحث، درباره‌ی رها کردن یا نکردن راهکار سلاح‌های کشتار جمعی نیست، بلکه در مورد پیامدهای تعهدات بین المللی ایران برای منافع ملی آن کشور است. موضوع این بحث درباره‌ی پیوستن یا عدم پیوستن به NPT و دیگر معاهدات WMD (که رهبری کنونی آنها را پذیرفته است) و همچنین بحث در این مورد که این امر در راستای منافع ملی ایران است یا خیر، متمرکز می‌باشد. در پاسخ به این پرسش، دو موضع متضاد ارائه شده است: از یک سو، برخی چنین استدلال کرده‌اند که تصمیم کنونی رهبری ایران برای این که به طور سمی از راهکار تولید WMD چشم پوشی کند، یکی از بزرگ‌ترین اشتباهاتی است که در تاریخ دیپلماتیک جمهوری اسلامی صورت گرفته است. آنها معتقدند

[صفحه ۸۸]

که تصمیم به پیوستن به معاهدات WMD، نتیجه‌ی سیاست خارجی آرمان گرایانه‌ای است که در وزارت خارجه تدوین شده است. امضا کنندگان این معاهدات از نظر درک نظریه‌های واقع گرایانه در روابط بین الملل، دچار نقص شده‌اند و در نتیجه نسبت به نظریه‌های بازدارندگی و نیز شیوه‌های چانه‌زنی در مذاکرات بین المللی نا آگاه هستند. بدین ترتیب، آنها خود را متعهد به پیمان کرده‌اند که هیچ چیز از آن عاید آنها نمی‌شود و در نتیجه قدرت چانه‌زنی ایران و نیز نقش آن در معادلات بین المللی و منطقه‌ای کاهش می‌یابد. از دیدگاه این نظریه پردازان واقع گرا، در جهان پر هرج و مرج معاصر، با توجه به موقعیت استراتژیک و حساس ایران، کشور ما نباید به این پیمان تبعیض آمیز [CTBT] اعتماد کرده و خود را تسلیم آن سازد. به این دلیل، ایران دست به مخاطره بزرگی زده است که کمترین هزینه‌ی آن [در حال حاضر] از دست دادن قدرت چانه زنی در مذاکرات بین المللی و منطقه‌ای است. در نهایت ما نیز مانند کره شمالی می‌توانستیم در ازای این پیمان تبعیض آمیز به یک رشته امتیازات دست یابیم و این فرصت را به رایگان از دست ندهیم. [۶۹] .

جالب این است که کسانی که از دیدگاه واقع گرایانه خود صحبت می‌کنند و متعلق به هر دو طیف سیاسی هستند، خود به درستی نمی‌دانند که مذاکره کنندگان ایرانی چگونه می‌توانستند در چارچوب سیاست خارجی وسیع‌تر ایران – که امکان مذاکره با طرف اصلی مذاکرات درباره سلاح‌های هسته‌ای (ایالات متحده) را نمی‌دهد – بهتر چانه زنی کنند؟ [۷۰] با این حال یادآوری تجربه‌ی توفیق ظاهری کره شمالی در

[صفحه ۸۹]

خودداری از تقبیح استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و عین حال عقد موافقت‌نامه بین این کشور و ایالات متحده و وعده‌ی کمک ۴ میلیارد دلاری این کشور در زمینه‌ی انرژی، برای ایرانیان جالب توجه است.

در مقابل این دیدگاه، کسانی هستند که مورد انتقاد واقع شده‌اند، آنها بر چسب آرمان گرایی خود را رد می‌کنند و استدلال‌های خود را براساس مصلحت‌گرایی استوار می‌سازند. به عقیده آنها ایران در پیوستن به انواع معاهدات WMD چاره دیگری نداشته است و از همه این‌ها گذشته، هر یک از تصمیمات سیاسی خارجی باید در چارچوب خاص خود مورد ارزیابی قرار گیرد. آنان استدلال می‌کنند که موضع ایران بسیار متفاوت از هند یا پاکستان است. ایران کشوری است که شعارهای انقلابی آن برای صدور انقلاب تهدیدی نسبت به منطقه و نیز جهان تلقی می‌شود و نتیجه این شعارها، تحمیل انواع فشارهای بی سابقه اقتصادی، سیاسی، نظامی (جنگ) و حتی فرهنگی بوده است. لذا در این شرایط:

شاید تنها اتهامی که ایران – به عنوان کشوری که متهم به همه چیز از تروریسم تا نقض حقوق بشر و کارشکنی در فرایند صلح است – کمتر با آن مواجه بوده است، داشتن سلاح‌های هسته‌ای است و در صورتی که به پیمان نپیوندد و یا حتی ادعای داشتن سلاح هسته‌ای را بکند (مانند کره شمالی)، به منزله‌ی اعلان یک جانبه جنگ بین المللی با همه هزینه‌های سنگین و خطراتی است که می‌توان برای آن متصور شد. [۷۱] در واقع، این عده معتقدند که هر گونه تلاش برای نقض تعهدات بین‌المللی، اقدامی تجاوزکارانه تلقی می‌شود که پیامدهای وخیمی برای ایران در بر خواهد

[صفحه ۹۰]

داشت.

از سوی دیگر، هواداران راهکار سلاح‌های هسته‌ای به عدم انسجام و تبعیض‌هایی اشاره می‌کنند که در ذات خود NPT وجود دارد و نیز موادی از آن که در رابطه با ایران نادیده گرفته شده است (یعنی محروم ساختن این کشور از استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای). به نظر آنها تقسیم‌بندی میان کشورهایی که دارای سلاح‌های هسته‌ای هستند و آنهایی که فاقد آن می‌باشند، در NPT چشم انداز جالب توجهی را در زمینه‌ی به دست آوردن تحرک اجتماعی برای کشورهایی که دشمن شناخته شده دارند، به دست می‌دهد و ایران باید هر چه زودتر بر همین اساس در مورد سلاح‌های هسته‌ای بیاندیشد:

« ... اگر ایران، در حال حاضر سلاح‌های هسته‌ای داشته باشد باید همین الآن به آزمایش آنها دست بزند، چرا که فایده آن به صورت عاملی بازدارنده به منصه ظهور برسد. هنگامی که CTBT کاملا به مرحله اجرا درآید و پنج مکانیسم از شش مکانیسم آن در تهران و مسجد سلیمان وارد عمل شوند و ابزارهای ملی نیز در خدمت آنها قرار گیرند، آنگاه وجود هر نوع نارسایی، این پا و آن پا کردن، نقض پیمان و یا تقلب، بسیار دشوار شده و پیامدهای آن نیز بسیار مسأله‌ساز خواهند بود. » [۷۲] .

[صفحه ۹۱]

هواداران سلاح هسته‌ای در ایران استدلال می‌کنند که از نظر قانونی، ایران می‌تواند از NPT خارج شود و برنامه‌های هسته‌ای خود را در پیش گیرد به شرط آن که از سه ماه قبل اطلاع بدهد و « تهدیدات فوق العاده‌ای » را که منجر به أخذ این تصمیم شده است، اعلام کند. اما هنگامی که ایران قصد خود را برای خروج از این پیمان اعلام کند، با شماری از اقدامات تنبیهی رو به رو می‌شود که ممکن است توسل به زور هم در میان آن‌ها باشد. ایران در برابر این اقدامات آسیب‌پذیر است به همین دلیل، هم اکنون باید اقدام کرد. اما اگر این امر امکان پذیر نباشد، احتمالا به این دلیل که ایران سلاح‌های آماده‌ای در اختیار ندارد، حداقل کاری که می‌توان انجام داد، نوعی تحلیل مقدماتی پیامدهای خروج از NPT است. با توجه به آزمایش‌های اخیر هند و پاکستان و نیز محیط خطرناکی که ایران در آن قرار دارد، هواداران سلاح‌های هسته‌ای استدلال می‌کنند که چشم‌پوشی رسمی از راهکار هسته‌ای سیاست خطرناکی برای ایران است.

راهکارهای هسته‌ای و انتقاد از سیاست خارجی ایران

نگاهی دقیق‌تر به بحث عمومی درباره راهکارهای هسته‌ای ایران، نشان می‌دهد که این بحث همان اندازه که به مطلوبیت برنامه‌ی سلاح‌های هسته‌ای می‌پردازد، مسیر سیاست خارجی ایران را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، به آسانی می‌توان استدلال کرد که بحث عمومی راهکارهای هسته‌ای ایران آن قدر کلی است که نمی‌تواند کمک چندانی به درک جزئی‌تر تأثیر هسته‌ای شدن ایران بکند. [۷۳] .

[صفحه ۹۲]

به طور کلی، آن چیزی که می‌توان از نوشته‌ها و بحث‌های طرف‌داران سلاح‌های هسته‌ای دریافت، این است که این راهکار باید محفوظ نگه داشته شود، بی آنکه بتوان تحلیلی در مورد پیامدهای دقیق این امر برای تعهدات بین المللی ایران به دست آورد. در این حال، بحث سلاح‌های هسته‌ای انتقادات جالبی را درباره نحوه هدایت سیاست خارجی ایران دست کم از دو دیدگاه فاش می‌سازد. [۷۴] .

در اینجا بار دیگر یادآوری این نکته مهم است که بافت سیاسی داخلی ایران آن
قدر خشن و سیال است که امکان همبستگی این دیدگاه‌ها با نظرات عقیدتی جاری - که در پی سلطه بر سیاست داخلی هستند - را می‌دهد. افرادی، با دیدگاه‌های مختلف در مورد اصلاحات داخلی ممکن است در انتقاد از سیاست خارجی ایران به طور کلی، اتفاق نظر داشته باشند؛ حتی اگر در مورد استدلال‌هایی که در انتقاد از این سیاست ارائه می‌شود با یکدیگر موافق نباشد. نکته مهم این است که این انتقادات وجود دارند و بر نحوه‌ی هدایت سیاست خارجی در آینده تأثیر خواهند گذاشت.
براساس یک دیدگاه، مسأله اصلی در سیاست خارجی عدم انسجام و یک دستی است. براساس این دیدگاه، جامعه بین‌المللی نمی‌تواند به طور کامل از موضع اعلام

[صفحه ۹۳]

شده ضد هسته‌ای ایران راضی شود، زیرا اظهارات غیر مسئولانه و نیز اقدامات وزارت خارجه و دیگر سازمان‌ها در جمهوری اسلامی، بیشتر در تعارض با این موضع سازنده بوده‌اند. به گفته‌ی باوند، این امر به دلیل منازعات عقیدتی بروز کرده است که منجر به سرمایه گذاری زیادی در سیاست خارجی شده، بدون آنکه نتایج مثبت زیادی به دست آورد. [۷۵] با توجه به محیط خصمانه‌ی بین‌المللی، اظهارات غیر مسئولانه، سابقه‌ی غیر هسته‌ای ایران را خراب می‌کند. به علاوه این مشکل تا زمانی که این اختلافات بنیادی دست کم در سطح اجرای سیاست خارجی، کنار گذاشته نشوند و به طور کامل حل نخواهند شد. حرکت به سوی اصلاحات، کنترل بیش‌تر وزارت خارجه بر تصمیم‌گیری در مورد سیاست خارجی و تعهد عمیق‌تر نسبت به این ایده که امنیت راستین، از بهبود روابط بین‌المللی ناشی می‌شود، تنها گام‌هایی هستند که می‌توانند باعث انسجام بیشتر در سیاست خارجی ایران شوند.
از سوی دیگر، برخی از کسانی که طرف دار سلاح‌های هسته‌ای هستند مشکل را نه در تضاد بنیادی ارزش‌ها و منافع، بلکه در عیبی اساسی در نحوه نگرش تشکیلات سیاست خارجی ایران به نقش خود می‌بینند. آنها به سیاست خارجی‌ای که مبتنی بر موضع ضعف بوده و بیش از حد نگران بهبود تصویر ایران در خارج باشد، اعتراض دارند. به نظر آنها سیاست خارجی ایران باید کمتر به روابط عمومی بیندیشد و بیشتر باید به قدرت چانه‌زنی توجه داشته باشد. از نظر طرفداران سلاح‌های هسته‌ای، این سلاح‌ها علاوه بر نقش بازدارندگی خود، دقیقا در چنین مواردی (چانه زنی سیاسی) ارزش پیدا می‌کنند. البته با توجه به سابقه‌ی ایران در امضای معاهدات بین‌المللی و پای‌بندی به آنها و پاسخ به نسبت، غیر دوستانه‌ی طرف اصلی در صحنه‌ی سلاح‌های هسته‌ای (یعنی آمریکا)، آنها موفق شده‌اند که چنین استدلالی

[صفحه ۹۴]

را ارائه دهند.
آنچه که این منتقدان، ممکن است از آن غافل مانده باشند این است که توجه بیش از حد وزارت خارجه به « روابط عمومی » ممکن است در واقع نتیجه دخالت دیگر نهادها در فعالیت‌های خارجی باشد. به همین دلیل، در بسیاری از اوقات وزارت خارجه مجبور شده است فعالیت‌های دیگران را توجیه کند و یا جلوه‌ی خوبی به آنها بدهد. از این رو، درخواست از وزارت خارجه برای یک دستی و انسجام و کنترل بیشتر بر امور خارجی، آن گونه که دسته‌ی نخست انتقادات مطرح می‌کنند، می‌تواند در واقع مکمل

درخواست برای مذاکره کنندگان مجرب‌تر و درک بهتر نقش مذاکرات و چانه‌زنی در روابط بین المللی باشد که دسته‌ی دوم انتقادات بیان می‌کردند.

برخی نتیجه گیری‌ها

- بحث درباره‌ی راهکار سلاح‌های هسته‌ای در ایران از گسترش زیادی برخوردار نیست. به علاوه، موضوع این بحث، محفوظ داشتن یک راهکار هسته‌ای برای خود است، نه در مورد برنامه‌های موجود سلاح‌های هسته‌ای. البته، علت این امر آن نیست که بحث درباره برنامه جاری هسته‌ای - در صورتی که چنین برنامه‌ای وجود داشته باشد - همچنان به صورت تابو باقی مانده است. نحوه‌ی انجام بحث مبتنی بر فرضی است که بیشتر بازیگران عرصه‌ی عمومی در ایران به شدت به آن معتقدند و آن عبارت است از این که دست کم در حال حاضر، در ایران تصمیمی برای تعقیب راهکار هسته‌ای گرفته نشده است، صرفنظر از این که پیش از این چنین راهکاری مورد توجه بوده است یا خیر.

- درک این بحث عمومی با وجود محدود بودن آن، مهم است، زیرا نه تنها درباره‌ی افکار و عقاید مختلفی که در این زمینه در جامعه ایران وجود دارد

[صفحه ۹۵]

سرنخ‌هایی به دست ما می‌دهد، بلکه راهکارهایی را که پیش روی رهبران کنونی و آتی ایران قرار دارد، روشن می‌سازد.

- این بحث، به همان اندازه که به محفوظ نگه داشتن راهکار هسته‌ای می‌پردازد، به سیاست خارجی ایران نیز توجه نشان می‌دهد. همچنین از دیگر موضوعات این بحث، فرایندی است که باعث شد ایران راهکار تعقیب سلاح‌های هسته‌ای و آزمایش آنها را آشکارا رها کند و موضوع دیگر، هزینه‌ها و منافع این انتخاب است.

- هواداران حفظ راهکار هسته‌ای، براساس آنچه که آن را مقتضیات درک واقع‌گرایانه از روابط بین الملل می‌دانند، از این راهکار حمایت می‌کنند. به عقیده این عده، بالا بردن جایگاه، احتمال تحرک اجتماعی و افزایش قدرت چانه‌زنی در سطح منطقه‌ای برخی از ثمرات این راهکار است.

- مخالفان حفظ راهکار هسته‌ای، دلیل اعتراض خود را به این راهکار، نگرانی از واکنش‌های بین المللی بیان می‌کنند. که به نظر آنها، این راهکار امنیت ایران را بیش از پیش به مخاطره می‌اندازد.

- منتقدین ادامه‌ی پایبندی ایران به معاهدات بین المللی، معتقدند که تصمیم ایران بازتاب عدم درک وزارت امور خارجه از روابط بین الملل و نقش چانه‌زنی در مذاکرات بین المللی و همچنین به دلیل عدم مهارت مذاکره کنندگان ایرانی در هنر چانه‌زنی است.

- هواداران معاهدات بین المللی، از پیوستن ایران به این معاهدات بر پایه دلایل مصلحت گرایانه حمایت می‌کنند و به ویژه چنین استدلال می‌کنند که ایران چاره دیگری جز پیوستن به این معاهدات ندارد. با توجه به خطراتی که عدم پیوستن به آنها در بر دارد، آنان استدلال می‌کنند که در این مقطع، تنها تضمین امنیتی برای ایران، بهبود روابط بین المللی می‌باشد. به این دلیل، آنها از اظهارات و رفتار بی ملاحظه‌ی وزارت خارجه که گمان می‌رود متناقض با تعهدات بین‌المللی ایران باشد، انتقاد

[صفحه ۹۶]

می کنند.

خلاصه این که، منتقدان مسائل هسته‌ای در هر دو جناح سیاسی ایران، سرانجام نهایتا بردو ضعف مشهود سیاست خارجی ایران تأکید می کنند: عدم انسجام و نبود دانش و مهارت مذاکره. این دو انتقاد را می‌توان تا آنجا که در زمینه‌ی فرایند متفرق سیاست خارجی که سیاست‌مداران و مذاکره کنندگان فاقد مهارت‌های مهم، هدایت می کنند و دارای همگرایی هستند، مکمل یکدیگر دانست.

[صفحه ۹۷]

موشک‌های ایران و خرج آنها

اشاره

ریچارد اسپایر

نویسندگان داستان‌های علمی - تخیلی در دهه‌ی ۱۹۳۰ و نویسندگان مطالب علمی در دهه‌ی ۱۹۴۰، برای نخستین بار درباره « جنگ با فشار یک تکمه، مطالبی نوشتند. در جنگ با فشار یک تکمه به نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی نیازی نیست. این جنگ به وسیله‌ی تکنسین‌هایی انجام می‌شود که موشک‌هایی را با قدرت تخریبی زیاد، به قلب دشمن می‌فرستند. جنگ با فشار یک تکمه، رویارویی و وسوسه‌انگیزی برای آن دسته از کشورها است که به دلیل داشتن بودجه اندک و زیر ساخت‌های نامناسبش، امکانات تشکیلات دفاعی مدون را برای آن محدود می کند. ایران چنین کشوری است.

مبانی موشک‌ها

موشک‌های بالستیکی، راکت‌های هدایت شونده‌ای هستند که تنها برای بخش نخست پروازشان انرژی گرفته و سپس (با طی یک مسیر بالستیکی) به سمت اهداف خود حرکت می کنند.

موشک‌های کروز عموما شبیه هواپیماهای کوچک هستند و با راکت یا

[صفحه ۹۸]

موتورهای تنفس کننده از هوا (air - breathing enginer)، انرژی لازم را برای پرتاب به دست می‌آوردند. بر خلاف موشک‌های بالستیک، موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز در تمام مسیر به سمت اهداف خود، انرژی می گیرند.

گرچه افراد غیر متخصص مجذوب موشک‌های بالستیک می‌شوند، ولی برنامه‌ریزان نظامی، مزایای زیادی را برای موشک‌های کروز قائلند. به طور معمول هزینه موشک‌های کروز کمتر است، از نظر سکوهای پرتاب انعطاف‌پذیرند و معمولا هدف گیری‌شان از موشک‌های بالستیک دقیق‌تر است. در جنگ خلیج فارس، ائتلاف نیروهای مقابل عراق، سه برابر بیش‌تر از این کشور که از موشک‌های بالستیک استفاده کرد، از موشک‌های کروز استفاده کردند و در این میان تأثیرات نظامی موشک‌های کروز بسیار بیش‌تر بود. در این مقاله، در بخش مربوط به خرج موشک‌ها، به بحث درباره‌ی دیگر مزایای موشک‌های کروز خواهیم پرداخت.

شاخصی که در مورد موشک‌های بالستیک بیش از همه بر آن تأکید می‌شود، برد آنهاست. با این حال، رابطه‌ی متوازنی بین برد و خرج موشک وجود دارد. برای نمونه عراق با کاستن از خرج موشک‌های « اسکاد » و رساندن آن به نصف، برد آنها را دو برابر کرد و بدین ترتیب، موشک‌های « الحسین » را پدید آورد که می‌توانستند تهران و اسراییل را هدف قرار دهند.
رابطه‌ی توازن مشابهی می‌توان در مورد موشک‌های کروز فرض کرد. با این حال، چون موشک‌های کروز تنفس کننده با هوا، نیازی به اکسید کننده ندارند، رابطه توازن برد خرج در مورد این موشک‌ها شکل متفاوتی پیدا می‌کند؛ به این معنی که با اندکی کاستن از خرج (که با سوخت جایگزین می‌شود)، برد افزایش زیادی می‌یابد. به علاوه، به دلیل انعطاف پذیری موشک‌های کروز، از نظر سکوهای پرتاب، این موشک‌ها می‌توانند اهدافی را فراتر از محدوده‌ی تحت پوشش خود – در صورتی که از خاک کشور دارنده‌ی موشک پرتاب شوند – تحت پوشش قرار دارند. موشک‌های

[صفحه ۹۹]

کروز اگر از هوا و به ویژه از کشتی پرتاب شوند، می‌توانند به نقاط بسیار دور جهان دسترسی پیدا کنند.
در مقابل، موشک‌های بالستیک همیشه خوب کار نمی‌کنند و از انعطاف کافی برخوردار نیستند. این موشک‌ها از ده‌ها یا صدها هزار قطعه تشکیل شده‌اند که باید تحت شرایط – حرارت زیاد، سرما، شتاب، ارتعاش و تغییر فشار – صحیح کار کنند. آمارهای موجود در مورد موشک‌هایی که از فضا پرتاب می‌شوند (موشک‌های بالستیک با خرج‌های غیر تسلیحاتی و مسیرهای خاص) نشان می‌دهد که انواع جدید این موشک‌ها غیر قابل اطمینان هستند. براساس این آمار، از ده پرتاب آزمایشی این موشک‌ها، تنها یک سوم موفقیت آمیز بوده است. برای این که قابلیت اطمینان این موشک‌ها، به ۷۵ درصد برسد به ده‌ها پرتاب آزمایشی و به طور متوسط ۶ سال توسعه نیاز است. [۷۶] .
در نتیجه، توسعه و آزمایش موشک‌های بالستیکی وقت گیر، پر هزینه و مملو از ابهامات از نظر قابلیت اطمینان سیستم نهایی است. چون موشک‌های بالستیک به بردهایی بیش از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلومتر دست می‌یابند، نیازمند چندین مرحله هستند که باعث ایجاد ابهامات و هزینه‌های بیشتری می‌شود. به طور کلی، استطاعات دولت‌ها برای تولید موشک‌های بالستیک دوربرد، نسبت به تولید موشک‌های بالستیک کوتاه برد، بسیار کمتر است.
ولی، مشکلات موشک‌های کروز کمتر است، زیرا در محیط پروازی مساعدتری عمل می‌کنند. تولید این موشک‌ها آسان‌تر و سریع‌تر است، به ویژه برای کشورهایی

[صفحه ۱۰۰]

که دارای صنایع هوا فضا هستند. برای بیگانگان نیز جمع‌آوری اطلاعات از تولید موشک‌های کروز نسبت به موشک‌های بالستیک دشوارتر است. آزمایش موشک‌های کروز، شبیه آزمایش پرواز هواپیماهاست؛ ین موشک‌ها می‌توانند مسیرهای مداری شکل را بپیمایند و هرگز از خاک کشور خارج نشوند. ولی آزمایش پروازهای موشک بالستیک که مستلزم ورود آنها به فضاست، به آسانی با حس گرهای (Sensors) مناسب قابل رؤیت است.
عیب موشک‌های کروز، مشکل هدایت دقیق آنها است. موشک‌های کروز آلمانی ۶ – V در جنگ جهانی دوم مجبور بودند به طور مستقیم و در ارتفاع متوسط پرواز کنند و این باعث شد تا نیروی هوایی بریتانیا بسیاری از آنها را سرنگون کنند. با این همه،

موشک‌هـای کروز آلمـانی - به دلیـل هزینه‌ی پـایین و در نتیجه تعـداد بیشترشـان - نسـبت به موشک‌های بالستیک آلمانی ۲ - V، خسـارات بسـیار بیشتری به نیروی مقابـل وارد آوردنـد. امروزه با در دسترس بودن سیسـتم مکان یابی جهانی (GPS) برای هدایت، می‌توان موشک‌های کروز را به شـیوه‌ای بسـیار ارزان، دقیق و قابل اطمینان در مسیرهای پروازی غیر قابل پیش‌بینی در سطح پایین - که استحکامات دفاعی را به چالش می‌کشد - هدایت کرد.

دفاع در برابر موشک‌های بالستیک بسیار دشوار است. اما چون دفاع در برابر موشک‌های بالستیک بهبود پیدا کرده است، مسیر قابل پیش‌بینی موشک‌ها از قابلیت نفوذ آنها خواهد کاست - در حالی که ره‌گیری موشک‌های کروز مدرن همچنان دشوار است.

موشک‌های ایران

ایران دو نوع موشک بالستیک و کروز در اختیار دارد و قادر به تولیـد آنها نیز هست. برای ارزیابی اهمیت این موشک‌ها لازم اسـت نگاهی به وضعیت موجود

[صفحه ۱۰۱]

بیفکنیم:

نزدیک‌ترین فاصله از خاک ایران تا بغداد ۱۳۰ کیلومتر است. در جریان جنگ ایران و عراق و به ویژه در اوایل « جنگ شهرها » در ۱۹۸۸ میلادی ایران به بغـداد و دیگر شـهرهای عراق و موشک‌های اسـکاد - B با برد ۳۰۰ کیلومـتر و خرج ۱۰۰۰ کیلوگرم پرتاب کرد. پس از جنـگ ایران تلاـش کرد یـک رشـته موشک با سوخت جامـد و با برد ۱۳۰ تا ۲۰۰ کیلومـتر به منظور هـدف قرار دادن بغداد بسازد. [۷۷] بـا این حـال، ایران ظاهرا نتوانست به فن آوری لازم برای ساخت این راکت‌ها دست پیـدا کنـد. بـدین منظور، در اواخر ۱۹۸۹، ۲۰۰ موشک چینی ۸ - CSS با برد حدود ۱۵۰ کیلومتر و خرج ۱۹۰ کیلوگرم وارد کرد. کاملا روشن بود که هـدف ایران، بغداد است.

ایران از زمان جنگ به خرید تعدادی موشک اسـکاد ساخت کره شمالی با برد ۵۰۰ کیلومتر دست زد. در سال ۱۹۹۸، ایران موشک شهاب - ۳ را آزمـایش کرد، که نسـخه‌ای از موشـک نو - دونگ ۱ کره شـمالی با برد ۱۳۰۰ کیلومتر و خرج حـدود ۷۵ کیلوگرم است. این موشک می‌توانـد، اسـراییل را هدف قرار دهد. (نزدیک‌ترین نقطه در ایران تا تل آویو ۱۰۲۰ کیلومتر است) بدون آن که برد کامـل خود را طی کنـد. بـا توجه به برد اضـافی این موشک‌هـا این سؤال مطرح می‌شود که آیـا ایران موشـک شـهاب - ۳ را با ارتفاعی بیش از حـد به سوی اسـراییل پرتاب خواهـد کرد. به گونه‌ای که شـتاب آن در ورود مجدد به جو، ره گیری را به وسـیله‌ی موشک‌های دفاعی آرو (Arrow) اسراییل پیچیده سازد؟

شهاب - ۳ تنها سه بار در ایران آزمایش شده است - یک بار در ۱۹۹۸ و دو بار

[صفحه ۱۰۲]

دیگر امسال (۲۰۰۰) - آزمایش‌های اول و سوم طبق گزارش‌ها با ناکامی رو به رو شـد، ولی آزمایش دوم موفقیت آمیز بود. این امر نشان می‌دهد عدم قابلیت اطمینان موشک‌ها در همان آزمایش‌های نخست است. گرچه شـهاب - ۳ را اینک باید تهدیدی نسبت به کشورهای حتی دور دست مانند اسراییل تلقی کرد، [۷۸] ولی تا زمانی

[صفحه ۱۰۳]

که آزمایش‌های موفقیت آمیزتری انجام نشده است، نمی‌توان آنرا تهدیدی قابل اطمینان دانست. با این حال، بر پایه برخی گزارش‌ها ایران در حال دریافت کمک‌های فنی از سازندگان با تجربه موشک در چین، کره شمالی و روسیه است که در این صورت می‌تواند به میزان قابل ملاحظه‌ای فرایند تولید این موشک‌ها را کوتاه کند.

همچنین طبق گزارش‌ها ایران در حال تولید موشک شهاب - ۴ با برد ۲۰۰۰ کیلومتر و خرج ۱۰۰۰ کیلوگرم است. این موشک را می‌توان نسخه‌ای از موشک دو مرحله‌ای تپو - دونگ ۱ کره شمالی دانست که در ۱۹۹۸ در کره شمالی به عنوان یک موشک سه مرحله‌ای پرتاب از فضا (SLV) آزمایش شد. با توجه به این توانایی موشک، می‌توان دریافت که چرا وزیر دفاع ایران شهاب - ۴ را موشک پرتاب از فضا می‌خواند. [۷۹] .

همچنین، این موشک ممکن است نسخه‌ای از این موشک ۴ - MRBMSS روسیه و یا ترکیبی از این موشک‌های چینی و روسی باشد. شهاب - ۴ که یک موشک بالستیک به شمار می‌رود، به طور قطع دارای توانایی عمل در مسیرهایی است که دفاع موشکی آروی اسراییل بر آنها تأکید دارد. شهاب - ۴ در صورت استفاده با خرجی سبک‌تر و احتمالا مرحله سوم، می‌تواند همه کشورهای اروپای غربی را هدف قرار دهد.

شهاب - ۵ نیز که گاه به صورت یک SLV (پرتاب از فضا) خوانده می‌شود، گاه

[صفحه ۱۰۴]

ویژگی‌هایی که از نوع موشک‌های تپو - دونگ ۲ کره شمالی برای آن قائل شده‌اند. این موشک ساخت کره شمالی و دو مرحله‌ای است که پیش بینی می‌شود برد آن با خرج ۱۰۰۰ کیلوگرمی ۶۰۰۰ کیلومتر باشد. این موشک می‌تواند خرج کامل خود را در لندن (که از نزدیک‌ترین نقطه در ایران ۳۷۰۰ کیلومتر فاصله دارد) و البته هر نقطه دیگری در اروپای غربی تحویل دهد. برپایه‌ی برآورد اطلاعات (NIE) در ۱۹۹۹، در مورد تهدیدهای موشک بالستیک پیش بینی می‌شود که ایران احتمالا در چند سال آینده نسخه‌ی سه مرحله‌ای تپو - دونگ ۲ را آزمایش کند. برآورد اطلاعات ملی وقتی که می گوید ایران می‌تواند به آزمایش یک موشک بالستیک قاره پیما (ICBM) دست بزند که قادر به پرتاب خرجی چند صد کیلوگرمی به بسیاری از بخش‌های ایالات متحده در نیمه‌ی پایانی دهه آتی (یعنی دهه کنونی) با استفاده از تکنولوژی روسیه و کمک آن کشور است، دقیقا روشن نمی‌سازد که درباره کدام موشک ایران صحبت می‌کند. در ادامه‌ی این گزارش آمده است: « احتمال دارد ایران یک موشک پرتاب از فضا (SLV) را تا سال ۲۰۱۰ آزمایش کند - و هنگامی که آن را ساخت - قادر است که آن را موشک بالستیک قاره پیما تبدیل کند که توانایی پرتاب خرجی چند صد کیلوگرمی را به ایالات متحده دارد. » (نزدیک‌ترین فاصله از خاک ایران تا نیویورک، حدودا ۹۰۰۰ کیلومتر است.)

ایران همچنین در حال تولید موشک‌های کروز است. قدرتمندترین نوع این موشک‌ها از نظر برد و خرج، موشک‌های چینی کرم ابریشم(Silkworn)هستند که در نزدیکی بندر عباس تولید می‌شوند، ایران تلاش می کند تا برد موشک کرم ابریشم را تا ۴۰۰ کیلومتر - احتمالا ـ با کلاهک جنگی ۵۰۰ کیلوگرمی - افزایش دهد. با انجام برخی تغییرات ساده می‌توان این برد را با همان خرج به بیش از ۷۰۰ کیلومتر نیز افزایش داد. [۸۰] با خرج سبک‌تر از نوع شیمیایی که در منطقه‌ی وسیعی، مهلک

[صفحه ۱۰۵]

هستند. موشک کرم ابریشم تغییر یافته، می‌تواند برد بسیار بیشتری پیدا کند و در صورتی که از کشتی پرتاب شود می‌تواند قسمت اعظم خشکی‌های جهان را هدف قرار دهد.

خرج موشک‌ها

خرج موشک‌های بالستیک می‌تواند شامل مواد منفجره متعارف (مانند مواد منفجره یک پارچه، مهماتی که بسته‌های کوچک مواد منفجره را به یک منطقه وسیع‌تر و دارای الگو و شکل بهتر پرتاب می‌کنند یا مواد منفجره دارای سوخت هوا)، عوامل شیمیایی یا بیولوژیکی (به صورت یک پارچه یا به شکل مهمات) یا سلاح‌های هسته‌ای باشد.
موشک‌های کروز می‌توانند خرج‌های مرگبار را در تمام این اشکال پرتاب کنند. اما موشک‌های کروز امکان دیگری نیز برای پرتاب عوامل شیمیایی یا بیولوژیکی دارند: انتشار افشانه‌ای. با پرواز در یک خط با زاویه‌های قائمه در جهت باد و پرتاب مداوم افشانه‌ای، عوامل شیمیایی یا بیولوژیکی، یک موشک کروز می‌تواند نسبت به یک موشک بالستیک - در صورت وجود خرج یکسان - منطقه وسیع‌تری را تحت تأثیر قرار دهد.
محاسبات استاندارد، نشان می‌دهند که نوع موشک در پوشش مرگ‌آور خرج‌های کشتار جمعی، مؤثر است.
برای مثال، می‌توان مقایسه‌ای انجام داد بین موشک کروز که ۵۰۰ کیلوگرم آنتراکس (anthrax) را به صورت افشانه‌ای پرتاب می‌کند، با موشک بالستیکی که

[صفحه ۱۰۶]

همین میزان خرج را یک باره پرتاب می‌کند. برای آن مقدار آنتراکس که دست کم برای ۵۰ درصد جمعیت بی حفاظ کشنده است، موشک کروز مساحتی ۳۰ بار بزرگ‌تر از موشک بالستیک را پوشش می‌دهد. ولی موشک بالستیک تقریبا نزدیک به ۱۵۰۰ کیلومتر مربع را با ۵۰ درصد مرگ‌آوری پوشش می‌دهد.
در دهه‌ی آتی، سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی کشورهایی مانند ایران در مقایسه با سلاح‌های بیولوژیکی، منطقه‌ی بسیار کوچک‌تری را - با خرج ۵۰۰ کیلوگرمی - تحت تأثیر قرار می‌دهند. موشک بالستیکی که دارای ۵۰۰ کیلوگرم مهمات حاوی عامل اعصاب VX باشد در منطقه‌ای حدود یک کیلومتر مربع قدرت مرگ آوری دارد. این، تنها اندکی کمتر از مساحتی است که یک سلاح هسته‌ای ۱۰ کیلو تنی، می‌تواند قدرت مرگ آوری داشته باشد، یعنی بازده تقریبی یک خرج ۵۰۰ کیلوگرمی که هسته‌ای شده باشد.
به آسانی می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که: ۱ - سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی برای آن نوع توانایی‌هایی که در کشورهایی نظیر ایران ممکن است در آینده نزدیک به آن دست یابند، تقریبا از تأثیرات یکسانی برخوردارند، ۲ - عوامل بیولوژیکی (به ویژه در صورتی که از موشک‌های کروز به صورت افشانه‌ای پرتاب شوند) بسیار مرگ آورتر هستند. اما به هشدارهایی در این زمینه باید توجه کرد.
پرتاب موفقیت آمیز تا حد زیادی، بستگی به وضعیت هوا دارد؛ و حتی در صورت مساعد بودن وضعیت آب و هوایی پرتاب عوامل

بیولوژیکی دشوار است. زیرا آنها را باید وارد قسمت پایین لایه وارونگی (حدود چند صد متر ارتفاع) در شب ساخت و به صورت ذراتی پراکنده کرد که قطرشان ۱ تا ۱۰ میکرون باشد، به گونه‌ای که بتوانند جذب ریه انسان شوند. دستیابی به این هدف دشوار است، به ویژه با موشک‌های بالستیک که کنترل ارتفاع دقیق رها کردن این عوامل برای آنها مشکل است. به علاوه، تأثیرات عوامل بیولوژیکی را می‌توان با واکسیناسیون درمان با

[صفحه ۱۰۷]

آنتی‌بیوتیک، استفاده از ماسک‌های صورت و اتاق‌هایی که دارای تهویه کنترل شده هستند، به میزان زیادی کاهش داد.
میزان قدرت مرگ‌آوری عوامل شیمیایی نیز بستگی به وضعیت هوا دارد. اما زمان خاصی از روز یا اندازه ذرات در آن مؤثر نیست. بنابراین، پرتاب موفقیت‌آمیز آنها از عوامل بیولوژیکی آسان‌تر است. همچنین دفاع غیر فعال در برابر سلاح‌های شیمیایی معمولا دشوارتر از دفاع در برابر عوامل شیمیایی است. برای مثال، برای دفاع در مقابل عوامل اعصاب که در برخورد با پوست اثر مرگ آور خود را پدید می‌آورند، لازم است کل بدن محفوظ بماند، نه فقط صورت. اما پادزهر، لباس‌های مناسب و پناهگاه‌های دارای تهویه‌ی کنترل شده، به میزان قابل ملاحظه‌ای،از اثرات مرگبار عوامل شیمیایی می‌کاهند.
به همین دلیل است که برنامه‌ریزان نظامی، سلاح‌های هسته‌ای را ترجیح می‌دهند. این سلاح‌ها صرفنظر از وضعیت هوا یا دفاع غیر فعال ساده، آثار اطمینان بخش بیشتری به بار می‌آورند. همچنین برنامه‌ریزان نظامی، احتمالا سیستم موشک‌های کروز را برای پرتاب نسبت به موشک‌های بالستیک ترجیح می‌دهند. موشک‌های کروز نه تنها برای پرتاب عوامل بیولوژیکی از کارایی زیادی برخوردارند (در مورد عوامل شیمیایی کارایی آنها تا این درجه بالا نیست)، بلکه می‌توانند خرج بیولوژیکی خود را خلاف جهت باد به هدف پرتاب کنند و بدین ترتیب دفاع محلی یا خنثی سازند. همچنین با توجه به هزینه‌ی کمتر این موشک‌ها، می‌توان با یک بودجه نظامی معین، خرج بیشتری را با آنها پرتاب کرد.

خرج موشک‌های ایران

سلاح‌های متعارف، هر گاه با موشک‌های بالستیک علیه یک منطقه مسکونی به کار می‌روند، می‌توانند باعث ایجاد رعب و وحشت شوند. در جریان « جنگ

[صفحه ۱۰۸]

شهرها » تعداد زیادی کلاهک جنگی متعارف عراق، از نوع الحسین، تقریبا یک چهارم جمعیت تهران را از این شهر فراری داد - تجربه‌ای مشابه تجربه حملات موشک‌های ۲ - V آلمان به شهر لندن - اما این نوع موشک‌ها ویرانی گسترده‌ای ایجاد نمی‌کنند.
از آنجا که موشک‌های ساده بالستیک برد بیشتری دارند، خطای هدف‌گیری آنها از صدها متر، تا کیلومترها می‌تواند افزایش یابد؛ لذا ممکن است موشک‌های دارای کلاهک‌های جنگی متعارف، به یک هدف (یا حتی بخشی از یک منطقه شهری) خسارت کمتری وارد سازند. به علاوه، چون موشک‌های بالستیک با برد بیشتر، گران‌تر از انواع آن با برد کمتر هستند. بنابراین، تعداد موشک‌های متعارف با برد بیشتر، کاهش پیدا می‌کند.
ایران ممکن است دارای نیروی موشکی بالستیک متعارف مناسب برای حمله به بغداد و دیگر اهداف نزدیک با موشک‌های اسکاد

و موشک‌های چینی ارزان‌تر با برد ۱۵۰ کیلومتر باشد؛ اما اگر بخواهد اسراییل و مناطق دورتر از هدف قرار دهد، اعتبار این استدلال که نیروی موشکی بالستیک این کشور مجهز به کلاهک‌های متعارف هستند به طور فزاینده‌ای مخدوش خواهد شد.

از سوی دیگر، خرج‌های متعارف موشک‌های کروز ایران - در صورتی که مجهز به هدایت دقیق بوده و به آسانی قابل دسترس باشند - می‌توانند تهدیدی نظامی یا رعب آور برای کلیه اهدافی که در بردشان قرار دارند، ایجاد کنند و از آنجا که این موشک‌ها نسبتا کم هزینه هستند، به تعداد فراوان، از آنها می‌توان استفاده کرد.

ایران می‌تواند به وسیله موشک بالستیک عوامل شیمیایی را پرتاب کند. این عوامل، در واقع متحمل‌ترین خرج برای موشک‌های دوربرد ایران هستند؛ دست کم تا زمانی که سلاح‌های هسته‌ای به تعداد مناسب در دسترس باشند، عوامل شیمیایی (در صورتی که به تعداد کافی علیه یک هدف نظامی یا یک منطقه شهری به کار برده

[صفحه ۱۰۹]

شوند)، به احتمال زیاد خساراتی وارد می‌آورند. مهمات از طریق انتشار مؤثرتر خرج شیمیایی بر روی هدف، می‌توانند این خسارات را بیشتر سازند، اما به کارگیری آنها - به ویژه در برابر دفاع موشکی - دشوار است. [۸۱] همچنین موشک‌های کروز مسلح به عوامل شیمیایی، می‌توانند علیه اهداف نظامی و جمعیتی مؤثر باشند.

همچنین گزارش شده است که ایران دارای برنامه سلاح‌های بیولوژیکی می‌باشد. کاربرد عوامل بیولوژیکی هنگامی مؤثر است که خرج‌ها یا تعداد موشک‌ها بسیار محدود باشند. اما به دلیل وجود ابهامات و دشواری‌های پرتاب عوامل احتمالا آنها نقش کوچکی در نیروی موشکی بالستیک دارند. تهدید این عوامل که بر روی موشک‌های کروز نصب می‌شوند، بیشتر است. در واقع، اگر موشک‌های کروز ایران نتوانند در استحکامات دفاعی بسیار وحشتناک اسراییل، از طریق پرواز در ارتفاع پایین، مسیرهای نامنظم پرواز، نزدیک شدن تعداد زیادی از آنها از جهات مختلف و کمتر قابل رؤیت بودنشان (به لحاظ اندازه کوچک آنها) نفوذ کنند، آنگاه با انتشار عوامل بیولوژیکی بر روی اسراییل، ایران خواهد توانست این استحکامات دفاعی را درنوردد.

سلاح‌های هسته‌ای، تا زمانی که به تعداد کافی موجود نباشند در مقایسه با سلاح‌های شیمیایی، در خرج موشک‌های ایران از اهمیت کمتری برخوردار خواهند بود. این امر به ویژه در صورتی مصداق پیدا می‌کند که ایران مجبور باشد در موشک‌های خود خرج را فدای دستیابی به برد بیش‌تر کند. سلاح‌های هسته‌ای نیازمند حداقل خرج - شاید ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلوگرم برای کشوری با توانایی‌های ایران هستند. این خرج‌ها - احتمالاـ محدوده‌ی موشک‌های ایران را گسترش داده و جای اندکی برای راهکارهای دیگری باقی می‌گذارند.

پاورقی

[۱] Weapons Of Mass destruction.

[۲] International Atomic Energy Agency.

[۳] Richard Butler , The Greatest Threat: Iraq , Weapons Of Mass destruction and the crisis of global security (public affairs:New York ,۲۰۰۰). Khidhir Hamza With jeff stein, saddams bombmaker: The Terrifying Inside Story Of the Iraqi Nuclear and Biological Weapon Agenda (Scribner: New York , ۲۰۰۰).

[۴] Botler , p. Xix.

[۵] Botler , p. Xix.

[۶] Khidhier Hamza, On the Record Remarks at ۳۴ Carnegie Endowment for International peace, Issue Brief, vol, ۱۱۱, No.۳۴.November ۲۱, ۲۰۰۰.

[۷] Nixon Center.

[۸] Geoffrey Kemp.

[۹] نویسنده، مدیر برنامه‌های استراتژیک منطقه‌ای مرکز نیکسون می‌باشد.

[۱۰] سه موضوع نخست به تفصیل در کتاب زیر مورد بحث قرار گرفته است:

Rodney W.Jones, Mark G. Mc Donough, toby F. Dalton, GreGory D. Koblentz, Tracking Nuclear Proliferation: A Guide in Maps and Chrts, ۱۹۹۸(Washing ton DC: Carnegie Endow Ment for international Peace ,۱۹۹۸(PP.۱۶۹-۱۸۲.

[۱۱] Nuclear Suppliers Group.

[۱۲] International Atomic Energy Agency.

[۱۳] Chemical Weapons Convention.

[۱۴] Organization to Prohibit chemical Weapons.

[۱۵] باید خاطر نشان ساخت که چندین کشور عرب به ویژه سوریه و مصر CWC را حتی امضا نیز نکرده‌اند، چه رسد به این که آن را تصویب کنند!.

[۱۶] Biological Weapons Convention.

[۱۷] Missile Technology Control Regime.

[۱۸] Silkworm anti- ship missile.

[۱۹] Scud.

[۲۰] No- Dong.

[۲۱] Amin Tarzi, "irans Missile Test Sends Mixed Messages", Center for NonProliferation Studies, Monterey Institute of International Studies, August۲۶,۲۰۰۰(WWW.cns.mirs.edu).

[۲۲] پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ماده ۱۰.

[۲۳] یادآور می‌شود، طرح این مباحث چیز جدیدی نیست و معمولا از سوی رسانه‌های کشورهای خارجی مطرح می‌شود و حاکی از پیگیری مداوم اهدافی است که در برابر جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنند.

[۲۴] این نظر نویسنده فاقد بسند و واقعیت تاریخی است. ایران در سیاست خارجی خود، هیچ گاه در پی تصرف سرزمین همسایگان نبوده است. هویت یابی مسلمانان در آن شرایط و تأثیر پذیری از انقلاب اسلامی به معنای سرنگونی پادشاهان و تصرف سرزمین همسایگان نباید تلقی شود. (مترجم).

[۲۵] Kilo-Class.

[۲۶] Lukoil.

[۲۷] Gazprom.

[۲۸] Nuclear Non-Proliferation Treaty.

[۲۹] Transplantability.

[۳۰] Net effect.

[۳۱] thres.

[۳۲] Bull, ۱۹۹۷.

[۳۳] برای نقل قول‌ها Chubin, ۲۰۰۰.

[۳۴] Discourse vol.۱ No.۱ Summer ۱۹۹۹ Round table:"New Regional Geopolitical developments: Irans National Security". PP.۵-۴۸.

[۳۵] The Economist, "The Iranian Opportunity", Feb.۲۶,۲۰۰۰,PP.۲۳-۲۴.

[۳۶] CF. Supreme National Council Secretary, Dr. Hassan Rowhani in BBC SWB۶, February, in ME ۳۱۵,MED / ۱۲ - B, ۹ February ۲۰۰۰.

[۳۷] برای مثال

Tim Trevan, Saddam,s Secrets (Harper Collins: London, ۱۹۹۸), pp.۳۶, ۴۵, ۳۳۴ and Richard Butler, the Greatest Threat (public Affairs: New York ,۲۰۰۰), p.۱۱۸.

[۳۸] به ویژه

Gary Milhollin,"Saddams Nuclear shopping Spree, The New Yorker, B December ۱۹۹۹,p.۴۴.

[۳۹] Al - Sammoud.

[۴۰] در این زمینه به گزارش ذیل رجوع کنید.

Steven Lee Myers, "Iraq is Said to Test Ballistic Weapon", The International Herald Tribune, ۳ July ۲۰۰۰,pp.۱,۶.

[۴۱] Mohammad Javad zarif and Mohammad Reza Alborzi, "Weopons of Mass Destruction in Irans Security Paradigm: The Case of chemical Weapons", Iranian Journal of Internatinal Affairs, vol Xl No.۴, Winter ۱۹۹۹, pp.۵۱۱- ۵۲۳.

[۴۲] طرح این مورد ادعایی بیش نیست و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد.

[۴۳] گفت و گوهای خصوصی با ایرانیان، ۲۰۰۰ / ۱۹۹۹.

[۴۴] مصاحبه با مقامات پاکستانی، ۱۹۹۹.

[۴۵] Bahbani Sengupta, "India in the ۲۱ st. Century" International Affairs. April ۱۹۹۷, vol.۷۳ No۲,p.۳۰۹.

[۴۶] Jim Mann,"Us Weighed Bomb Raid on China in ۶۴", International Harald Tribune, ۲۸ Septe - ber ۱۹۹۸,p.۶.

[۴۷] خطرات در پیش گرفتن راهکاری که تنها اندکی با توانایی کامل هسته‌ای فاصله داشته باشد در این است که در صورت عبور از آستانه، تنها به یک حرکت کوچک نیاز خواهد بود و این امر ممکن است تصمیم گیری را در قید و بند فشارهای داخلی و سیاست داخلی و نه الزامات استراتژیک قرار دهد.

[۴۸] نویسنده، پژوهش گر وابسته به مؤسسه خاورمیانه و مؤلف کتاب « دولت‌ها و انقلابات شهری در ایران و نیکاراگوئه » و تعداد زیادی مقاله در زمینه نظریه‌های انقلاب و نیز سیاست ایران است. او به تدریس سیاست مقایسه‌ای در دانشگاه کلرادو در بولدر، دانشگاه هاوایی در مانوا، دانشگاه تهران در دانشگاه شهید بهشتی اشتغال داشته است. او همچنین پژوهشگر وابسته به مؤسسه مطالعات سیاسی و بین المللی در تهران بوده است و بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ به انتشار مجله‌ی روابط بین المللی ایران(The Iranian Journal of International Affairs) کمک می کرده است. وی در حال حاضر مشغول تحقیق درباره‌ی گسترش عرصه عمومی در ایران در چارچوب پروژه‌ای است که مؤسسه صلح ایالات متحده از آن حمایت مالی می کند.

[۴۹] سخنان صوفی نخستین بار در روزنامه جامعه مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۹۸ منتشر شد.

[۵۰] این پیمان را در ۱۹۱۶ به امضا رساند، اما هنوز آن را به تصویب نرسانده است. مجلس ایران در ۴ ژانویه ۲۰۰۰، در مورد لایحه پیوستن ایران به اجلاس مقدماتی بین المللی برای CTBT را به مدت ۶ ماه به تعویق انداخت. دولت از مجلس خواسته بود که عضویت ایران در این اجلاس را بپذیرد. تصمیم به تعویق انداختن این امر، پس از امتناع سنای آمریکا از تصویب پیمان صورت گرفت.

[۵۱] برای بیان روشن شدن این موضوع رجوع کنید به، جلیل روشندل و سعیده لطفیان « برنامه‌های اتمی ایران و تبلیغات خارجی » ، که در روزنامه همشهری، ۲۲ و ۲۵ آوریل ۱۹۹۶ چاپ شد. همچنین

Scott Peterson,"Is Iran Next Power on Nuclear Stage", Christian Science Monitor, July ۸,. ۱۹۹۸

پترسون در مورد کاریکاتوری گزارش می‌دهد که در یکی از روزنامه‌های تهران انتشار یافته و اشاره به نکته‌ای دارد که بسیاری از ایرانیان آن را جالب می‌دانند: « عمو سام با ذره‌بین به ایران نگاه می کند تا شواهدی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای بیابد. بی آنکه توجه کند ابرهای قارچ مانند ناشی از آزمایشات اخیر در هند و پاکستان به هوا بر می‌خیزد » .

[۵۲] نزدیکی محل آزمایشات هسته‌ای به ایران مسأله‌ای بود که در مطبوعات ذکر شد. برای مثال: گل آقا، کاریکاتوری را چاپ کرد که در آن یک ایرانی به یک مرد پاکستانی می گوید: « صاحب! ما مریضی داریم که دارد استراحت می کند. لطفا بمب‌ها را چند کیلومتر دورتر منفجر کنید » . (۲۷ اوت ۱۹۹۸).

[۵۳] گل آقا، ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۸.

[۵۴] ارتباطات شخصی، ژانویه ۲۰۰۰.

[۵۵] « در همسایگی اتفاق افتاد » ، پیام امروز ۲۴ تیر ۱۳۷۷؛۹۲.

[۵۶] Guive Mirfendereski, The Iranian, January ۲۰, ۲۰۰۰.

میر فندرسکی، در ادامه چنین استدلال می کند که راه حل مسأله جست و جوی ایران برای وسایل بازدارندگی هسته‌ای در گفت و گوی میان آمریکا و ایران نهفته نیست، بلکه در ره یافت جامعی نهفته است که مبتنی بر اصول جهانی عدم گسترش، تدابیر ایمنی، منع آزمایش‌ها و بازرسی‌های بین المللی برای همگان از جمله اسراییل باشد. از دیدگاهی متضاد، آیزنستات همچنین به صراحت بر مخاطراتی ملتی تأکید می کند که ایران در صورت پای‌بندی شدید به تعهدات NPT، ممکن است با آنها مواجه شود.

[۵۷] این استدلال در ۱۹۹۵ توسط سهراب شهابی و فریده فرهی در مجله‌ی سیاست خارجی (پاییز ۱۳۷۴) به چاپ رسید.

"Security Considerations and Iranian Foreign policy", The Iranian Journal of International Attairs, Summer ۱۹۹۵.

این استدلال بار دیگر از آزمایش‌های اتمی پاکستان توسط دیگران نیز مطرح شد. توجه داشته باشید که در این نوع استدلال‌ها،

احتمال اجرای علنی برنامه سلاح‌های هسته‌ای، احتمالا پس از خروج ایران از NPT به خاطر خطرناک دانسته شدن آن حتی مد نظر نیز قرار نگرفته است. در همین زمان، برخی از هواداران این نظر، به حتم، همه‌ی آنان ممکن است احتمال تعقیب راهکار هسته‌ای را در صورت بهبود روابط بین ایران و آمریکا مد نظر قرار دهند. من به خاطر اشاره به این پیامد از جلیل روشندل ممنونم.

[۵۸] آن گونه که در پیام امروز نقل شد، خرازی گفته است: « ما تحولات جاری را دنبال می‌کنیم و به عنوان یک کشور دوست نگرانی‌های امنیتی پاکستان را درک می‌کنیم... مسلمان با هسته‌ای شدن پاکستان، اعتماد به نفس بیشتری احساس می‌کنند. چون این تحول می‌تواند نقش بازدارنده در برابر قدرت هسته‌ای اسراییل بازی کند. (ص ۹۲)

با این حال سخن گوی وزارت خارجه یک هفته پس از سخنان خرازی، ایده‌ی بمب اسلامی را رد کرد و موضع ایران را مبنی بر خاورمیانه و جنوب آسیای عاری از سلاح‌های هسته‌ای تکرار کرد. چند روز بعد، خرازی در یک کنفرانس خلع سلاح در ژنو، گفت: « این شیطانی است که بسیار بهتر است در بطری محبوس بماند. » .

[۵۹] ایران و شمشیرهای هسته‌ای در پیرامونش، پیام امروز. همان، ص ۹۵.

[۶۰] آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و چالش‌های سیاست خارجی، ایران فردا، شماره ۱۰۱(۱۷ خرداد ۱۳۷۷). نویسنده‌ی این مقاله معرفی نشده است، اما این مقاله به عنوان بخشی از تبادل نظر هواداران سلاح‌های هسته‌ای برای ایران چاپ شده است.

[۶۱] برای یک نمونه از این نوع استدلال‌ها ر. ک. مقاله‌ی شهابی و فرهی. این موضع همچنین به وسیله جلیل روشندل اتخاذ گردیده که سرپرستی پروژه‌ای درباره‌ی تأثیر سلاح‌های هسته‌ای را در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی به عهده دارد. ارتباطات شخصی، دسامبر ۱۹۹۹.

[۶۲] به گفته منصوری « کافی است بدانیم که تعدادی از مقالات منتشر شده در سال گذشته توسط محققان این کشور (اسراییل) در مجلات علمی مشهور بین المللی تقریبا مساوی با کل انتشارات محققان کشورهای اسلامی بوده است. به دلیل ترکیب این توانایی‌های علمی، مالی، نظامی و سیاسی، اسراییل نه تنها یک قدرت هسته‌ای است بلکه، در میان کشورهایی قرار دارد که دارای توانایی هسته‌ای تجدید پذیر هستند. به عبارت دیگر، در صورت حمله علیه تأسیسات هسته‌ای یا زیر بنایی اسراییل، این کشور می‌تواند توانایی هسته‌ای خود را بازسازی کرده و دست به حمله متقابل بزند. » .

[۶۳]"Arms Procurement in Iran: Ad Hoc Decisions Making and Ambivalent Decision Makers", in Eric Arnett (ed), Beyond Threat perception: Military Technology and offensive Capacity in Soutlern Asia, (Oxford University Press, ۱۹۹۹).

[۶۴] پاسخ به یک سؤال، روزنامه فردا، شماره ۱۱۰(۱۷ خرداد ۱۳۷۷).

[۶۵] این موضع همچنین به عنوان دلیلی برای سلاح‌های هسته‌ای بلکه به عنوان یک نگرانی توسط ناظران بی طرف‌تر امور نظامی ایران مانند اریک آرنت انعکاس یافته که معتقدند خطر واقعی تهدید به حمله، ایران را به سوی نظریه بازدارندگی سوق می‌دهد.

Eric Arnett,"Iran is Not Iraq", The Bulletin of the Atomic ۸ Cientists ۵۴, ۱.Jauary/ February ۱۹۹۸.

[۶۶] « پاسخ به یک سؤال » ، پیشین.

[۶۷] هواداران سلاح‌های هسته‌ای برای موضع خود در مورد نیاز ایران به استقرار سلاح‌های هسته‌ای به منظور کسب اهمیت منطقه‌ای، بار دیگر از محافلی غیر منتظره پشتیبانی کسب می‌کنند. بنا به گفته مایکل آیزنستات برای مثال « سلاح‌های هسته‌ای ایران را به قدرت نظامی منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد، وسایلی برای ارعاب همسایگانش در اختیار این کشور قرار خواهد داد و آن را قادر به ایفای نقشی خواهد کرد که رهبرانش به حق آن را شایسته این کشور می‌دانند... سلاح‌های هسته‌ای همچنین ممکن است تنها راه

برای ایران جهت تبدیل شدن به قدرت نظامی، بدون نابودسازی اقتصادش باشد. در حالی که برنامه‌ی سلاح‌های هسته‌ای ممکن است میلیاردها دلار هزینه در بر داشته باشد، بازسازی نیروی نظامی متعارف این کشور ده‌ها میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت » . پیشین. تا آنجا که من می‌دانم، این نوع استدلال اقتصادی تنها پاسخ عمومی به استدلال اقتصادی مخالفان سلاح‌های هسته‌ای است. نکته جالب در این است که این استدلال‌ها را افرادی خارجی ارائه می‌کنند که گمان می‌رود باید مخالف برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران باشند.

[۶۸] کاربرد اصطلاحات تحرک اجتماعی و پرستیژ در سخنرانی حبیب عسگرخانی در پانلی انجام شد که در مورد آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان در مرکز پژوهش‌های مجلس در ۹ ژوئن ۱۳۷۸ ترتیب یافته بود. عسگر خانی در این سخنرانی با اتخاذ موضعی واقع گرایانه، ایده بمب اسلامی را رد کرده و چنین استدلال می‌کند که بنابر درک واقع گرایانه « اگر قدرت یک همسایه افزایش یابد، امنیت شما کمتر می‌شود و نه بیشتر » . سخنرانی عسگرخانی در صورت جلسه مرکز پژوهش‌های مجلس درج شده است.

[۶۹] « آزمایش‌های هسته‌ای » پیشین.

[۷۰] به این دلیل از هر دو طیف سیاسی صحبت می‌کنم که مواضع سیاست خارجی در ایران بسیار سیال بوده است. برای مثال، تا انتخاب آقای خاتمی، این گروه‌های عموما « چپ سنتی » بودند که به طور مؤثر از هر نوع بحث درباره روابط بین ایران و آمریکا جلوگیری کرده و آن را سازش تلقی می‌کردند. از مه ۱۹۹۷، این راست محافظه کار است که تمایل به ایجاد رابطه را توطئه می‌داند.

[۷۱] « آزمایش‌های هسته‌ای » ، پیشین.

[۷۲] حبیب عسگرخانی، پیشین. عسگرخانی از اساتید دانشگاه تهران در یک گردهمایی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در سمیناری در مورد تعریف تهدیدات علیه ایران در ۹ اکتبر ۱۹۹۹ بار دیگر این موضع را تکرار کرد. این تنها اشاره‌ای است که می‌توان از آن احتمال داشتن یک برنامه هسته‌ای توسط ایران را دریافت. البته، صحبت‌های عسگرخانی را به طریق دیگری نیز می‌توان تفسیر کرد. این صحبت‌ها، ممکن است مبین این باشد که حتی یک طرفدار برنامه سلاح‌های هسته‌ای فکر می‌کند که در مدت فقط چند سال، پس از خاتمه فرصت ایجاد شده توسط آزمایش پاکستان نقض NPT و عدم اجرای صحیح آن برای ایران بسیار خطرناک خواهد بود.

[۷۳] بحث مفصل‌تر در این زمینه ممکن است بعدها صورت بگیرد. برای مثال، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، پروژه‌ای را تحت عنوان « تأثیرات هسته‌ای شدن بر امنیت ملی کشورهای جهان سوم » با تأکید ویژه بر ایران، عراق و کره شمالی در دستور کار خود قرار داده است. مدیر این پروژه، جلیل روشندل، مخالف پر و پا قرص سلاح‌های هسته‌ای از جنبه‌های مصلحت گرایانه و نیز اقتصادی است. با این حال، او احتمال توصیه محفوظ نگه داشتن این راهکار، به عنوان یک اقدام سیاسی و نه چیزی بیشتر از آن را پیش بینی می‌کند » . ارتباطات شخصی، دسامبر ۱۹۹۹.

[۷۴] توجه داشته باشید که این انتقادات صرفا متوجه دولت خاتمی نبوده است و نحوه هدایت سیاست خارجی توسط رفسنجانی / ولایتی را نیز در بر می‌گیرد.

[۷۵] باوند، پیشین.

[۷۶] Brion G. Chow. Emerging National Space Launch Programs: Economics and Safeguards, Rand / R-۴۱۷۹ - USDP, (The RAND Corporation: Santa Monica, CA, ۱۹۹۳), pp.۴۳-۴۶.

[۷۷] داده‌های مربوط به موشک‌های ایران از وب سایت بسیار خوبی گرفته شده است که متعلق به مرکز مطالعات دفاعی و امنیت بین المللی بریتانیا می‌باشد. « WWW.cdiss.org » .

[۷۸] اجلاس رامسفلد که از هر دو حزب تشکیل شده است در ۱۹۹۸ هشدار داد که تولید موشک ممکن است از الگوی رایج قدرت‌های بزرگ تبعیت نکند و به مواردی اشاره می کند که موشک‌ها پس از یک آزمایش موفق، استقرار یافته‌اند.

States, Report of the Commission to Assess the Ballistic Missile Threat Executive Sumonary, July ۱۶, ۱۹۹۸, ۲۱- ۲۲ United the to

این هشدار در برآورد اطلاعات ملی سپتامبر ۱۹۹۹ درباره تهدیدات موشک‌های بالستیکی مد نظر قرار گرفت. بر پایه این برآورد، لازم نیست موشک‌ها خیلی قابل اطمینان باشند چرا که ارزش نظامی آنها بیشتر به دلیل تهدید (آشکار یا فنی) ناشی از کاربرد آنهاست و نه نتیجه تقریبا قطعی استفاده از آنها... با برنامه‌های کوتاه‌تر آزمایش پرواز - شاید تنها انجام یک آزمایش - و طرح‌های استقرار بالقوه ساده، زمان بین نخستین آزمایش پرواز تا در دسترس بودن موشک برای استفاده‌های نظامی احتمالا کوتاه خواهد شد. هنگامی که موشک وظایف پروازی حساس خود را به گونه‌ای موفقیت آمیز انجام دهد، استفاده از آن به عنوان ابزار تهدید یا در نقش نظامی امکان پذیر خواهد بود. از این رو، ما سال نخستین آزمایش پرواز را پیش بینی می کنیم و نه تاریخ استقرار موشک به عنوان نشانه اولیه ظهور یک تهدید.

و نیز

Statement for the Record to the senate Foreign Relations Committee,"Foreig Missile Development and the Ballistic Missile Threat to the Unitel States Through ۲۰۱۵" by Robert D. Walpole National Intelligence officer for Strategic and Nuclear Programs, ۱۶ September, ۱۹۹۹.

قابل دسترس در سایت

WWW.cia.govlcia / public - affairs / speeches / archives / ۱۹۹۹ / walpole.htm".

[۷۹] Reuters,"Iran Test - Fires Controversial Shahab Missile", ۲:۳۵ PM Joly ۱۵,۲۰۰۰.ET.

[۸۰] سخنان رییس گور ملی در میز گردی که در ۱۹۹۸، توسط بنیاد بین المللی کارنگی برگزار شد قابل دسترس در:

« WWW.ceip.org / programs / npp / cruise۴.htm » .

[۸۱] برای بحث درباره‌ی دشواری استفاده از رهاسازی زود هنگام مهمات در برابر دفاع موشکی مدرن ر. ک. ب:

Defense News, June ۱۹, ۲۰۰۰, p.۱۹ & Defense News, Joly ۲۴, ۲۰۰۰, P.۲۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می كنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان

